



دروس اجتماعی

صنف ۷

(برای مدارس دینی)



فصل اول

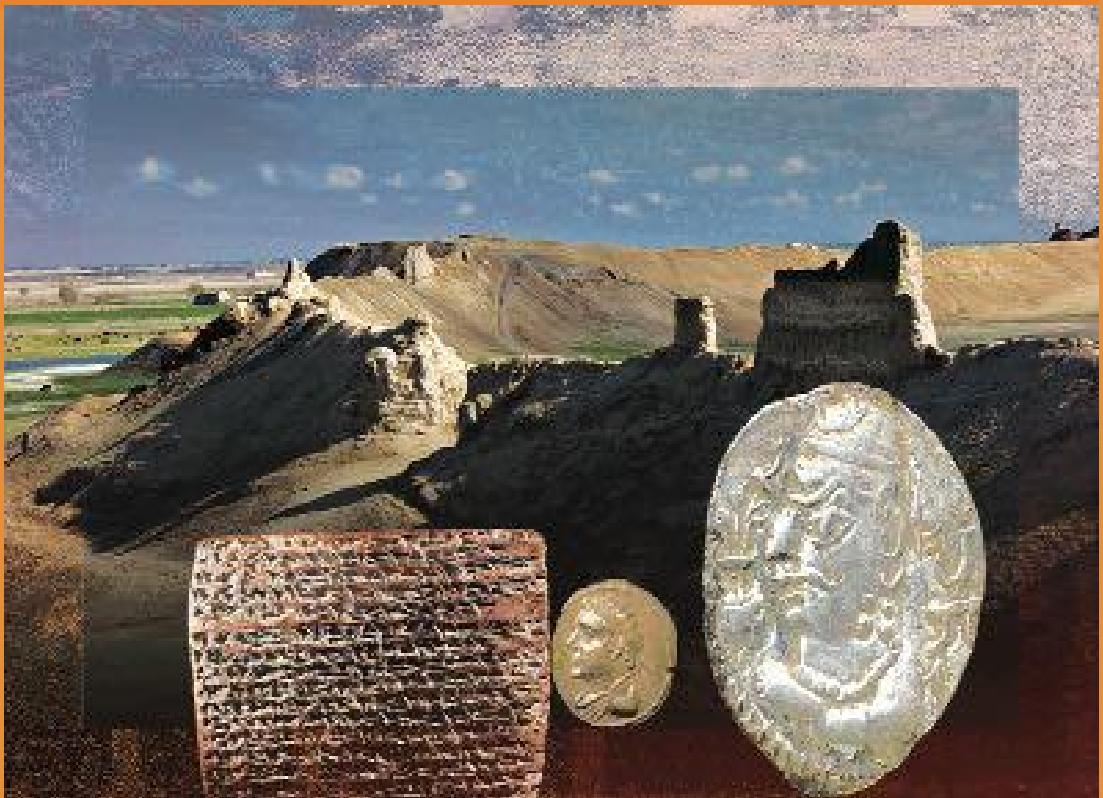
این فصل مشتمل بر درس‌های ذیل می‌باشد

- ۱- علم تاریخ و فواید آن؛
- ۲- ادوار ماقبل تاریخ و تاریخی؛
- ۳- تبدیلی سنوات؛
- ۴- نام‌های تاریخی افغانستان؛

اهداف فصل اول

- ۱- آشنایی شاگردان با تعریف علم تاریخ، اهمیت علم تاریخ، دوره‌های ماقبل التاریخ و تاریخی؛
- ۲- مهارت تبدیلی سنتوات را پیدا کرده بتوانند؛
- ۳- شاگردان نام‌های تاریخی افغانستان را بدانند؛
- ۴- شاگردان نقشه‌های تاریخی افغانستان را ترسیم کرده بتوانند؛
- ۵- در روی نقشه محلات و نقاط مورد نظر را نشان داده بتوانند.

علم تاریخ و اهمیت آن



در این درس شاگردان با تعریف تاریخ و اهمیت آن آشنا می‌شوند.

تعریف تاریخ

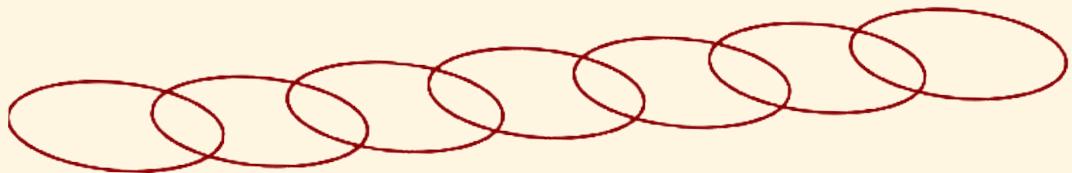
تاریخ علمی است که حوادث گذشته را در قید زمان و مکان بیان می‌دارد. دقت به زمان و مکان در رابطه به حوادث گذشته، تاریخ را از افسانه جدا می‌سازد. هر واقعه و حادثه بی که در زمان معین و مکان مشخص واقع شده باشد، واقعه تاریخی است؛ مثلاً غزوه بادر که در سال دوم هجرت در ماه مبارک رمضان در ۱۵۰ کلیومتری مدینه منوره واقع شد، یک واقعه تاریخی است. این وظیفه علم تاریخ است که در مورد آن واقعه به ما معلومات بدهد.

می‌دانیم که انسانها و جوامع بشری زمانه‌ها و مراحل مختلفی را سپری نموده اند. راه پریچ و خم طولانی را پشت سر گذاشته و به حالات کنونی رسیده اند؛ همه این مراحل و اتفاقات که در طول زمان در نقاط مختلف به وقوع پیوسته، توسط مؤرخین نوشته شده است. این نوشه‌های مؤرخین را تاریخ می‌گویند.

اهمیت تاریخ

۱. تاریخ مارا از حوادث گذشته چه خوب و چه بد آگاه می‌سازد؛ تا از آن‌ها برای تنظیم زندگی درس‌های خوبی حاصل نمایم.
۲. تاریخ مارا از عوامل انسکاف جوامع بشری آگاه می‌سازد.
۳. عوامل سقوط دول را برای ما معرفی می‌کند.
۴. تاریخ روش کننده اذهان نسل‌های آینده است.
۵. تاریخ رهنمایی برای زندگی بهتر می‌باشد.
۶. تاریخ ما را از واقعیت‌های گذشته باخبر می‌سازد.
۷. تاریخ وسیله آشنایی با سایر ملت‌ها و تمدن‌ها است.
۸. تاریخ وسیله شناخت بیشتر انسان‌ها است.
۹. تاریخ آشنایی با چگونگی حفظ میراث‌های فرهنگی است.
۱۰. تاریخ شناخت دانشمندان و بزرگان است.

شاگردان در هر حلقه، تاریخ واقعات محل خویش را به پنسل بنویسند



فعالیت داخل صنف

شاگردان بدو گروپ تقسیم شده، گروپ اول تاریخ را تعریف و گروپ دوم اهمیت تاریخ را بیان نمایند.

سوال‌ها

- تاریخ چیست؟
- وظيفة مؤرخ چیست؟
- اهمیت تاریخ چیست؟

فعالیت خارج صنف

- شاگردان هریک درباره تعریف تاریخ از بزرگان و دانشمندان پرسیده و معلومات بدست آمده را در صنف قبل از شروع به درس جدید بیان نمایند.

ادوار ماقبل التاریخ و تاریخی



در این درس شاگردان در مورد دوره‌های ماقبل تاریخ و تاریخی و خصوصیات این دوره‌ها معلومات حاصل مینمایند.

مؤخرین، تاریخ زنده‌گی انسان‌ها را عمدتاً بر دو دوره بزرگ تقسیم می‌نمایند: دوره قبل از تاریخ و دوره تاریخی. دوره قبل از تاریخ، از زمان پیدایش انسان‌ها و جوامع بشری آغاز شده و تا ایجاد مدنیت‌های اولیه و به صورت خاص رایج شدن خط و کتابت، ادامه می‌یابد. دوره‌های تاریخی از ایجاد خط و کتابت آغاز شده و تا اکنون ادامه دارند.

مدت‌های طولانی از خلقت انسان در کره زمین سپری گردید؛ تا انسان‌ها و جوامع بشری به ایجاد خط و کتابت و مدنیت‌های اولیه رسیدند. این عمر طولانی انسان و جامعه انسانی، نیاز به شناسایی دارد. دانشمندان باستان‌شناسی می‌توانند، در روشن شدن این دوران طولانی زنده‌گی انسان‌ها، ما را کمک نمایند.

دانشمندان، این دوران طولانی را به دوره‌های دیگر تقسیم نموده اند. قدیمی‌ترین عصر زنده‌گی انسان‌ها را تحت عنوان عصر سنگ (Stone age) یاد کرده اند. در این دوره طولانی که هزارها سال را در بر داشت، انسان‌ها وسایل و آلات سنگی را بکار می‌بردند و در مغاره‌ها زنده‌گی می‌نمودند. از پوست حیوانات لباس می‌ساختند. شکار می‌کردند و به جمع آوری میوه‌ها می‌پرداختند.

عصر دومی را به نام مفرغ (Bronze age) یاد کرده اند. برای اولین بار انسان‌ها از فلز در پیشبرد امور زنده‌گی کار گرفتند. مفرغ، فلز ترکیبی از مس و قلعی می‌باشد. جمعیت‌های انسانی بر علاوه تربیه موادی، با زرع نباتات و غرس کردن نهال‌ها و حفاظت درختهای میوه دار آشنایی داشتند.

محلات زیست دائمی را می‌ساختند و صنعت نیز ارزش خویش را داشت. عصر سوم دوران قبل از تاریخ را به نام عصر آهن (Iron age) یاد کرده‌اند. استفاده از آهن جمعیت‌های انسانی را به عصر مدنیت رسانید. استفاده از وسایل آهنی موارد مختلفی داشتند. وسایل کار، آلات زینتی و سامان آلات تفریحی و ذوقی را از فلز آهن می‌ساختند. جمعیت‌های انسانی آن زمان بر علاوه نگهداری مواشی، زراعت و باگداری، پیشنهاد صنعت را نیز به حیث شغل جداگانه ارزش قائل بودند. در این عصر نظام سیاسی و اداری بوجود آمده و زمینه برای تشکیل امپراتوری‌ها مساعد گردید.

دانشمندان تاریخ نیز مانند باستان شناسان، دوره تاریخی را تحت عنوان‌های قرون اولی، قرون وسطی، قرون جدید و قرون معاصر معرفی نموده‌اند.

قرون اولی: این دوره از ایجاد خط و کتابت که حدود سه هزار سال قبل از میلاد بود، آغاز شده و تا قرن پنجم میلادی ادامه می‌یابد.

قرون وسطی: قرون وسطی از قرن پنجم میلادی آغاز شده و تا قرن پانزدهم میلادی ادامه پیدا می‌کند.

قرون جدید: قرون جدید از قرن پانزدهم آغاز می‌گردد و تا قرن هجدهم ادامه پیدا می‌کند.

قرون معاصر: قرون معاصر از قرن هجدهم (انقلاب کبیر فرانسه) آغاز شده و الی اکنون ادامه دارد.

قابل یاد آوری است که این تقسیم بندی یک نمونه از تقسیم بندی‌هایی است که از جانب مؤرخین ارائه شده است. در این تقسیم بندی، عمدهاً حوادث و وقایع کشورهای اروپایی در نظر گرفته شده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول دوره‌های سه گانه قبل از تاریخ را معرفی نمایند و گروه دوم مشخصات آن عصرها را در صنف توضیح دهند.

سوالات

- در عصر سنگ، انسان‌ها وسایل کار را از کدام مواد می‌ساختند؟
- فلز مفرغ چیست؟ شرح دهید.
- انسان‌های عصر آهن کدام پیشه‌ها را داشتند؟ شرح دهید.
- تقسیمات دوره‌های تاریخی کدام‌ها اند؟ نام ببرید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان در خانه‌های خویش وسایل مورد استفاده سنگی، مفرغی و آهنی را لست کرده و در صنف بیان کنند.

تبديلی سنوات تاريخ

در این درس شاگردان راجع به انواع سنوات، و چگونگی تبدیلی آنها به یکدیگر معلومات حاصل مینمایند.

سنوات و تقویم‌ها بهترین راه برای فهماندن و تقسیم زمان می‌باشد. در افغانستان سه نوع تقویم معمول است، که به نامهای هجری شمسی، هجری قمری و میلادی یاد می‌شوند. مبدأ تقویم‌های هجری شمسی و قمری از سال اول هجرت حضرت محمد مصطفی(ص) می‌باشد. تقویم میلادی از تولد حضرت عیسی(ع) آغاز شده است. در امور رسمی، دولتی و اداری افغانستان از تقویم هجری شمسی استفاده به عمل می‌آید. بعضی از روزهای مهم مذهبی مانند ماه رمضان، عید رمضان، عید قربان و از این قبیل روزهای دیگری از تقویم هجری قمری استفاده صورت می‌گیرد.

یک سال تقویم هجری شمسی ۱۲ ماه و جمعاً ۳۶۵ روز می‌باشد. سال هجری قمری نیز دارای ۱۲ ماه بوده؛ ولی تعداد روزهای آن به ۳۵۴ روز می‌رسد. تفاوت میان روزهای دو تقویم شمسی و قمری در هر یک سال به ۱۱ روز می‌رسد؛ بدین اساس در سنه هجری قمری در هر ۳۳ سال یک سال اضافه می‌گردد.

تبديل سنوات

اگر بخواهیم سنه هجری شمسی را به سنه هجری قمری تبدیل نماییم، سنه هجری شمسی را تقسیم ۳۳ نموده و حاصل آنرا با سنه هجری شمسی جمع می‌کنیم که در نتیجه سنه هجری قمری بدست می‌اید.

تفاوت میان سنه هجری شمسی و میلادی ۶۲۱ سال است؛ اما قابل یادآوری است که در سه ماه اخیر سال تفاوت میان این سنوات ۶۲۲ سال می‌باشد.

اگر بخواهیم سنه هجری شمسی را به سنه میلادی تبدیل نماییم، ۶۲۱ را جمع سنه هجری شمسی نموده، سنه میلادی بدست میاید و بر عکس جهت تبدیل نمودن سنه میلادی به هجری شمسی، ۶۲۱ را تفریق سنه میلادی نموده، سنه هجری شمسی بدست میاید.

بطور مثال: تاریخ تولد احمد ۱۳۵۵ هجری شمسی میباشد. این تاریخ را به طور ذیل به سنه هجری

قمری و میلادی تبدیل مینماییم

-۱ سال تولد احمد ۱۳۵۵ هـ.ش

-۲ روش تبدیلی به هجری قمری

$$\begin{array}{r}
 1355 \\
 - 132 \\
 \hline
 0035 \\
 - 33 \\
 \hline
 2
 \end{array}$$

۱۳۵۵ هجری شمسی

+ ۴۱

۱۳۹۶ هجری قمری

-۳

روش تبدیلی به سنه میلادی

۱۳۵۵ هجری شمسی

+ ۶۲۱

۱۹۷۶ میلادی

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شده گروپ اول، تاریخ به قدرت رسیدن احمد شاه بابا (۱۷۴۷ م) را به سنه هجری شمسی و هجری قمری تبدیل نمایند و گروپ دوم تاریخ استقلال افغانستان (۱۲۹۸ هـ.ش) را به سנות هجری قمری و میلادی تبدیل نمایند.

سوالات

- ۱- در افغانستان چند نوع سנות معمول بوده نام ببرید؟
- ۲- در حال حاضر فرق بین سנות هجری شمسی و هجری قمری چند سال است؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان تاریخ تولد خود را به سنه هجری قمری و میلادی تبدیل نموده نتیجه آنرا در صنف ارائه کنند.

نامهای تاریخی افغانستان



در این درس شاگردان با نامهای تاریخی افغانستان آشناشی حاصل می‌کنند.

آریانا

قدیمی ترین نام سرزمین ما آریانا بوده که با آمدن آریایی‌ها در سال (۲۵۰۰ ق.م) این سرزمین به

نام آریانا مسمی گردیده است که آرین به معنی نجیب، شریف، مهمان نواز، زراعت پیشه و صاحب اخلاق نیکو آمده است و این سرزمین محل سکونت آریایی‌ها یاد گردیده است.

آریایی‌ها مردمانی بودند که در سال (۲۵۰۰ ق.م) از آن طرف دریای آمو به نسبت از دیاد نفوس و کمبود جای و علفچرها به طرف افغانستان مهاجرت نموده؛ در دو طرف هندوکش سکونت اختیار نموده و اساس دولت را درین کشور گذاشتند.

این نام از عهد اویستا (هزار سال قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی به این سرزمین اطلاق میشد).

خراسان

کلمه خراسان از دو نام ترکیب شده است که خور به معنای آفتاب و سان، به معنی طلوع است؛ یعنی

جاییکه آفتاب طلوع کندو هم چنان به نام مشرق زمین نیز یاد گردیده است.
این نام توسط یافتلی‌ها در قرن پنجم میلادی به این سرزمین گذاشته شد و تا قرن هژدهم؛ یعنی تاتشکیل
دولت مجدد افغانستان توسط احمد شاه بابا دوام می‌کند.

خراسان طی یک و نیم هزار سال نام این سرزمین بود.

افغانستان

طوریکه در بالا ذکر شد، افغانستان در طول تاریخ به نام‌های مختلف یاد گردیده و این نام در قرن
هژدهم میلادی در زمان احمد شاه بابا به این سرزمین گذاشته شده و تا حال به همین نام مسمی
است.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان به سه گروپ تقسیم شده گروپ اولی درباره آریانا، گروپ دومی درباره خراسان و گروپ
سومی درباره افغانستان معلومات بدھند.

سؤال‌ها

۱. در طول تاریخ افغانستان به کدام نامها یاد گردیده است؟
۲. کلمه آریانا چه مفهوم دارد؟
۳. نام یک کشور چه مفهوم دارد، توضیح نمایید؟

فعالیت‌های خارج صنف

شاگردان هر کدام درباره نام‌های تاریخی افغانستان ازوالدین خود پرسیده و معلومات شان را در صنف
ارایه نمایند.

فصل دوم

این فصل مشتمل بر درس‌های ذیل می‌باشد:

- ۱- جوامع اولیه و وضعیت زندگی آنها.
- ۲- زادگاه اولیه آریایی‌ها
- ۳- طرز زندگی آریایی‌ها
- ۴- مهاجرت آریایی‌ها
- ۵- مهاجرت به سمت شرق و غرب
- ۶- مدنیت ویدی
- ۷- مدنیت اوستایی
- ۸- هخامنشی‌ها
- ۹- هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان
- ۱۰- موریاها
- ۱۱- ساکها
- ۱۲- دولت‌های مستقل یونان و باختری
- ۱۳- مشخصات هنری و فرهنگی دوره یونان و باختری
- ۱۴- امپراتوری کوشانی‌ها
- ۱۵- امپراتوری یفتالی‌ها



اهداف فصل دوم

- ۱- شاگردان با جوامع اولیه آریایی‌ها و مدنیت‌های آنها آشنا شوند.
- ۲- شاگردان را جع به تسلط بیگانگان در افغانستان معلومات حاصل کنند.
- ۳- شاگردان چگونگی به میان آمدن دولت یونان و باختری و خصوصیات فرهنگی آن دوره را بیان کرده بتوانند.
- ۴- شاگردان با امپراتوری‌های کوشانی‌ها و یفتلی‌ها آشنایی حاصل کنند.
- ۵- شاگردان حوادث دوره هخامنشیان را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند، عوامل لشکر کشی اسکندر مقدونی را به افغانستان بدانند و با خصوصیات دوره موریاها آشنا شوند.

جوامع اولیه و وضعیت زنده‌گی آن‌ها

در این درس راجع به خصوصیات جوامع اولیه، چگونگی وضعیت زنده‌گی آنها، عقاید و افکار انسانهای جوامع ابتدایی معلومات ارایه می‌گردد.

از زمان به میان آمدن جوامع بشری، زنده‌گی آن‌ها بسیار ساده و ابتدایی بود؛ در زمانیکه هنوز اختراقات مهم پدید نیامده، دانش بشر از طبیعت اندک بود، انسان، زنده‌گی بسیار سختی در طبیعت گذرانده است. پناه بردن به غارها و تلاش برای بقا باعث شد تا خود را با شرایط جدید عیار سازد، و به حیات خود ادامه دهد.

در ابتداء انسانها، با استفاده از میوه‌های جنگلی و شکار حیوانات حیات خود را ادامه می‌دادند. از پوست حیوانات برای پوشانیدن بدن خویش استفاده بعمل می‌آوردن. و در غارها و چقری‌های موجود، در دامنه کوه‌ها زیست داشتند؛ تا از شدت سرما و گزند حیوانات وحشی در امان باشند. برای شکار و دفاع از خود از سنگ استفاده می‌کردند. با گذشت زمان، انسانها ابزار کاملتر و متنوع تری ساختند. با تراشیدن سنگ شکلهای مختلف چون نیزه، تبر و تیشه می‌ساختند، و بر علاوه سنگ از استخوان حیوانات و از چوب درختان جهت ساختن وسایل گوناگون استفاده می‌کردند.

کشف آتش از نخستین و مهمترین کشفیات بشر بود، که زنده‌گی انسان را بهبود بخشید. انسان با کشف آتش تاریکی را به روشنایی و سردی را به گرمی تبدیل نمود.

در نتیجه، ترس انسان از طبیعت وحشی و ناشناخته کاسته شد؛ همچنان زراعت از مهمترین تحولات زنده‌گی انسان در روی زمین بود؛ زیرا موجب تشکیل جمیعت‌ها، ذخیره غذا، تقسیم کار و پیدایش اجتماعات منظمی شد. که این اجتماعات موجب توسعه خانه سازی، تهیه انواع ظروف، پارچه‌ها و سفال نیز شد و مقدمات پیدایش تمدن‌های بزرگ را در دوره‌های بعد فراهم ساخت.

انسانها نخست یکتا پرست بودند؛ اما گروهی از آنها از راه راست منحرف و مشرک شده‌اند. بعضی از مؤرخین از بُت پرستی، شرک و رواج جادو، خرافات پرستی در دوران قبل از تاریخ حکایت می‌کنند.

مردمان جوامع اولیه از لحاظ عقیدتی دیندار و پابند به دستورات دینی خویش بودند. گرچه عقاید شان جز خرافات بیش نبود؛ اما به زنده شدن بعد از مرگ یعنی دنیای دیگر معتقد بودند. به همین دلیل، هنگام دفن نمودن مردگان خویش در قبر، خوراک و وسایل لازم برای شان می‌نهادند به همین ترتیب اعتقاد و حرمت زیاد به آتش نیز قایل بودند و آن را مقدس می‌شمردند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند، گروپ اول راجع به طرز زنده‌گی انسانهای ابتدایی و گروپ دوم در باره عقاید و افکار مردمان در صنف معلومات ارایه نمایند.

سوالات

- ۱- انسانهای ابتدایی از چه چیزی برای خوراک استفاده مینمودند؟
- ۲- انسانهای جوامع اولیه در کجا زنده‌گی می‌کردند؟
- ۳- انسانهای ابتدایی به همکاری کدام وسایل ضرورت‌ها و نیاز مندی‌های خویش را مرفوع می‌نمودند؟
- ۴- دین و طرز تفکر انسانهای اولیه چگونه بود؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد زنده‌گی انسانهای قدیم از روی منابع و مأخذ و به همکاری استادان خویش مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

زادگاه اولیه آریایی‌ها



بقایای آبادی‌های بلخ قدیم (ام البلاط)

در این درس در مورد خاستگاه اولیه آریایی‌ها به طور مختصر آشنا می‌شویم.

اقوام آریایی؛ چنانچه میدانیم از نژاد سفید بوده و قسمت بزرگ اقوام سفید پوست را تشکیل میداند.

دانشمندان راجع به کانون اولیه زنده‌گی آریایی‌ها نظریات گوناگونی ارائه نموده اند. عده‌ی گهواره نخستین آن‌ها را بحیره بالتیک، بعضی‌ها ترکستان چینی و پامیر میدانند. دسته دیگری از دانشمندان مهد اصلی و اولیه این اقوام را دامنه‌های کوه‌های اورال می‌پندارند. تعداد دیگری از علماء، جنوب سایبریا و به نظر برخی دیگر سرزمین‌های سیحون و جیحون را کانون اصلی اقوام آریایی میدانند.

در مورد سرزمین‌های اصلی اقوام آریایی‌ها معلومات موثق در دست نیست. آنچه روشن است ورود آریایی‌ها به افغانستان قدیم از آن سوی سیر دریا و آمو دریا به بلخ می‌باشد. آریایی‌ها بعد از آن که از سرزمین اصلی شان «آریانه ویجو» به سبب سردی هوا و غیره هجرت نمودند، آهسته آهسته از راه سغد و مرو به باختر «بلخ یا بخدی» وارد شدند.

سرودهای ویدی، ابتدایی ترین و مهمترین منابع و مأخذ در رابطه به شناخت آریایی‌ها می‌باشد.

در سرودهای ویدی معلومات زیادی راجع به قبایل آریایی موجود است. آریایی‌ها محل اقامت خویش را «آریانا ویجه» یا «آریانا و رشو» می‌نامیدند. در سرودهای ویدی از قبیله یی به نام الینا تذکر بعمل آمده است. که ساکنین الینگار «الغمان» کنونی بوده‌اند و ساکنین بولان را بنام «بهالانه» یاد کرده‌اند. در سرودهای ویدی از مناطق تحت حاکمیت آریایی‌ها نیز تذکر بعمل آمده که به عنوان نمونه از هریوا «هرات» هراوتی «دهراوت» بلهیکه «بلغ» می‌توان یاد کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند، گروپ اول در مورد نظریات دانشمندان راجع به کانون اولیه آریایی‌ها و گروپ دوم در مورد سرودهای ویدی در رابطه به شناخت آریایی‌ها معلومات بدهنند.

سوالات

- ۱- محل اقامت اولیه آریایی‌ها کجا بوده است؟
- ۲- علت مهاجرت آریایی‌ها به بلخ ویا بخدی چه بود معلومات دهید؟
- ۳- آریایی‌ها چگونه وارد بلخ گردیدند، توضیح نمایید؟
- ۴- آریایی‌ها محل اقامت خویش را به کدام نامها یاد میکردند؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد زادگاه اولیه آریایی‌ها از روی منابع و مأخذ و همکاری استادان خویش معلومات حاصل کرده و در صنف ارایه نمایند.

طرز زندگی آریایی‌ها



طرز زندگی آریایی‌ها

در این درس شاگردان راجع به زادگاه اولیه آریایی‌ها، نژاد و ورود ایشان به افغانستان معلومات حاصل می‌کنند.

آریایی‌ها در ابتداء، زنده‌گی چوپانی و چادر نشینی داشتند. بعد از جابجا شدن در بخشی روبه زندگی شهری آوردند. آنها نظام خانواده‌گی داشتند، و خانواده را «کولا» می‌گفتند. چند کولا یک قبیله را تشکیل می‌داد. از چند قبیله یک قوم تشکیل می‌شد. که رئیس آنرا «ویس پاتی» می‌گفتند. چندین ویس پاتی توسط شاه که به نام راجا یاد می‌شد، اداره می‌گردید. محل زیست خویش را به نام «پور» یاد می‌کردند. آریایی‌ها در بخشی «بلخ» اساس اولین مدنیت آریایی را گذاشتند. شهر بلخ را مرکز خویش قرار داده، خانه‌های بزرگ با دیوارهای بلند تعمیر کرdenد. برای دفاع از شهر دیوارهای عریض و برجهای متعددی را اعمار کردند، که آثار و بقایای آن زمان تا کنون مشاهده می‌شود.

آریایی‌ها به تربیه و نگهداری مواشی، زراعت و باقداری نیز پرداختند. انواع گلها را پرورش داده و به غرس کردن نهال‌های درختان میوه دار می‌پرداختند.

یکی از مشهور ترین جشن‌های آریایی‌ها به نام سامانه یاد می‌شد. در این جشن جوانان به اسپ سواری می‌پرداختند، نیزه بازی و رقص می‌کردند و میدان‌های رزم و بزم را بر پا می‌کردند. در

عصر ویدی اعتقاد به ارباب الالوان مختلف رواج داشت، با وصف آن که تعداد زیاد از الهه‌ها را پرستش می‌کردند؛ ولی با خداوند واحد نیز عقیده راسخ داشتند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد ارزش‌های آریائیان و گروپ دوم در مورد خانواده‌ها و قبیله آریایی‌ها معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سوالات

- ۱- آریائی‌ها محل زیست خود را به کدام نام یاد می‌کردند؟
- ۲- اساس اولین مدنیت آریائی‌ها در کدام شهر گذاشته شد؟
- ۳- در مورد وضع اجتماعی مردم در زمان آریائی‌ها معلومات دهید؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد چگونگی زنده‌گی آریائی‌ها از روی منابع و مأخذ و همکاری استادان خویش معلومات جمع آوری نموده، برای همصنفان خویش ارایه نمایند.

مهاجرت آریایی‌ها



تصویری از مهاجرت آریایی‌ها

در این درس راجع به مهاجرت آریایی‌ها به نقاط مختلف آریانا معلومات حاصل مینمایید.

طوریکه معلوم است، در مدت زیادی آریایی‌ها در شمال هندوکش در ولایت باختر زنده‌گی می‌کردند. در حیات اجتماعی خود آنقدر مترقی گردیده بودند که شهرها پر نفوس شده مالداری زیاد و چراگاهها غیر کافی شمرده می‌شد. لهذا آریایی‌های باختر شروع به مهاجرت نمودند. در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد خانواده‌ها و عشایر آریایی‌های باختر دسته، دسته بجانب غرب، جنوب و جنوب شرق شروع به مهاجرت نمودند.

یک شاخه آریایی‌ها به طرف غرب مهاجرت کردند که ابتدا به ایران و بعداً به ترکیه و سر انجام به کشورهای اروپایی رسیدند. دسته دیگر به سمت جنوب شرق روی آوردند. ابتدا به هند شمالی و بعد به مناطق مرکزی هند قدیم رسیدند. آن عده از آریایی‌ها که به دو طرف هندوکش مقیم ماندند. به ترتیب دو تمدن «ویدی» و «اوستایی» را یکی بعد دیگری در افغانستان قدیم اساس گذاشتند.

مهاجرت در داخل آریانا

به سبب ازدیاد نفوس، قبایل و دسته‌های آریایی‌های باختر از کوه مشهور هندوکش عبور و

صفحات جنوب این کوه را با تمام وادیهای شرق مملکت اشغال کردند. این دسته مهاجرین و قبیله از هندوکش عبور نمودند، وارد مناطق کاپیسا شده و از راه کابل، تگاب، لغمان، و کتر تا رو دخانه سند پراگنده گردیده اند. همچنان تعدادی از آریایی‌ها از باخته بطرف غرب حرکت کرده و در ولایات غربی و جنوبی کشور مسکن گزیدند. همچنان دسته دیگر از کابل به استقامت جنوب به دامان سفید کوه «سبین غر» و دره‌های کرم، گومل و غیره منتشر شدند. دسته دیگر نیز به حوزه ارغنداب شتافتند.

از باخته دسته‌های دیگر آریایی‌ها که به استقامت غرب حرکت کرده بودند، از میمنه و اندخوی و وادی هریرود منقسم شده و قسمًا به طرف وادیهای هلمند و ارغنداب جابجا شدند. تمام این مهاجرت‌های داخلی کشور بین سالهای (۱۹۰۰ - ۱۴۰۰ق.م) تخمین گردیده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به مهاجرت آریایی‌ها به نقاط مختلف جهان و گروپ دوم راجع به مهاجرت در داخل آریانا در صنف معلومات ارایه نمایند.

سوالات

- ۱- مهاجرت‌های داخلی آریایی‌ها در بین کدام سال‌ها تخمین شده است؟
- ۲- علت مهاجرت آریایی‌ها را بنویسید.
- ۳- راجع به مهاجرت آریایی‌ها به سمت غرب معلومات دهید.

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به مهاجرت آریایی‌ها از روی منابع و همکاری استادان خویش معلومات حاصل و در صنف ارایه نمایند.

مهاجرت به سمت شرق و غرب

در این درس راجع به چگونگی مهاجرت آریایی‌ها به سمت شرق و غرب معلومات ارایه می‌گردد.

الف) مهاجرت بطرف شرق: مقارن سال‌های (۱۵۰۰ ق.م) یک گروپ از قبایل آریایی‌ها منطقه باختر را ترک کرده و با رمه‌های خویش از کوه‌ها و وادی‌ها به تجسس علفچرها و چرا گاهها شروع به مهاجرت نمودند. آن‌ها آهسته به کابل امروزی رسیدند. بعداً از آن جا به ناحیه گندهارا از طریق دریای کابل به مناطق هند شمالی داخل گردیدند و مردم بومی این سرزمین را تحت تسلط خود درآوردند. آریایی‌ها در هند یک سیستم واحد حکومتی را ایجاد نکردند؛ بلکه هر قبیله یک ساحة کوچک را برای خود انتخاب کرد. همینکه آریایی‌ها در هند با ساکنین قدیم و بومی روپرو شدند، آن‌ها را بنام «دادسیو» یاد نمودند. و ایشان را به نظر نفرت و بیگانه دیده به جنگ‌های سختی آغاز کردند؛ تا بالاخره آنها را بطرف جنوب راندند. مشهورترین این دسته جات قبیله بزرگ بهاراته بود که بعداً به مهابهاراته، یعنی بهاراته‌های بزرگ موسوم شدند. آریایی‌ها ای مذکور سرزمین جدید خود را «بهاراتا ورشه» نام گذاری نمودند؛ یعنی چرا گاه بهاراته و این اولین نام مشخص و ملی هند است.

چنانچه کتابی بنام «ویدا» از همین آریایی‌ها به جا مانده که راجع به شناخت آریایی‌ها برای ما معلومات میدهد. جریان مهاجرت آریایی‌ها تا سال (۱۵۰۰ ق.م) به سرزمین هند به شدت ادامه داشت. و از ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م در آن جا به تشکیل سلطنت‌ها پرداختند.

ب) مهاجرت آریایی‌ها به غرب: همزمان با مهاجرت آریایی‌ها به هند یک بخش آریایی‌ها از طریق مناطق هلمند و هرات به سرزمین فارس داخل گردیدند. بعضی از این قبایل آریایی در شمال غرب فارس مسکن گزیدند که به نام (مادها) یاد گردیده و بعضی از قبایل دیگر آن از جنوب غرب فارس امروزی به شرق خلیج فارس مهاجرت نمودند که به نام (فارسها) یاد می‌گردیدند. به همین نسبت سرزمین ایران تا سال‌های اخیر به نام فارس یاد گردیده است. این دو شاخه مهاجرین که از کانون اصلی آریایی‌ها جدا شده و به طرف شرق و غرب رفتند. هر دو با عناصر بیگانه تماس دائمی پیدا کرده و کم و بیش با ایشان مخلوط و منحل شدند و قبیله مادها و

فارس‌ها در فارس مدتی جدا و از هم متفرق تحت ریاست آریایان خود زنده‌گی کرده و چون مدت مدیدی تابع نفوذ سیاسی و مدنی آشوری‌ها بودند، شباهت‌های زیادی با نژاد سامی پیدا کردند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شده گروپ اول در مورد مهاجرت آریایی‌ها به سمت شرق و گروپ دوم راجع به مهاجرت آریایی‌ها به سمت غرب معلومات دهند.

سوالات

- ۱- آریایی‌ها در کدام سالها به مهاجرت آغاز نموده و سرزمین‌های جدید خود را در شرق به کدام نام یاد میکردند؟
- ۲- آریایی‌ها در مهاجرت به فارس از کدام مناطق عبور نمودند؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در مورد مهاجرت آریائی‌ها به سمت شرق و غرب به کمک استادان و منابع معلومات حاصل و در صنف ارایه نمایند.

مدنیت آریایی‌ها



بقایای شهر قدیم بلخ (بخارا)

شاگردان در این درس با مدنیت ویدی، و چگونگی وضعیت کلتوری، اقتصادی و اجتماعی این دوره معلومات حاصل می‌نمایند.

مدنیت ویدی

در مورد آریایی‌ها معلومات لازم را به دست آوردیم. اکنون به اولین مدنیت آریایی‌ها آشنا می‌شویم. اولین مدنیت در تاریخ افغانستان به نام ویدی یاد می‌شود. نام این مدنیت از کتابهای ویدی گرفته شده است. این مدنیت در حدود ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد آغاز و تا ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشت. معلومات پیرامون این مدنیت از کتاب‌های چهار گانه ویدی بدست آمده است. در متون ویدی علاوه بر معلومات در مورد وضع سیاسی، اقتصادی، کلتوری و اجتماعی آریایی‌ها، معلومات پیرامون اخلاقی، عقیده و کلتور آن زمان نیز وجود دارد؛ چنانچه قبلاً مطالعه کردیم، آریایی‌ها نظام خاص اجتماعی داشتند. در جمیعت‌های آریایی‌ها نظام شاهی حاکم بود. جامعه به ترتیب خاص اداره می‌گردید. در راس خانواده پدر (پاتی) قرار داشت. چند خانواده یک عشیره را تشکیل می‌داد که در راس آن کوتراپاتی قرار داشت. از چند عشیره یک قبیله به وجود می‌آمد که در راس آن گرامه پاتی قرار داشت. رئیس چند قبیله را ویس پاتی می‌گفتند. چندین ویس پاتی توسط شاه که به نام راجا یاد می‌شد، اداره می‌گردید. در رابطه با اوضاع اجتماعی آریایی‌ها نیز در سروده‌های ویدی معلومات روشن وجود دارد. بطور مثال زن در دوران مدنیت ویدی مورد احترام بود، با وصف آنکه تولد پسر را مایه خوشبختی می‌پنداشتند؛ ولی زنان عصر ویدی جایگاه خاصی داشتند؛ چنانچه در ریگویدا به تعداد زیادی

از اشعار زنان که از لطافت و صنعت خاص هنری بر خوردار است، ثبت گردیده‌اند. یکی از این شاعران زن به نام (خانم گوشاه) شهرت بسزا داشت که اشعارش در جلد اول ریگویدا ثبت است. (خانم لوپامودرا) شاعر زن دیگریست که اشعار او نیز در کتاب اول ریگویدا آمده است. در مدنیت ویدی نظام خاص اقتصادی وجود داشت. جمعیت‌های مدنیت ویدی احتیاجات اساسی زنده‌گی خویش را از طریق کشت نباتات و مالداری بر آورده می‌نمودند. دارایی آریایی‌ها از تعداد رمه‌های حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو و غیره معلوم می‌گردید. آریایی‌ها در پهلوی زراعت و مالداری به مبادله و تجارت نیز مصروف بودند. واحد تبادله متابع تجاری و کالاها در عصر ویدی گاو بوده که آنرا (پیسو) می‌گفتند. کلمه پیسه واحد پولی امروزی نیز ریشه خویش را به کلمه پیسوی دوران آریایی‌های عصر ویدی می‌رساند. در دوران مدنیت ویدی مردم بافت تکه‌ها از پشم حیوانات را یاد داشتند. لباسهای متنوع را می‌دوختند. از فلزات و سایل مختلفی را می‌ساختند. از فلزات بر علاوه آلات ظریف تزیینی و سایل محکم برای استفاده در امور تولیدی نیز می‌ساختند، ظروف متنوع و گونا گون گلی، چوبی و فلزی مروج گردیده بود. ظروف خاصی را برای نوشابه‌ها نیز می‌ساختند. در مدنیت ویدی همه اهل کسبه؛ مانند: آهنگران، نجاران، کلالان و غیره با عزت و حرمت زیاد زنده‌گی می‌کردند. در عصر ویدی اعتقاد به ارباب‌النوع مختلف رواج داشت. از جمله الاهه‌ها یکی هم الاه (اوشاوس) بود که آنرا زن می‌پنداشتند و به نام الاهه سپیده دم نیز یاد می‌گردید. با وصف آنکه تعداد زیادی از الاهه‌ها را پرستش می‌کردند؛ ولی با خداوند واحد عقیده راسخ داشتند؛ چنانچه در ریگویدا آمده است: «بر هر ثابت و بر هر جنبده و نیز بر هر آنچه راه می‌رود و بر هر آنچه می‌میرد و بر تمام این آفرینش رنگارنگ، تنها یک ذات حکمرانی می‌کند».

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد وضع سیاسی مدنیت ویدی، گروپ دوم در مورد وضع اقتصادی مدنیت ویدی و گروپ سوم در مورد اعتقادات دوران ویدی معلومات خود را در صنف بیان کنند.

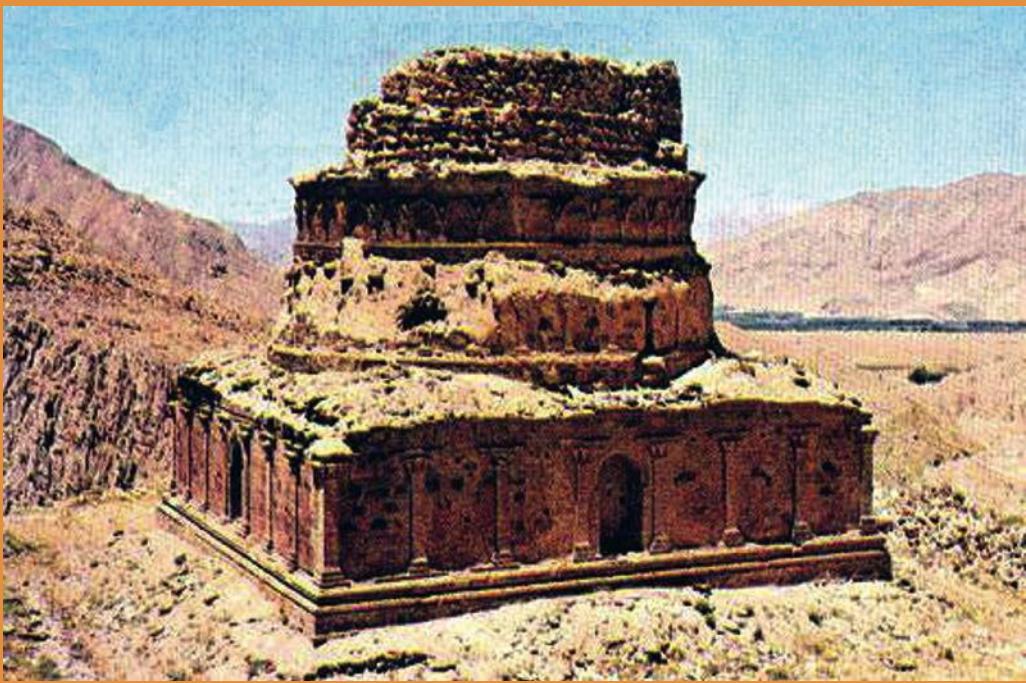
سؤال‌ها

- ۱- اولین مدنیت آریایی در افغانستان به چه نام یاد می‌شود؟ مختصراً بیان کنید.
- ۲- زنان در مدنیت ویدی از چه مقامی برخوردار بودند؟ شرح دهید.
- ۳- در مورد عقاید مردمان مدنیت ویدی چه می‌دانید؟ معلومات خویش را بیان کنید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان از بزرگان خود در رابطه به اعتقادات مردمان قبل از اسلام پرسند و معلومات بدست آمده را در صنف بیان کنند.

مدنیت اوستایی



آتشکده بُلخ

شاگردان در این درس در مورد مدنیت اوستایی و چگونگی وضعیت کلتوری و اجتماعی معلومات حاصل می‌نمایند؟

مدنیت اوستایی دومین مدنیت در تاریخ قدیم افغانستان می‌باشد، نام این مدنیت از کتاب اوستا گرفته شده، که برای زردهشیان مقدس می‌باشد. اوستا را به معنی قانون، بنیاد و دستور آورده اند. این مدنیت در حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده و تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشت. مدنیت اوستایی در بُلدی اساس گذاشته شد. در این رابطه در کتاب اوستا آمده است که: «یمه به امر اهورا مزدا یک واره را ساخت که طول و عرض آن به یک اسپرس (یک میدان اسپ دوانی) بود در آن حیوانات مانند گوسفند و گاو، مرغان و جانوران مانند: سگ و غیره را نگاه داشتند و جای آب را هم به درازی یک هانه (میل) حفر کرد و در آن واره بازارها، گذرها و خانه‌ها را به ترتیب مخصوص ساختند؛ ولی مردم علیل، دروغگو و پست و دیوانه را در آن شهر جای نداد».

زردشت که سپین تمان نیز نامیده شده است، پیشوای زردهشیان، ایجادگر اوستا و محرک معنوی مدنیت اوستایی می‌باشد. موصوف نصایح جدی اجتماعی را در سروده‌های خویش تبلیغ کرده است.

زردشت برای زنده‌گی سالم انسانی سه اصل را تبلیغ می‌نمود که عبارت بود از: گفتار نیک،

کردار نیک و پندرانیک. در مورد زنده‌گی و شخصیت زردشت، کتاب اوستا شهادت میدهد که، موصوف در اطراف شهر قدیم بلخ (بخدی) زیسته است. زردشت متعلق به یکی از خانواده‌های نجیب سرزمین افغانستان قدیم بود. بر اساس همین سوابق خانواده‌گی بود که موصوف در زمان اعلان اصلاحات فکری و تبلیغ آئین نوین با تعدادی از وزرا و حکمرانان با نفوذ روابط خویشاوندی داشته و آنرا حفظ کرده بود. عده‌یی از مؤرخین زردشت را مربوط به خاندان مشهور اسپه می‌شناسند. در اغلب نام‌های خانواده زردشت کلمه اسپه به گونه مکرر یاد شده است؛ چنانچه پدر زردشت پوروسپه نام داشت و جد او به نام میچت اسپه یاد شده است که معنی صاحب‌های قوى را می‌رساند. کتاب اوستا بوسیله زردشت ارایه شده است. این کتاب در حقیقت اصول رهنمايی برای پیروان آئین زردشتی است. اوستا از جمله کتب قدیم جهان به شمار می‌رود که غالباً حوادث سال‌های ۱۲۰۰ الی ۶۰۰ قبل از میلاد را در بر گرفته است. در مدنیت اوستایی طبقات سه گانه اجتماعی (روحانیون، نظامیون و دهاقین) وجود داشت. مردم ده نشین شده بودند. زراعت و باعذرای پیشه اصلی آنها بوده و در پهلوی آن، به مالداری نیز مشغول بودند. وسایل و ابزار فلزی (خاصتاً فلزبرونز) را استعمال می‌نمودند؛ علاوه بر آن در اوستا معلومات پیرامون اشخاص سیاسی نیز آمده است؛ از جمله نام‌های یاد شده مربوط به سلاله‌های تاریخ اساطیری افغانستان می‌باشند؛ مانند: پیشدادیان، کیانی‌ها و اسپه.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد اوستا و گروپ دوم در مورد زردشت و نصایح آن معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

سوال‌ها

- ۱- در مورد تمدن اوستایی و معنی آن چه می‌دانید؟
- ۲- زردشت کی بود؟
- ۳- مدنیت اوستایی بر چند طبقه اجتماعی تقسیم شده بود؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان از گفتار نیک، کردار نیک و پندرانیک چه معنی را می‌گیرند؟ از اقارب و دوستان خویش بپرسند و معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

هخامنشی‌ها



ساحه قلمرو امپراتوری هخامنشی‌ها

در این درس راجع به چگونگی حاکمیت هخامنشی‌ها در افغانستان و سقوط آنها توسط یونانیان معلومات حاصل مینمایید.

هخامنشی‌ها از جمله قبایل فارس بودند که مدت‌ها قبل در فارس قدیم میزیستند. فارس‌ها ده قبیله بودند که هخامنشی‌ها یکی ازین قبایل بودند و عرف آریایی داشتند. در آن وقت در افغانستان حکومت مرکزی وجود نداشت و در هر گوشه افغانستان حکومات محلی حاکم بودند. حکمرانی هخامنشی‌ها در قرن ششم قبل از میلاد توسط کوروش هخامنشی تأسیس شد. هخامنشی‌ها علاوه بر مربوطات فارس قدیم، مناطق شرقی و غربی خارج از مرزهای امپراتوری خویش را نیز به تصرف در آوردند.

در سال ۵۴۹ قبل از میلاد، نیروهای هخامنشی تحت فرمان کوروش قسمت‌های از افغانستان را برای مدتی به تصرف درآورد. بعد از کوروش پرسش کمبوجیه به قدرت رسید، نامبرده بیشتر به مرزهای غربی فارس باستان توجه کرد. با فرعون مصر جنگیده اورا مغلوب ساخت و مصر را اشغال کرد.

داریوش جهت تسخیر هند دریای سند را عبور کرد، سند و پنجاب را متصرف شد. داریوش امپراتوری وسیع خویش را که در ترکیب آن ۴۸ نوع نژاد، ادیان مختلف، رسوم، عادات

ولسان‌های متنوع وجود داشت، با تدبیر خاص اداره می‌نمود. در یکتعداد سنگ نوشته‌هایی که از حکمرانان هخامنشی‌ها بجا مانده، آمده است، که دامنه حکمرانی هخامنشی‌ها به طرف شرق گسترش یافته است. یکی از این سنگ نوشته‌ها سنگ نوشته بیستون است که در آن بیشتر از ۲۱ منطقه تحت حاکمیت هخامنشی‌ها ذکر گردیده است. از حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها چون: داریوش اول، خشاپارشاه، داریوش دوم، اردشیر دوم و تعدادی دیگری به اریکه قدرت رسیدند. عده‌یی از آنها مناطق زیادی را متصرف شدند؛ اما در سال ۳۳۳ قبل از میلاد امپراتوری هخامنشی توسط یونانیان از بین رفته و متصرفات آن بالامپراتوری یونانی ملحق گردید.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان بدو دسته تقسیم شوند دسته اول حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها را معرفی نموده و دسته دوم راجع به سنگ نوشته بیستون به هم صنفان خویش معلومات ارایه نمایند.

سوالات

۱. کدام امپراتور هخامنشی برای تسخیر افغانستان کوشش نمود؟ معلومات دهید.
۲. امپراتوری هخامنشی‌ها چه وقت و توسط کی بوجود آمد؟ معلومات دهید.
۳. امپراتوری هخامنشی از طرف چه کسی سقوط کرد؟ مختصرًا معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان راجع به امپراتوری هخامنشی‌ها معلومات جمع آوری نموده در صنف آنرا ارایه نمایند.

هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان



اسکندر مقدونی

دراین درس در رابطه به حمله اسکندر مقدونی بر افغانستان و ایجاد اسکندریه‌ها در افغانستان معلومات بدست می‌آورید.

اسکندر مقدونی در سال ۳۳۱ قبل از میلاد بعد از درگذشت پدرش فلیپ دوم که حاکم یونان بود زمام امور را بدست گرفت. وی بعد از بقدرت رسیدن به فتوحات خود بطرف مصر، ایران، افغانستان و هندوستان آغاز نمود. اسکندر توانست در مدت ۱۲ سال قلمرو خود را بسیار گسترش دهد. بدین اساس به کبیر ملقب گردید.

اسکندر مقدونی بعد از تسخیر امپراتوری هخامنشی‌ها متوجه افغانستان شد و بدون وقفه در سال ۳۳۰ قبل از میلاد به سرزمین افغانستان هجوم آورد. سکندر بعد از تسخیر هرات در آنجا بنام اسکندریه یک شهر را اساس گذاشت که همانا هرات فعلی بشمار می‌رود.

بعد از تسخیر هرات عساکر اسکندر به طرف فراه و مربوطات آن حملات خود را آغاز کرد و نواحی سیستان را متصرف شد، و مرکز بلوچستان (زریاسب) را نیز تسخیر نمود.

بعد از آن سوقيات خويش را به طرف اراکوزيا (قندهار) آغاز کرد. در سال ۳۲۹ قبل از میلاد ارغنداب را تصرف نمود و در همین سال در نزدیکی قندهار هم یک پایگاه عساکر را تاسیس کرد. با وجودیکه تا این زمان اسکندر سه ولایت مهم افغانستان باستان، نظیر هرات، بلوچستان

وقدندهار را تحت سلطه خود درآورده بود، اما حاکم قبلی هرات استقلال هرات را اعلام نمود. اسکندرجهت سرکوب قیام هرات تعدادزیادی عسکر فرستاد و هرات مجدداً درا شغال نیروهای اسکندر درآمد.

به تعقیب اشغال هرات، سیستان و قدندهار، اسکندر مقدونی متوجه کابل شد. نامبرده در سال ۳۲۹ قبل از میلاد به کابل رسید. بعداز تسخیر این مناطق از طریق پغمان به کاپیسا رفت و در آنجا برای عساکر خویش اسکندریه قفقاز (بگرام کنونی) را ساخت و بعد در بهار همین سال از راه اندرباب بالای عساکر بوسوس والی سابق هرات حملات خود را آغاز نمود. بسوس به همت نیروهای باختری به حملات خود بالای عساکر اسکندر ادامه داد. این وضعیت تا سال ۳۲۷ قبل از میلاد دوام نمود در همین حال اسکندر بایکی از قومدانان نیروی باختری دست دوستی داد و بادختری جوانی به نام رخشانه ازدواج نمود، به این ترتیب مناطق باختری را در تصرف خویش نگهداشت.

اسکندر مقدونی بعداز تسخیر باختر از راه کاپیسا به کابل و در آنجا با استفاده از راه درونته به نواحی کتر و اسمار رسید. در مناطق یادشده، طی جنگ‌های سنگین با یوسف زایی‌ها مجروح شد. پس از آن بطرف باجور و چترال روآورد و این مناطق را تصرف نمود.

اسکندر، جریان تصرف این مناطق را تداوم بخشدید و در سال ۳۲۵ قبل از میلاد در بندر بحری کراچی اسکندریه دیگری ساخت. از آنجا به طرف گدروزیا (بلوچستان) رونمود؛ ولی زمانیکه به بابل رسید، در آنجا به مرض ملاریا مبتلا شد که درنتیجه آن به عمر ۳۲ سالگی درگذشت.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان سمت لشکرکشی اسکندر مقدونی را در نقشه نشان دهند.

سوالات

۱. اسکندر مقدونی در کدام سال امپراتوری هخامنشی‌ها را ازین برد؟ معلومات خویش را بنویسید.
۲. اسکندر مقدونی در باخترا کدام دختر ازدواج نمود؟
۳. اسکندر مقدونی در کدام ولایات اسکندریه‌ها ساخت؟ معلومات دهید.

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان با استفاده از منابع دیگر معلومات را در مورد اسکندر مقدونی جمع آوری نموده و در صنف بیان دارند.

موریاها



سکه طلایی عصر چندرًا گوپتا

درین درس شاگردان در مورد حکومت موریاها و اوضاع سیاسی آنزمان معلومات حاصل می‌نمایند.

اولین حاکم موریاها چندرًا گوپتا نام داشت که در سال ۳۲۴ قبل از میلاد در هند حاکم گردید. چندرًا گوپتا بعضی نقاط شرقی افغانستان را که تحت حاکمیت حکمرانان یونانی قرار داشت، تصرف نمود درین زمان نیروهای سلیکوس یونانی ابتداء باختر و بعد از آن وادی کابل را مجدداً بدست آورد و چندرًا گوپتا را تا دریای سند به عقب راند، ولی در پی یک سلسله پیروزی‌های مؤقت عساکر سلیکوس دوباره مورد حملات چندرًا گوپتا قرار گرفت؛ تا بالآخره وی مجبور شد که به چندرًا گوپتا دست دوستی بدهد و دختر خویش را به عقد نکاح وی در آورد؛ علاوه بر آن گندهارا (ننگرهار)، اراکوزیا (قندهار) و گدروزیه (بلوچستان) را نیز به چندرًا گوپتا واگذاشت. چندرًا گوپتا در سال ۳۰۰ قبل از میلاد در گذشت و پسر وی بندوسارا قدرت را در دست گرفت. درین وقت در امپراتوری یونانی مراکر مختلف بوجود آمد و جنگ‌های شدید در میان آنها آغاز شد. با وجود انکه جنگ میان نیروهای یونانی جریان داشت؛ اما روابط خوب بین سلوکیدیان و موریاها روز به روز وسعت می‌یافت و روابط تجاری میان آنها گسترش یافت. این روابط سبب شد تا زمینه اختلاط فرهنگ هندی و یونانی فراهم شود.

بعد از بندوسارا حکمران معروف سلسله گوپتایی (آشوکا) بقدرت رسید. نامبرده جهت انتشار آئین بودایی زحمات زیادی را متحمل شد و مبلغان زیادی را به افغانستان و نقاط مختلف جهان

فرستاد وی در قلمرو تحت سلطه خویش فرمان‌های بروی سنگ‌های نوشت که از آین بودایی نماینده گی مینمود. در کندهار، ننگرهار (درونته) و بعضی مناطق دیگری، ازین نوشته سنگ‌های که فرمان‌های آشو کا به روی آنها مرقوم شده، موجود است. با آغاز زمامداری ایتدیم، یکی از والیان آشو کا که بر حوزه کابل و گندهارا حکم می‌راند، به شکست مواجه شد. به این ترتیب حکمرانی موریاها به قسمت‌های جنوب افغانستان ازین رفت. ایتدیم حملات باخترا تا مناطق جنوبی هندوکش رساند و استقلال افغانستان را اعلام کرد.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان به گروپ‌ها تقسیم شوند و هر گروپ به ترتیب، قلمرو سرحدات حکمرانی موریاها را بروی نقشه نشان دهند.

سوالات

- ۱- راجع به نخستین حکمران موریاها چه میدانید؟ تحریر دارید.
- ۲- چندرا گوپتا در کدام سال وفات کرد؟
- ۳- راجع به آین آشو کا چه میدانید؟

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان در کتابخانه، نام کتاب، مؤلف و سال چاپ کتاب را جستجو کند که راجع به حکمرانان موریاها نوشته شده باشد.

ساکها



بقایای تاریخی سیستان

در این درس راجع به حاکمیت ساکها در ساحات جنوب افغانستان چون اراکوزیا(کندهار) سکستان(سیستان) معرفت حاصل مینمایید.

آخرین حکمران دوره یونان و باختری هیلوکیلس بود. نامبرده بر تمام قلمرو امپراتوری یونان باختری حاکمیت داشت. بعد از او حاکمان محلی بوجود آمدند، که هریکی از ایشان بر منطقه کوچکی حکومت میکردند. این جریان تا صد سال قبل از میلاد ادامه یافت. مناطق جنوب افغانستان چون: اراکوزیا(کندهار) سکستان(سیستان) قوم نیر و مندی به نام ساکها حاکمیت خویش را بنیاد گذاشتند. اولین حاکم این قوم جدید بنام هرایوس شناخته شده است. وی هم چون امپراتوران یونان و باختری بنام خود سکه ضرب میزد.

ساکها به مدت کوتاهی دامنه متصرفات خود را تا تاکسیلا، سند و حوالی بولان بلوچستان وسعت دادند. ساحات جنوب و جنوب شرقی امپراتوری یونان و باختری را نیز تحت تسلط خویش در آوردند.

بعد از هرایوس، مایوس (۷۲) سال قبل از میلاد به قدرت رسید. وی به روی مسکوکات خویش لقب شہنشاه را نوشت. یک نامه از زمان حاکمیت وی به دست باستان شناسان رسیده و بر روی پارچه مسی تحریر شده، که در این نامه ۷۸ سال قبل از میلاد، استفاده از رسم الخط یونانی و خروشته

آشکارا ظاهر می‌شود.

بنابر عقیده مورخین، کلمات و اسمای از زمان زمامداری ساکها باقی مانده تا هنوز هم بین پشتوزبانان مرسوم است؛ به طور مثال افغان شناس اروپایی (سرالوف کامیرو) معتقد است که (ساله که دمه) کلمه است که به روی مسکوکات ساکها نوشته شده و معنی (سریازتوانا) را میرساند، و یا کلمه دیگری (سپاله هوره) به معنی سرباز آتشین یا درخشندۀ آمده است. حاکمیت ساکها بوسیله کوشانی‌ها از بین رفت.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان بین هم راجع به ساکها گفتگو نموده و از یکدیگر سوال کنند و جوابات آنرا نیز خودشان ارزیابی کنند.

سوالات

- ۱- اولین مرکز ساکها در کجا بود؟ معلومات دهید.
- ۲- نخستین حکمران ساکها چه نام داشت؟ مختصرًا معرفی نمایید.
- ۳- مایوس در کدام سال بقدرت رسید؟ بنویسید.

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان از بزرگان شان بپرسند که آیا قریه را بنام ساکها میشناسند؟ معلومات خوبیش را در صنف ارایه بدارند.

دولت‌های مستقل یونان و باختری



نمونه‌ی بی از مسکوکات ایوکراتید

در این درس شاگردان در مورد چگونگی تاسیس دولت‌های مستقل یونان و باختری و وضعیت سیاسی این دوره معلومات حاصل می‌نمایند.

قبل از مطالعه کردیم که قلمرو امپراتوری اسکندر در میان قوماندانان یونانی تقسیم گردید. سلوکیدهای یونانی نیز قسمتی از امپراتوری اسکندر را در اختیار داشتند. آنها شام و مربوطات آنرا اداره می‌کردند. سلوکیدها شخصی به نام دیودیتس اول را به حیث والی باختر توظیف نمودند. موصوف بعد از رسیدن به باختر، استقلال باختر و سعدیانه را اعلام کرد. دوران حکمرانی دیودیتس بین سالهای ۲۴۵-۲۳۰ قبل از میلاد بود. بعد از او دیودیتس دوم امور اداره باختر را در دست گرفت. موصوف با دولت تازه به استقلال رسیده اشکانیان روابط دوستانه برقرار نمود؛ زیرا هر دو دولت جدید بر خلاف سلوکیدهای شام (سوریه) بودند.

ایوتیدیوم، مقتدر ترین شاه دولت یونان - باختری بود که در دوران حکمرانی خویش هجوم سلوکیدهای شام را دفع و به مصالحه و مدارا عقب زد. موصوف قسمتهای جنوب هندوکش را بدون جنگ از سلطه دولت هند آزاد ساخت. در قسمتهای غربی تا حدود توپ پیش رفت. کашغرستان در شمال و بلوچستان در جنوب را نیز به افغانستان آن زمان ملحق ساخت. در همین دوره بود که باختر نام (هزار شهر) را در جهان آن زمان کسب نمود.

شاه دیگری یونان - باختری دیمتروس نام داشت. موصوف تا سند و نزدیک پنچاب پیشروی کرد و هندوستان شمالی را تا کناره‌های گنگاه تسخیر نمود. سرحدات امپراتوری یونان - باختری از دشتهای فارس (ساحات مرکزی ایران موجوده) الی مناطق گنگاه و از ساحات سیحون و جیحون تا بحر هند کشیده شده بود. فتوحات شاهان یونان - باختر الی سالهای ۱۷۵ قبل از میلاد ادامه داشت.

ایوکراتید شاه دیگر یونان - باختری بود. موصوف والیهای را در امپراتوری خویش مقرر نمود که زمینه دولتهای مستقل را در هند به وجود آوردند. از زمان به قدرت رسیدن ایوکراتید، سقوط دولت و امپراتوری یونان - باختری آغاز گردید. از یک طرف حملات اشکانیان در غرب امپراتوری و از جانب دیگر قبایل ستی در داخل کشور، پروسه از بین بردن و سقوط دولتهای مستقل یونان - باختری را مساعد ساخت. دولت یونان - باختری در سال ۱۳۵ قبل از میلاد مرکز خویش را از بلخ به بگرام انتقال داد و مسئله تا جای رسید که در سال ۷۰ قبل از میلاد اول ساکها در جنوب افغانستان به قدرت رسیدند و بعداً شاخه بی از قبایل (ستی‌ها) که به نام (یوچی) شهرت دارند و در تاریخ قدیم افغانستان به نام کوشانیان معروف هستند، بلخ را تصرف کرده و سلسله دولتهای یونان - باختری را سقوط دادند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد به قدرت رسیدن و اعلان آزادی ساحات باختر و سعدیانه و گروپ دوم در مورد شاهان مشهور این سلسله معلومات خویش را در صنف ارایه نمایند.

سوال‌ها

- ۱- در مورد ایوتیدیوم چه می‌دانید؟ معلومات خویش را بنویسید.
- ۲- دیمتریوس کی بود و در مورد کارنامه‌های او چه میدانید؟
- ۳- زوال امپراتوری یونان - باختری چگونه آغاز گردید؟ معلومات خویش را بنویسید.

فعالیت خارج صنف

هر شاگرد نقشه امپراتوری یونان - باختری را در خانه ترسیم نموده و در صنف به دیگر شاگردان نشان دهند.

مشخصات هنری و فرهنگی دوران یونان - باختری



نمونه از مسکوکات دیمتروس

در این درس شاگردان راجع به دست آوردهای کلتوری دوره یونان - باختری و مشخصات آن معلومات حاصل می نمایند.

شکی نیست که هم زمان با هجوم نظامی اسکندر، با عساکر یونانی، هنر مندان، دانشمندان و سایر اهل پیشه نیز به سرزمین های مفتوحه از جمله افغانستان آمدند. اختراقات و ابداعات این هنرمندان با فرهنگ سرزمین های شرقی به خصوص مردم قدیم افغانستان یکجا شده و صبغه افغانی را به خود گرفت.

وضع اقتصادی دوران یونان و باختری رشد مناسب داشت. روابط تجاری، پیشه های متنوع صنعتی، مالداری و آبیاری انکشاف قابل ملاحظه کرده بود. ایوتیدیم سکه های ساخته شده از طلا و نقره را به نام خود ضرب نموده است، که نماینده گی از وضع خوب و مناسب اقتصادی می نمایند. راه های تجاری باز گذاشته شده بود و امنیت راه های کاروان ها تامین می گردید. ساحات مختلف کشور به وسیله والیان که غالباً شهزاده گان بودند، اداره می گردید.

ادame حاکمیت شاهان یونان و باختری برای مدت تقریباً ۱۴۰ سال، اثرات بزرگی بر مزج و ترویج فرهنگ جدید بر جا گذاشت که از جمله می توان به ترویج صنایع مختلف، ایجادهای اختراقات هنری، زبان، رسم الخط و جنبه های دیگر فرهنگی یاد کرد. این همه اثرات فرهنگی در سرتاسر قلمرو امپراتوری یونان و باختری با عناصر محلی یکجا شده و فرهنگ خاص را به وجود آورده بود که به نام مدنیت یونان و باختری در تاریخ قدیم شهرت یافته است.

در یکی از کتیبه های دوران یونان و باختری که در آی خانم بدست باستان شناسان رسیده است،

چنین می‌خوانیم

در زمان طفولیت تربیه خوب بگیر.

در جوانی بر خواهش خویش حاکم باش.

در پخته سالی راستکار باش.

در پیری اندرز دهنده باش.

در روزهای واپسین زنده گانی، بدان که چگونه بدون افسوس بمیری.

اثرات یونانیان در امور ساختمانی و عمرانی نیز محسوس بود. مراکز اداری و نظامی خویش را عمدتاً در مقاطع دریاها می‌ساختند. نمونه‌های این گونه عمرانات را در بقایای بگرام و آی خانم دیده می‌توانیم، در ساختمانها شیوه تدافعی مد نظر گرفته می‌شد. بر جهای مراقبتی، خندق‌های دفاعی و سدهای گونا گونی را در ساختمان‌ها مد نظر داشتند.

به عقیده مؤرخین نفوذ یونانی‌ها تا قرن هفتم میلادی در افغانستان دوام کرد. این اثرات عمدتاً در بخش رسم الخط و هنر چشم گیر بود. کتیبه‌های متعدد که در نقاط مختلف بدست آمده، این ادعا را تایید می‌نمایند. هنر مجسمه سازی، رسمی و نقاشی بر ظروف شیشه‌یی، اشکال و

تیپ‌های یونانی در ساختمان‌ها و عمرانات، تا زمانه‌های زیاد در افغانستان قدیم معمول بود.

خلاصه اینکه در مدت تقریباً ۱۴۰ سال اقتدار شاهان یونان و باختری، که جمیعاً ۳۶ تن از پادشاهان و یک ملکه از این سلسله در افغانستان و بهارت قدیم (ہند) حکم رانده اند، همه آنها به توسعه فرهنگ و کلتور یونانی در سرزمین باختر و هند پرداخته اند. باید به یاد داشت که فرهنگ یونانی‌ها به صورت تغییر ناخورده در این سرزمین مروج نشده است؛ بلکه با کلتور و فرهنگ سرزمین افغانستان قدیم یکجا شده و نوع جدیدی از فرهنگ را به میان آورد که به نام مدنیت یونان و باختری یاد شده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد وضع اقتصادی دوران یونان باختری معلومات را ارایه نمایند و گروپ دوم درباره یکجا شدن فرهنگ دوران یونان و باختری صحبت نمایند.

سوال‌ها

- ۱- در مورد وضع اقتصادی دوران یونان و باختری چه می‌دانید؟ بیان دارید.
- ۲- نمونه‌های اثرات ساختمان‌های یونانی در کدام ساحت به نظر میرسد؟ نام بگیرید.
- ۳- کدام نوع رسم الخط در دوران یونان و باختری مروج بود؟ توضیح دهید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان در محلات زیست خویش قصه‌های سکندر و یونانیان را از بزرگان بپرسند، معلومات بدست آورده را در صنف به دیگران ارایه نمایند.

امپراتوری کوشانی‌ها



تصویر مجسمه سنگی کنشکا

در این درس راجع به تأسیس امپراتوری کوشانی‌ها، امپراتوران مهم کوشانیها و کتیبه رباطک معلومات حاصل می‌نمایید.

نام کوشانیها از کلمه کوشان گرفته شده، کوشان یکی از اقوام یوچی بود که از دریای آمو عبور نموده و در بلخ به حاکمیت یونان و باختری خاتمه بخشیدند.

موسس امپراتوری کوشانی (کجولا کدفیسیس) می‌باشد. نامبرده در سال ۴۰ میلادی اعلام پادشاهی کرد به مدت ۴۰ سال بر نواحی زیادی از آریانای کهن حکمرانی نمود و در اواخر سلطنت خود لقب شاهنشاه را اختیار نمود.

پس از مرگ کجولا کدفیسیس پسرش و یما تکتو به قدرت رسید. در باره این شخص معلومات زیادی در دست نیست. نخستین دستاوردهای درین زمینه سنگ نوشته رباطک است که توسط ویماتکتو نوشته شده است.

بعد از یما تکتو پسر ویما کدفیسیس تا سال ۱۲۷ میلادی حاکمیت داشت، ویما کدفیسیس اولین امپراتوری کوشانی‌ها بود، که حدود کشور را در جنوب تا دریای گنگای هند وسعت بخشید. ویما کدفیسیس همچنان با کشور چین روابط دوستانه برقرار کرد و به دربار امپراتور روم (تراجان) یک سفیر فرستاد و با آنها روابط تجاری و اقتصادی برقرار نمود.

کنشکا کبیر پسر ویما کدفیسیس بعد از مرگ پدرش بقدرت رسید. کنشکا در تاریخ قدیم افغانستان یک امپراتور مقندر و از شهرت خاصی برخوردار بود.

حدود امپراتوری وی از طرف شرق به بنارس هندوستان از طرف غرب به امپراتوری پارت‌ها، و

از شمال تا کاشغر و یارکند میرسید. در شرق با چین و در غرب با کشورهای روم روابط تجاری داشت. در زمان کوشانی‌ها راه معروف ابریشم خصوصاً در زمان حاکمیت کنشکا شهرت جهانی یافت. کنشکا برای اداره امور امپراتوری خویش دو مرکز یا پایتخت داشت. وی پایتخت تابستانی خویش بگرام و پایتخت زمستانی خویش را پشاور انتخاب کرده بود.

امپراتوران مهم سلسله کوشانی‌ها به ترتیب زمانی:

- ۱- کجولا کدفیسیس از سال ۴۰ میلادی تا ۸۰ میلادی حکومت نمود. این شخص بنیانگذار امپراتوری کوشانی‌ها می‌باشد.
 - ۲- ویماتکتو از سال ۸۰ میلادی تا ۱۰۵ میلادی حکومت نمود.
 - ۳- ویما کدفیسیس از سال ۱۰۵ میلادی تا ۱۲۷ میلادی حکومت نمود.
 - ۴- کنشکا از سال ۱۲۷ میلادی تا ۱۴۷ میلادی حکومت نمود. این شخص بزرگترین امپراتور کوشانی‌ها محسوب می‌شود.
 - ۵- هوویشکا از سال ۱۴۷ میلادی تا ۱۸۲ میلادی حکومت نمود.
 - ۶- واسودیوا از سال ۱۸۲ میلادی تا ۲۲۰ میلادی حکومت نمود. بعد ازین شخص حکمرانان محلی حاکمیت مرکزی را به خطر انداخت.
- عواملی که باعث سقوط امپراتوری کوشانی‌ها شد، توجه بیش از حد حاکمان کوشانی به طرف مناطق هندوستان، نیرومندی روز افزون امپراتوری ساسانی در غرب امپراتوری کوشانی‌ها، حملات قبایل چینی در شمال کشور، اطاعت نکردن حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، حملات پی هم نیروهای نو ظهور در داخل امپراتوری کوشانی از جمله عواملی است که زمینه را برای تجزیه و فروپاشی امپراتوری کوشانی مساعد ساخت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه دسته تقسیم شوند، دسته اول راجع به مؤسس کوشانی‌ها، دسته دوم راجع به سنگ نوشته رباطک (کتیبه رباطک سمنگان) و دسته سوم در رابطه به حکمرانان مشهور کوشانی به همصنفان خویش معلومات ارایه نمایند.

سوالات

- ۱- مؤسس امپراتوری کوشانی‌ها کی بود؟ معلومات خود را بنویسید.
- ۲- راجع به سنگ نوشته رباطک چه میدانید؟ تحریر دارید.
- ۳- عوامل سقوط امپراتوری کوشانی را بیان کنید.

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان در مورد وضعیت فرهنگی دوره کوشانیان معلومات جمع آوری نموده و آنرا در صنف ارایه نمایند.

امپراتوری یفتلی‌ها



سرحدات افغانستان در زمان یفتلی‌ها

در این درس پیرامون ایجاد امپراتوری یفتلی‌ها و سقوط این امپراتوری معلومات حاصل مینمایید.

بنابر عقیده سراولف کامیر، مؤرخ انگلیسی، یفتلیان از آسیای مرکزی به طرف جنوب حرکت نموده واولین اداره خود را در سال ۳۶۰ میلادی در ولایت تخار ایجاد نمودند. تخار و بعضی از مناطق هندوکش را از سیطره کیداریان و یا کوشانیان کوچک خارج ساختند و به تصرف خود در آوردند.

یفتلی‌ها در متون تاریخی به نام‌های هفتالی‌ها، یفتلی‌ها، خوینت‌ها و اعراب آنها را هیاطله یاد کرده‌اند. اولین شاه یفتلی‌ها به نام یفتالیتو معروفی شده است که در سال ۴۲۵ میلادی تاج شاهی را در تخار بر سر نهاد. ساحة حاکمیت موصوف از بدخشان تا بلخ و سغدیانه می‌رسید. بعد از ایفتالیتو پسرش اخشنور به قدرت رسید. موصوف هرات را نیز شامل قلمرو خویش نمود؛ اخشنور با ساسانی‌ها جنگ‌های زیاد نموده و آنها را شکست داد. نامبرده جهت وسعت امپراتوری خویش سعی کرد و ساحات جنوبی هندوکش؛ از قبیل: کابل، غزنی و هلمند را نیز تحت اداره خویش درآورد. بعد از اخشنور پسرش تورمنه به قدرت رسید وی در مسکوکات خویش خود را امپراتور زابل یاد کرده است. موصوف قلمرو خود را تا هند مرکزی وسعت داد و در سال ۵۰۲ وفات یافت. بعد از وی پسرش مهرآکولا به قدرت رسید. وی به هند حملات

انجام داد و خاندان گوپتا را مجبور به پرداخت باج نمود. این شخص با حکمرانان بنگال نیز جنگ‌های کرد و تعدادی زیادی مراکز بودایی را از بین برد بالآخره مهراکولا در سال ۵۴۲ میلادی در گذشت، بامرگ وی همزمان زوال و سقوط امپراتوری یفتلی‌ها هم آغاز شد.

هندو بنگال دوباره به دست حکمرانان محلی افتادند و در افغانستان نیز زمینه قدر تمنشدن حاکمان محلی فراهم شد. یفتلی‌ها مخالف مذهب بودایی بودند. تعداد زیادی از معابد بودایی را ویران کردند. آنها آفتاب را می‌پرستیدند. در مسکوکات آنها از معابد زور و سور یاد آوری شده که به معنی آفتاب پرستی بود. ترسیم آتشکده‌ها را نیز در مسکوکات انعکاس داده اند. مجسمه رب النوع آفتاب در کوتل خیر خانه کابل یکی از نمونه‌های بر جسته آن زمان می‌باشد. بعد از فروپاشی امپراتوری یفتلی‌ها در افغانستان دوره دیگری به نام کوشان - یفتلی که همان دوره حکمرانان محلی بود آغاز شد. درین دوره می‌توان از کابل شاهان، شیران بامیان و تگین شاهان یاد کرد که در نقاط مختلف هریکی حکومت مینمودند. از نظر زمانی این دوره عمدتاً از اوایل قرن ششم میلادی الی اواخر قرن هشتم میلادی دوام می‌یابد که برابر می‌شود، با آغاز حکومت‌های مستقل اسلامی در افغانستان.

فعالیت‌های داخل صنف

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، گروپ اول کار و نظریه مؤرخ انگلیسی را در خصوص حکمرانان یفتلی بیان داشته و دسته دوم معلومات خویش را در رابطه به حاکمیت اخشور به دیگرهم صنفان خود ارایه نمایند.

سؤالات

۱. یفتلیان از کجا آمدند؟ معلومات دهید.
۲. راجع به اخشور حکمران یفتلی چه میدانید؟ تحریردارید.
۳. راجع به تورمنه چه میدانید؟

فعالیت‌های خارج از صنف

شاگردان در خانه و قریه شان نام‌های را دریابند که بانام‌های حاکمان یفتلی شباهت داشته باشد.



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

دروس اجتماعی

صنف هفتم

(بواي مدارس ديني)

۱۳۹۸

هـ، ش

مؤلفان

- مؤلف حسين احمدزی (بخش تاریخ)
- معاون مؤلف ذبیح الله دشتی (بخش تاریخ)
- معاون مؤلف ذکیه امیری (بخش تاریخ)
- پوهاند غلام جیلانی عارض (بخش جغرافیه)
- سرمؤلف نجیب الله امین افغان (بخش جغرافیه)
- سرمؤلف محمد افضل حضرتی (بخش تعلیمات مدنی)
- سرمؤلف میر عبید الله فاضل (بخش تعلیمات مدنی)
- معاون سرمؤلف محمد انور مشفق (بخش تعلیمات مدنی)

ایدیت علمی و مسلکی

- پوهاند غلام جیلانی عارض
- پوهنمل زلمن هو تک
- پوهنیار محمد فاروق عمر خبل

ایدیت زبانی

- میر احمد احمدی

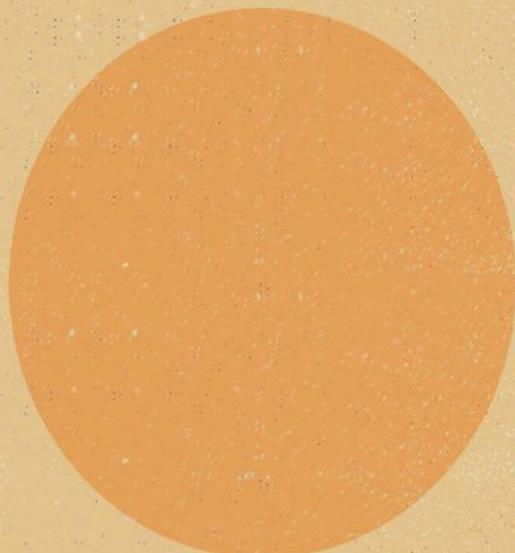
کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- دکتور عبدالصبور فخری
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

إشراف

- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سرود ملي

دا عزت د هر افغان دی	دا وطن افغانستان دی
هر بچي يې قبربان دی	کور د سولې کور د توري
د بلوڅو د ازبکو	دا وطن د ټولو کور دی
د ترکمنو د تاجکو	د پشتون او هزاره وو
پامیریان، نورستانیان	ورسره عرب، گوجر دی
هم ايماق، هم پشه بان	براھوي دي، فزلباش دي
لکه لمړ پر شنه اسمان	دا هېواد به تل خلیږي
لکه زړه وي جاویدان	په سینه کې د اسيابه
وايو الله اکبر وايو الله اکبر	نوم د حق مو دی رهبر

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعليمي معارف اساس نظام تعليم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعليمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق بانیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعليمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعليمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعليمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پایام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد. علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنامندی سیستم تعليمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعليمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعليمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعليمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعليمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعليمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعليمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعليمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعليمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفيق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

استادان محترم و شاگردان گرامی،

کتاب درسی مضمون اجتماعیات مدارس دینی بنا بر ضرورت و نیازمندی های جامعه افغانی، پالیسی وزارت معارف، با در نظر داشت معیارهای معاصر فن نصاب نویسی و بر بنیاد مفردات درسی تهیه و ترتیب گردیده است.

مضمون اجتماعیات مدارس دینی مشتمل بر مطالب و مفاهیم تاریخی، جغرافیایی و معلومات مدنی میباشد. در بخش تاریخ، سعی به عمل آمده تا شاگردان مدارس دینی در جریان تحصیل با رویدادها و حوادث تاریخ قدیم، قرون وسطی، جدیده و معاصر افغانستان و جهان آشنا شوند و بدانند که انسان ها در سراسر جهان و به طور اخص در کشور عزیز ما افغانستان کدام مراحل تاریخی را عقب گذشته اند و هم با آینده چگونه برخورد نمایند.

در بخش جغرافیه با در نظرداشت ضرورت های علمی مطالب طوری توضیح شده که شاگردان در مورد موقعیت ها، طول البلد، عرض البلد، کوهها، دریاهای، جهیل ها، ابحار، زراعت، مالداری، معادن، ترانسپورت زمینی، آبی و هوایی، نژاد، زبان، مذاهب، براعظمهای و کشورها معلومات حاصل نمایند و در پیشبرد امور زندگی آز آن استفاده نمایند.

در بخش معلومات مدنی راجع به جوامع بشری، ارزش ها، مقررات و قوانین، اعتقادات، اقتصاد، سازمانها، نهادها، ساختارها و تشکلات، احتیاجات مادی و معنوی انسان مفاهیم و مطالب ضروری و لازمی توضیح شده است، که در حیات روزمره می توان از آن مستفید گرددند.

توقع میرود تا با فرآگیری یک دوره مکمل (از صنف هفت الی صنف دوازده) مضمون اجتماعیات شاگردان مدارس دینی مبادی علوم اجتماعی را بدانند؛ با اصطلاحات عمده این علم آشنا شوند؛ از اخبار رویداد های روزمره کشور و جهان مستفید شده و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تجزیه، تحلیل و نتیجه گیری کرده بتوانند، تا اعضای فعال و مطرح در جامعه بار آمده و با مزج علوم دینی با علوم اجتماعی دعات مؤثر و بربپا کننده گان حقیقی دین خدا قرار گیرند.

امیدواریم که محتویات این کتاب مورد دلچسپی استادان و منبع مفید علوم اجتماعی برای شاگردان مدارس دینی قرار گیرد.

والله ولی التوفیق

فهرست

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
بخش تاریخ		بخش جغرافیه	
فصل اول		فصل اول	
درباهای افغانستان.....	۵۷	اهداف فصل اول.....	۱
جهیل های افغانستان.....	۵۹	علم تاریخ و فواید آن	۲
جغرافیای بشری افغانستان.....	۶۱	ادوار ماقبل تاریخ و تاریخی	۳
جغرافیای اقتصادی افغانستان.....	۶۳	تبدیلی سالهای تاریخ.....	۵
نباتات صنعتی و طبی	۶۵	نامهای تاریخی افغانستان	۹
مالداری، علفچر و جنگلات	۶۷	فصل دوم	
مواد محروم قاتی.....	۶۹	اهداف فصل دوم	۱۲
معدن افغانستان.....	۷۱	جوامع اولیه و وضعیت زندگی آنها	۱۳
جغرافیای موصلاتی	۷۳	زادگاه اولیه آریایی ها	۱۵
صنایع افغانستان.....	۷۵	طرز زندگی آریایی ها	۱۷
فصل سوم - براعظم آسیا		مهاجرت آریایی ها	۱۹
موقعیت و حدود اربعه آسیا.....	۷۷	مهاجرت به سمت شرق و غرب	۲۱
جهیل ها، بحیره ها و خلیج های آسیا	۷۹	مدنیت های آریایی ها	۲۳
اقلیم براعظم آسیا.....	۸۱	مدنیت اوستایی	۲۵
لست کشورهای براعظم آسیا.....	۸۳	همامنشی ها.....	۲۷
بخش تعلیمات مدنی		هجوم اسکندر مقدونی بر افغانستان	۲۹
فصل اول		موریاها	۳۱
احتیاجات چیست؟	۸۷	ساکها	۳۳
احتیاجات معنوی	۸۹	دولت های مستقل یونان و باختری	۳۵
ضرورت به شناخت	۹۱	مشخصات هنری و فرهنگی دوران یونان و باختری	۳۷
شناخت خود	۹۳	امپراتوری کوشانی ها	۳۹
شناخت طبیعت	۹۵	امپراتوری یونانی ها	۴۱
شناخت خداوند (ج)	۹۷	فصل دوم - جغرافیه	
ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی	۹۹	فصل اول - مبادی جغرافیه	
چرا به احترام ضرورت داریم؟	۱۰۱	مفاهیم و اصطلاحات جغرافیائی	۴۳
فصل دوم		خط استوا و مناطق اقلیمی	۴۵
پیدایش و نقش خانواده	۱۰۵	قطب شمال و قطب جنوب زمین	۴۷
چرا به خانواده ضرورت داریم؟	۱۰۷	حرکات وضعی و انتقالی زمین	۴۹
احساس مسؤولیت	۱۰۹	فصل دوم - جغرافیای افغانستان	
همکاری	۱۱۱	موقعیت و حدود افغانستان	۵۱
مشورت	۱۱۳	اقلیم افغانستان	۵۳
نظم در خانواده	۱۱۵	کوه های افغانستان	۵۵
احترام متقابل در خانواده	۱۱۷		
از خود گذری در خانواده	۱۱۹		
خلاصه فصل	۱۲۰		

بخش تعلیمات مدنی

فصل اول

در این فصل درس‌های ذیل را می‌خوانید:

- احتیاجات چیست؟
- احتیاجات مادی
- احتیاجات معنوی
- ضرورت به شناخت
 - شناخت خود
 - شناخت طبیعت
 - شناخت خداوند(جل جلاله)
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی
- چرا به احترام ضرورت داریم؟
- خلاصه فصل

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که به اهداف زیر دست یابند:

- احتیاجات مادی را بشناسند.
- احتیاجات معنوی را بیان کنند.
- ضرورت شناخت را بدانند.
- مفهوم طبیعت را بدانند.
- خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) را بشناسند.
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی را بفهمند.
- ضرورت به احترام داشتن را بدانند.
- احتیاجات مادی و معنوی را مقایسه کرده بتوانند.
- مفهوم ضرورت به شناخت را بدانند.
- ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی را تفکیک کرده بتوانند؛
- ضرورت به احترام داشتن را توضیح کرده بتوانند.
- در راه برآورده ساختن احتیاجات عملاً سهم بگیرند.
- به حفظ طبیعت علاقه پیدا کنند.
- در برابر مردم روحیه همکاری در ایشان تقویه گردد.

احتیاجات چیست؟

اسلام دنیا را مزرعه آخرت میداند، به دست آوردن مال مشروع را عبادت می‌شمارد و پیروانش را به استفاده از نعماتی که خداوند (جل جلاله) برای انسان ارزانی فرموده، دعوت می‌کند تا از این طریق احتیاجات خویش را رفع نماید. در ارتباط به این مطلب در این درس به احتیاجات و انواع احتیاجات آشنا می‌شوید.



مباحثه کنید

ما انسانها محتاج هستیم و به اشیای ماحول خود؛ مانند: کوه‌ها، دریاهای، جنگلات، حیوانات و نباتات نیازداریم و بآنها در ارتباط هستیم. انواع فلزات را برای ساختن وسایل و لوازم مورد احتیاج خود، از معادن استخراج می‌نماییم؛ هدف ما از انجام دادن این فعالیت‌ها و کارها چیست؟

احتیاجات چیست؟

احتیاج، عبارت از احساس یک کمبود، همراه با کوشش درجهت برطرف کردن آن است. چون انسان‌ها محتاج هستند. برای ادامه زندگی خود، احتیاجات فراوان و گوناگون دارند و برای رفع این نیاز مندیها به همکاری انسانهای دیگر ضرورت دارند. این احتیاجات به دو نوع اند:

۱- احتیاجات مادی

۲- احتیاجات معنوی

* با همیگر بحث نموده ضرورت‌های مهم درسی را فهرست کنید.

با احتیاجات مادی آشنا شوید

خداؤند تعالی نعمات بی شماری را در خدمت انسان قرار داده و به این امر در جاهای مختلفی از قرآن اشاره نموده است و از آن جمله در آیات (۱۰-۱۱) سوره النحل فرموده است:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَا لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ {۱۰} يُنْبِتُ لَكُمْ بِالزَّرْعَ وَالرِّيْثُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ {۱۱}

ترجمه: خداوند ذاتی است که از آسمان آب را فرود آورد که آب آشامیدنی خود تان و خوراکه رمه‌های تان از آن است، و به وسیله آن کشت زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات دیگر برای شما می‌رویاند، یقیناً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه بی است.

مهمترین ضرورت‌های مادی انسان؛ شامل: خوراک، پوشاك و سرپناه..... و غيره است. خداوند (جل جلاله) برای ما منابع و ذخایر فراوان در طبیعت قرار داده است. انسانها برای تأمین این نیازها در تلاش اند به سراغ کوه‌ها، جنگلات، باتات و حیوانات برآیند و با جهان خارج از خود رابطه برقرار کنند. انسانها بدون رفع این نیازمندی‌ها قادر به ادامه زنده‌گی نیستند. به طور؛ مثال: اگر آب به مقدار کافی به انسان نرسد، آب بدن انسان خشک می‌گردد؛ انسانها احتیاج به اکسیژن دارند. اگر چند دقیقه برای انسان اکسیژن نرسد، زنده نخواهد ماند. علاوه بر این وجود انسان احتیاج به انرژی دارد. این انرژی از طریق غذاهای گوناگون به دست می‌آید. اگر برای مدتی غذا به انسان نرسد، ضعیف و بی حال می‌شود. وجود انسان به پروتئین، ویتامین‌های مختلف و مواد معدنی ضرورت دارد. همچنان انسانها با استفاده از وسایل و مواد ساختمانی برای خود خانه می‌سازند؛ با استخراج انواع فلزات از معادن برای خود و جامعه وسایل رفع احتیاجات را آماده می‌کنند. از گوشت و پوست حیوانات و همچنان از باتات خوراک‌های مختلف و پوشاك‌های گوناگون را آماده می‌سازند.

موادی که در طبیعت به آنها ضرورت داریم، گاهی به فراوانی در ماحول ما پیدا می‌شود؛ مانند: هوا و نور و گاهی نسبتاً کم یاب اند که برای تهیه آنها باید تلاش کرد تا آنها را به دست آورد؛ مانند: غذا، پوشاك و غیره. طبیعت مکان زنده‌گی انسان‌ها است. بنابر این ما همه مسئولیت داریم تا از آن منحیث نعمت خداوند (ج) به طور بهتر نگهداری نماییم. به خاطر رفع ضرورت‌های خود از آن استفاده معقول بعمل آوریم تا نسل‌های آینده نیز از آن بهره ببرند، زیرا آن‌ها نیز به طبیعت نیاز دارند.

* به نظر شما، علاوه بر آنچه که گفتیم، انسان چه ضرورت‌های جسمی دیگری دارد؟

مروري بدرس

انسان موجود محتاج است.

بعضی از احتیاجات مهم انسانها این است؛ مانند: خوراک، پوشاك، سرپناه و غیره.

انسانها احتیاجات مادی خود را از طبیعت تأمین می‌کنند.

از وظایف انسانها است که از منابع طبیعی به وجه معقول استفاده نمایند و در فکر آینده گان نیز باشند.

سوالات

۱- احتیاجات مادی شامل چه چیزها می‌شود؟ مثال بیاورید.

۲- کدام احتیاجات خود را توسط سعی و تلاش به دست می‌آوریم؟ بنگارید.

۳- کدام مواد در طبیعت به فراوانی پیدا می‌شود؟

کارخانه‌گی

در مورد استفاده معقول از طبیعت چند سطر بنگارید.

احتیاجات معنوی

مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفْقِهُ فِي الدِّينِ وَلِهُمْ رُشْدٌ. [حدیث شریف]

ترجمه: به هر کس که خداوند(جل جلاله) خیر را اراده کند آن کس را به علم دین ماهر گردانیده، راه راست را به وی الهام می کند.

در درس گذشته در مورد احتیاجات مادی آگاهی حاصل نمودید. در این درس با احتیاجات معنوی آشنا می شویم.

بحث نمایید

به نظر شما آیا انسان بر علاوه احتیاجات مادی دارد؟



انسانها بر علاوه احتیاجات مادی، احتیاجات دیگری نیز دارند؛ مانند: شناخت خداوند(جل جلاله) و ارتباط با او، شناخت

خود، شناخت طبیعت، ضرورت ارتباط با دیگران، احساس امنیت، احساس مفید بودن، نیاز به مورد احترام قرار گرفتن، ضرورت به دانش، زیبایی و کمال و ضرورت به تفریح، این ها احتیاجاتی اند که به نام احتیاجات معنوی یاد میگردند.

در جوامع اسلامی که هم بخش معرفت و هم عمل انسان زیر پوشش دین قرار دارد، دین برای راهنمایی و تدبیر امور فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی تربیت و هدایت انسان ها، آمده است. زیرا دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای راهنمایی فرد و جامعه انسانی و تربیت انسان ها به طریق وحی از طرف شارع نازل شده است. به این ارتباط دینداری یکی از ضرورت های مبرم شخص مسلمان و جوامع اسلامی به شمار میرود، زیرا از طریق و برکت دینداری است که ما میتوانیم به شناخت خداوند(جل جلاله) شناخت خود، شناخت جهان و طبیعت دسترسی پیدا نماییم.

دینداری معتقد بودن و پابندی و التزام به دین است، یا به عباره دیگر، دینداری عبارت از اعتقاد عقلی، تصدیق یا باور قلبی و التزام عملی است. دینداری انسان را به فداکاری در راه

دین آماده می‌سازد؛ هم چنان دینداری انسان ساز است که انسان را در بخش علم و عمل و در تمام بخش‌های زنده‌گی فردی و اجتماعی، معنوی، دنیوی و اخروی تربیت می‌کند و اورا دیندار، آگاه و معتقد می‌سازد. در این صورت ارتقا و سعادت او را تضمین می‌کند.

* با همکاری همصنفان خود، ده ضرورت معنوی را فهرست کرده به شاگردان بیان دارید.

مروجی بودرس

سوالات

- ۱- احتیاجات معنوی کدام‌ها اند؟ چند مورد آنرا نام بگیرید.
- ۲- دین را تعریف نمایید.
- ۳- دینداری در رفع نیاز‌های علمی، روحی، عملی و اجتماعی انسان‌ها چه نقش دارد؟

کارخانه‌گی

خداوند(جل جلاله) در قرآن کریم می‌فرماید:

يَا إِيَّاهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر، آیه ۱۵).

با کمک معلم علوم دینی یا ملاامام مسجد، فعالیت‌های ذیل را انجام دهید.

- ۱- معنای آیه شریفه را بنویسید.
- ۲- این آیه چه ارتباطی با احتیاجات مادی و معنوی انسان دارد؟
- ۳- نتیجه را در کتابچه خود یادداشت نموده و در صنف بیان کنید.

ضرورت به شناخت

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ [سوره فاطر: ۱۹]

ترجمه: (نایینا و بینا با هم برای نیستند)

در درس گذشته آموختیم که انسانها علاوه بر احتیاجات مادی، احتیاجات دیگری نیز دارند که به نام احتیاجات معنوی یاد می‌گردد، این احتیاجات معنوی همانند احتیاجات مادی انسان مختلف هستند؛ مثلاً: انسان با تمام وجود نیاز به دینداری، معنویت و خدا جویی دارد و با سپاسگزاری از نعمات خداوندی احساس خوشی می‌نماید و در عین حال به شناخت و آگاهی ضرورت مبرم دارد که بدون آن نمی‌تواند بسوی هدایت راه یابد. حتی قرآن کریم انسان آگاه و عالم را به بینا و شنوای تشبیه می‌کند، ولی انسان جاهم و نادان را به کور و کر. این خود اهمیت آگاهی و شناخت را به اثبات می‌رساند. در این درس به ضرورت شناخت آشنا می‌شوید.

مباحثه کنید

یکی از تفاوت‌های اساسی انسان و حیوان این است که انسان موجود آگاه است، پس ما به عنوان انسان، ضرورت به شناخت و آگاهی داریم؛ خداوند (جل جلاله) می‌فرماید: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ** (سوره اسراء: ۳۶) ترجمه: دنبال چیزی که آنرا نمی‌دانی مرو.

اهمیت شناخت؟

یکی از امتیازات مهم انسان‌ها نسبت به موجودات دیگر این است که انسان دارای عقل، شعور و فهم است که توسط این نیروهای خداداد، به شناخت اشیا و ماحول خود می‌پردازد.

وسایل شناخت

۱- حواس پنج گانه

یکی از وسایل شناخت، حواس پنج گانه است. انسان زمانی که تولد می‌شود هیچ چیز را نمی‌داند. آهسته آهسته با استفاده از حواس پنج گانه، مانند: حس باصره، حس سامعه، حس لامسه، حس ذایقه، حس شامه به اشیا و محیط ماحول خود آشنایی و شناخت پیدا می‌کند؛ مثلاً: انسان توسط حس باصره اشیا را می‌بیند، توسط حس ذایقه، مزه غذاها را تشخیص می‌دهد، توسط حس سامعه آوازهای گوناگون را می‌شنود توسط حس لامسه اشیا را لمس و تشخیص می‌دهد. توسط حس شامه، بوهای مختلف را فرق کرده می‌تواند. به نظر شما:

* اگر حس باصره از بین رود آیا ما قادر به شناخت اشیا به صورت درست شده می‌توانیم؟

۲- عقل

یکی دیگر از وسایل شناخت، عقل است که با استفاده از آن می‌توانیم با مفاهیمی از قبیل: ریاضی، کیمیا و مسایل دینی، منطقی و فلسفی آگاهی حاصل نماییم. شناخت و آگاهی کافی سبب می‌شود که انسان دنیا را با چشم باز تری بیند و بشناسد و از اندیشه سالم برخوردار شود. شناخت و آگاهی باعث می‌شود تا آدمی همیشه بیشتر از حوادث و جریانات آگاهی داشته باشد. فایده شناخت این است که اگر ما شناخت درست داشته باشیم، می‌توانیم حق را از باطل، تفکیک نماییم؛ در غیر آن باطل را حق و حق را باطل خواهیم ساخت؛ بنابر این، بر همه ما لازم است که اولاً برای تشخیص موضوع بکوشیم و بعداً با رعایت اصل شناخت، به کار دلخواه خود اقدام نماییم. آنچه را نمی‌شناسیم در باره آن سخن نگوییم و آنچه به ما مربوط نمی‌شود، از آن دوری گزینیم.

* با استفاده از عقل با کدام مسایل، شناخت حاصل می‌نماییم؟ آن را فهرست کنید.

مروجی بودرس

سؤالات

- ۱- راجع به اهمیت شناخت مختصرآ معلومات دهید.
- ۲- انسانها چطور می‌توانند با اشیا شناخت پیدا کنند؟
- ۳- چطور ما با استفاده از عقل به اشیا شناخت پیدا کرده می‌توانیم؟

کارخانه‌گی

در مورد فایده شناخت چهار سطر بنگارید.

شناخت خود

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ [التين: ٤]

ترجمه: ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیبا ترین سیما آفریده ایم.

در درس قبلی گفتیم که خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) به انسانها شعور و فهم داده که به کمک حواس پنج گانه و عقل، اشیا و پدیده ها را می شناسند و به آن شناخت پیدا می کنند. پس لازم است از خلال این درس خود را بشناسیم تا خصوصیات خویش را تشخیص و درک نماییم که چگونه خداوند متعال ما را در احسن تقویم آفریده است؟

مباحثه کنید

• ما کیستیم؟

• برای چه آفریده شده ایم؟

ما باید خود را بشناسیم که کی هستیم؟ خداوندبار ک و تعالی ما را از پدر و مادر و با صورت زیبا و سیرت شایسته و نیکو آفرید.

هدف خلقت انسان، عبادت و معرفت خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) است، حضرت

پیامبر ﷺ می فرماید: (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ) (۱)

ترجمه: کسی که خود را شناخت، خدا را شناخت.

و این معرفت مربوط است به معرفت نفس و خود شناسی.

خود شناسی، انسان را به یک سلسله حقایق بزرگ جهان آفرینش، حقوق، تکالیف شخصی و حیات اجتماعی آگاه می سازد.

اگر کسی خودش را نشناسته از عیوب و ضعف های خود و توانمندی های بالقوه نفس خود آگاهی نداشته باشد، هرگز به دنبال خود سازی، کمالات انسانی نخواهد رفت، انسان با خود شناسی، خود را ارزیابی می کند. خصلت های ناروا را از خود دور می کند و در صدد تقویت جنبه های مثبت خود می برآید.

* آیا تا به حال در باره ضعف های خود فکر جدی کرده اید؟

خود شناسی زیر بنای سعادت آدمی در همه جنبه های مادی و معنوی زنده گی است.

انسان در پرتو خود شناسی، به نیاز های درونی و بیرونی خویش پی می برد و عواملی را که

(۱) شرح جامع الصغیر صفحه (۱۰۰۱)

باعث تعالی و ارتقای شخصیت وی می شود. تشخیص می دهد. در نتیجه، وظیفه شناسی می گردد و به پاکی و نیکی می گراید و سر انجام به کمالیکه لایق مقام انسان است نایل می گردد. خلاصه خود شناسی به ما کمک می کند که ما چه توانایی ها و چه ضعف هایی داریم، ما با شناخت نقاط قوت و ضعف خود می توانیم خود را ارزیابی نموده و اخلاق و رفتار خود را اصلاح نماییم و به حقوق پروردگار منعم حقیقی و مسؤولیت های خود آگاه شویم. و با استفاده از این آگاهی به فضای روحانی و ارتقای معنوی برسیم و به حیث بنده صالح خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) و عضو مفید جامعه خود مراحل مختلف زنده گی را به ادای حقوق خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) و هموطنان و همسهیریان خود موفقانه سپری نماییم، همیشه ضمیر خود را شاد و راضی نگهداریم تا مردم اطراف ما نیز از طرز حرکت، کردار و گفتار ما مستفید گردند.

مرواری بردرس

سؤالات

- ۱- حدیث شریف را که در مورد خود شناسی خوانده اید با ترجمه آن بیان دارید.
- ۲- خودشناسی انسان را به کدام موضوعات واقف می سازد؟ معلومات دهید.
- ۳- خود شناسی به ما چه کمک می کند؟

کارخانه‌گی

به همکاری اعضای خانواده سه مورد بر علاوه مواردیکه در درس خواندید درباره اهمیت خود شناسی را در کتابجه های خود بنویسید و در صنف بخوانید.

شناخت طبیعت

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ الَّذِينَ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٌ لَّاْوَلِي الْأَلْبَابِ [سوره ال عمران ۱۹۰]

ترجمه: به درستی در آفرینش آسمان ها و زمین و درآمد و رفت شب و روز برای خرد مندان نشانه هایی آشکار است.

در درس گذشته آموختیم که انسان با خود شناسی خود را ارزیابی می کند و خصلت های ناجایزو بد را از خود دور می سازد. و در پی تقویت جنبه های مثبت زنده گی خود می برآید باید توجه داشت که خود شناسی بدون شناخت طبیعت تکمیل نمی گردد در این درس به شناخت طبیعت آشنا می گردیم.

مباهثه کنید

- مابه شناخت طبیعت چه ضرورت داریم؟ خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) آنرا برای چه آفریده است؟
- اگر از منابع و ذخایر طبیعی به صورت درست و مناسب استفاده نماییم چه عواقب خواهد داشت؟

طبیعت عبارتست از تمام هستی از قبیل زمین، آسمان، کوه ها، درختها، دریاهای، جنگلات و دیگر اشیاییکه در دور وبر و اطراف ما وجود دارند. طبیعت را خداوند (جَلَّ جَلَلُهُ) برای زیستن و استفاده انسان خلق و مسخر کرده است.

همه پدیده های طبیعی با قانونمندی خاصی عمل نموده و در میان آنها هماهنگی عجیب و شگفت انگیزی وجود دارد. همه پدیده های طبیعی تابع و فرمانبردار خداوند قادر و حکیم (جَلَّ جَلَلُهُ) بوده به امر و حکم او تعالی و مطابق با قوانینی حرکت می کنند که خالق و آفریده گار در طبیعت به ودیعه گذاشته است. این قوانین به نام سنن تکوینی خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) یاد می شود.

کشف اسرار طبیعت و پی بردن به قوانین و سنن تکوینی خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) در موجودات طبیعی وظیفه و موضوع علم ساینس است. علومی؛ چون: فیزیک، کیمیا، بیولوژی، ستاره شناسی، جیولوژی، طب، بخشهايی از انجینیری و غیره با طبیعت و پدیده های طبیعی سروکار دارند.

پی بردن به اسرار طبیعت و آگاهی از سنن تکوینی خداوند(جَلَّ جَلَلُهُ) در طبیعت، یکی از واضحترین و آسانترین راه های شناخت و معرفت خالق و پروردگار است.

پیشرفت و ترقی که در ساحت مختلف علم و دانش و ساینس و تکنولوژی نصیب بشر شده است، همه نتیجهٔ کشف اسرار و قوانین طبیعت از طریق تحقیق و مطالعه در پدیده‌های طبیعی می‌باشد.

مسلمانان با پیروی از اوامر خداوند(جل جلاله) و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ در حصول علم و دانش و انجام تحقیقات علمی در پدیده‌های طبیعی و عرصه‌های اکتشافات و اختراعات چنان کار نامه‌های بزرگی انجام داده اند که تاریخ بشریت به آن افتخار می‌کند.

* با همکاری همصنفان خود در بارهٔ سنن تکوینی خداوند(جل جلاله) چند سطر تحریر و در صنف بخوانید.

مروری بردرس

-
-
-
-
-
-

سؤالات

- ۱- طبیعت چیست؟
- ۲- همه پدیده‌های طبیعی تابع امر کیست؟ و مطابق به کدام قوانین حرکت می‌کنند؟
- ۳- تحقیق در بارهٔ کشف اسرار طبیعت وظيفة کدام علوم است؟

کارخانه‌گی

اینکه تحقیق در بارهٔ اسرار طبیعت در شناخت خداوند(جل جلاله) چگونه کمک می‌کند چهار سطر بنویسید.

شناخت خداوند (جل جلاله)

سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ [سوره فصلت: ۵۳]

ترجمه: ما قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بنده گان کاملاً هويدا و روشن می گردانيم تا برای آنها معلوم شود که اين قرآن حق است.

برگ درختان سبز از نظر هوشيار

هرورقش دفتریست معرفت کردگار



ما در درس گذشته در مورد شناخت طبیعت بحث کردیم، ولی هر که طبیعت را درست بشناسد باید به شناخت آفریدگار آن نیز رهیاب شود؛ زیرا که خداوند متعال است که طبیعت و خصایص آن را خلق کرده است. این درک ما را در شناخت بهتر اتعالی کمک خواهد کرد. در این درس با شناخت خداوند (جل جلاله) آشنا می شویم.

مباحثه کنید

- ۱- شاگردان عزیز! آیا در باره بزرگی کاینات و جهانی که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم، گاهی فکر کرده اید؟
- ۲- بزرگترین چیزی را که تاکنون دیده اید و یا در ذهن تان خطور نموده چیست؟ درین مورد خوب فکر تان را به کار انداخته و دقت کنید.

شاید بعضی از شما فکر کند شهری که در آن زنده‌گی دارد، بزرگترین شهر خواهد بود و بعضی دیگر که با مناطق دور سفر کرده اند، گمان خواهند کرد که جاهای را که دیده اند شاید پهناور ترین جاهای دنیا باشند.

بدون شک وضع کره زمین در میان کاینات و پهناوری هستی، مانند: یک ذره کوچک در یک فضای پراز غبار است، که کوچکی زمین را با همه بزرگی آن، و بزرگی و وسعت حیرت آور کاینات را به نمایش می‌گذارد.

شاید با این مثال، بزرگی شگفت انگیز جهان هستی برای تان واضح شده باشد. زمین، آفتاب، مهتاب، ستاره ها، آسمانها، انسانها، آب، درختها، گلهای، حیوانات، پرنده گان، حشرات و هر چیزی را که در طبیعت و دور و پیش خود می‌بینیم از کجا و چه گونه پیدا شده اند؟

آیا می‌دانید که اجرام سماوی بزرگ در کنار کره زمین و آفتاب و مهتاب در فضای پهناور و وسیعی چنان در حرکت اند، که گویی آب بازی می‌کنند؟ و آیا می‌دانید که وجود و حرکت این اجرام بزرگ مطابق نظم و قانون شگفت انگیزی صورت

می‌گیرد که اندکترین خلل و پراکنده‌گی در آن وجود ندارد؟
کاینات با این عظمت و جهانی با این همه دقت و نظم شکفت انگیز، خالق و آفریده
گاری دارد که با قدرت بی‌پایان و علم بیو کرانش، همه چیز را آفریده است.
بعضی نشانه‌های قدرت خداوند(جل جلاله)

طبیعت و کاینات مملو از نشانه‌های قدرت مطلق و علم بیکران خداوند(جل جلاله) است،
مشاهده و تفکر در پدیده‌های هستی و پی بردن به اسرار خلقت، بهترین راه معرفت و شناخت
خداوند(جل جلاله) و تقویت ایمان می‌باشد. از همین سبب است که خداوند(جل جلاله) در قرآن
کریم بار بار انسانها را به نظر کردن، تفکر، تدبیر و اندیشیدن در طبیعت و کاینات امر نموده و آنها
را به مطالعه و کشف اسرار پدیده‌های طبیعت و هستی فرا می‌خواند.

هر چند انسان در دنیا خداوند(جل جلاله) را دیده نمی‌تواند؛ زیرا توانایی و قابلیت این کار را
نمی‌داند، ولی شناخت خداوند یگانه و یکتا از طریق درک آثار و علایم قدرت او تعالی و معرفت
نامها و صفات او ممکن می‌باشد.

اسماهای خداوند(جل جلاله) و صفات او در قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ ذکر شده است که
تفصیلات آن را در کتابهای عقاید می‌توان یافت.

معرفت و شناخت خداوند(جل جلاله) مستلزم فرمانبرداری و اطاعت از آن ذات کریم و رحمن
است. انسانی که خداوند(جل جلاله) را شناخت باید خودش را در تمام گفتار و کردار تابع و
فرمانبردار قانون و نظام او یعنی دین اسلام ساخته و از گناه و سرکشی اجتناب نماید.

* چرا خداوند(جل جلاله) بار بار انسان را به نظر کردن، تفکر، تدبیر و اندیشیدن بر کاینات امر
کرده است؟

مروجی بودرس



سوالات



۱- راه پی بردن به اسرار خلقت و شناخت خداوند چیست؟

۲- فواید شناخت خداوند(جل جلاله) چه است؟ واضح سازید.

۳- آیا می‌توانید چند اثر از آثار قدرت خداوند(جل جلاله) را نام بگیرید؟

کارخانه‌گی



با کمک والدین خود مفهوم شعر حضرت سعدی (رج) را در چهار سطر بنویسید.

ضرورت به روابط و مناسبات اجتماعی

در درس گذشته آموختیم که شناخت خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) مستلزم فرمانبرداری از آن ذات کریم و رحمان است. انسانی که خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) را شناخت، باید خود را در تمام گفتارها و

کردارها تابع و فرمانبردار قانون
و نظام او یعنی دین اسلام ساخته
و از گناه و سرکشی اجتناب
نماید. در این درس به ضرورت
روابط و مناسبات اجتماعی آشنا
می‌شویم.

**مباحثه کنید
ارتباط چیست؟**

آیا بدون ارتباط دیگران می‌توانیم به حیات خود طوریکه لازم است ادامه
بدهیم؟

ارتباط از نظر لغوی پیوند دادن است. مفهوم ارتباط به معنای عام عبارت
است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتار های انسانی از یک شخص به شخص
دیگر. اکنون شما در مورد معنا و مفهوم ارتباط معلومات حاصل نمودید، لازم است
که ضرورت ارتباط با دیگر انسان ها را بدانید.

*** با همسنافان خود بحث نموده و به این سؤال پاسخ دهید:**

ارتباط تان با همسایه گان و همسنافان تان چطور است؟

انسان ها موجودات اجتماعی اند که به تنها یی زنده گی کرده نمی‌توانند. ضرورتنهای
زنده گی اکثر احتياجات اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و سیاسی است که به همکاری با
دیگران رفع می‌گردد. ما از سویی برای رفع ضرورت های مادی خود نیاز به هم فکری و
همکاری دیگران داریم و از سوی دیگر برای تأمین ضرورت های عاطفی؛ مانند: محبت،
صهیمیت، آرامش روحی خود ضرورت داریم تا با دیگران ارتباط داشته باشیم؛ در



خوشی های دیگران شرکت و در اندوه و مصیبت دیگران سهم بگیریم، تا آنها غصه و غم خود را نه فهمند و احساس تنهایی نکنند؛ زیرا پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرموده است: «حالت مؤمنان از نظر محبت، مهربانی، و عطوفت؛ مانند: یک جسم است، که هرگاه عضوی از اعضای آن به درد آید همه وجود آدمی احساس درد و ناآرامی می‌نماید» (صحیح البخاری).

انسانها با یک دیگر روابط گوناگون دارند. و هر کدام کاری را در جامعه انجام می‌دهند. به این ترتیب باید با هم دیگر همکاری کنند تا بتوانند ضرورت یک دیگر را رفع نمایند و بدون وجود انسانها با مشکلات روبه رو می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَتَعَاوُنُواْ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوُنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدُوَّانِ) [سورة مائده: ٢٤]

ترجمه: در کارهای نیک و خیر با هم دیگر همکاری کنید و در کارهای گناه و سرکشی همراه هیچ کس همکاری نکنید.

بنابراین: بر همه ما لازم است که با پدر، مادر، برادران، خواهران، اقارب، دوستان، رفقا، و خویشاوندان و هموطنان روابط حسن و دوستانه داشته باشیم، تا در صلح و آرامی بسر بریم. ما نمی‌توانیم در انزوا و دور از سایر انسانها زنده‌گی کنیم.

مرواری بردرس

سوالات

- ۱- ارتباط، کدام معنا را افاده می‌کند؟
- ۲- انسان‌ها چرا با یک دیگر ارتباط دارند؟
- ۳- انسان‌ها با یک دیگر چگونه روابط دارند. بیان دارید؟

کارخانه‌گی

فوايد روابط حسن را در سه سطر بنگاريد.

چرا به احترام ضرورت داریم؟

در درس گذشته آموختید که انسانها موجودات اجتماعی‌اند. ضرورت به برقراری روابط اجتماعی با هم‌دیگر دارند. ما از یک سو، برای رفع احتیاجات مادی خود ضرورت به هم فکری و همکاری دیگران داریم و از سوی دیگر از لحاظ عاطفی ضرورت داریم که با دیگران ارتباط داشته باشیم. در این درس می‌خوانیم که انسان را خداوند (جل جلاله) اکرام کرده است از این‌رو به احترام کردن طبیعتاً خوش می‌شود.

مباحثه کنید

۱- اگر به یک انسان احترام گذاشته نه شود، به وی چه احساس رخ خواهد داد؟

۲- آیا احترام گذاشتن از خود حد و اندازه بی دارد؟

ضرورت به احترام، منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و قدرشناسی موجب می‌شود که انسان‌ها از توهین و توبیخ آزرده و از تشویق و تمجید خوشحال شوند. هم‌چنین ضرورت فطری به احترام، میتواند نظر به شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعی فرق داشته باشد. به این معنا که به هر اندازه که عزت نفس در طفولیت بیشتر صدمه بییند و انسان سرزنش شود، میل او به کسب احترام بیشتر می‌گردد.

از طرف دیگر اگر به انسانها از طفولیت احترام زیاد گذاشته شود؛ مثلاً: به طفل ۵ یا ۷ ساله بگوییم، آقای احمد بفرمایید و یا لطفاً اینجا بیایید، ضرورت به احترام آنها افزایش می‌یابد؛ مانند: کسی که به غذاهای خوب عادت کرده باشد و گرسنه‌گی نه دیده باشد، همیشه خواهش غذاهای باز هم خوبتر را می‌نماید که این ضرورت از حد و اندازه بیشتر است. بنابراین اندازه رفع ضرورت‌ها در انسان‌ها چه در اطفال، چه در افراد بالغ باید فقط در حد ضرورت باشد، یعنی در جامعه ضرورت به احترام متقابل باشد. به افراد به خصوص اطفال نه باید آنقدر بی احترامی کرد و نه هم زیاد احترام گذاشت. باید با آنها به طور عادی رفتار کرد. اگر فرزندان نازدانه که در خانواده همیشه به آنها بیش از حد احترام گذاشته شده، وارد جامعه شوند، با توهین‌ها و بی احترامی‌ها مواجه گردیده، شخصیت شان خورد و ناکام شده و توان هر فعالیت از ایشان سلب می‌شود. هم‌چنین این موضوع در مورد ضرورت‌های مادی نیز صدق می‌کند؛ مثلاً: شخصی که گرسنه‌گی و مشکلات زنده‌گی را ندیده باشد، در موقع بحرانی از پا می‌افتد.

دیده می‌شود که تأثیر ضرورت به احترام و عزت نفس، حفظ آبرو و منزلت بسیار قویتر از ضرورت‌های مادی است؛ مثلاً: برای فردی مسلمان دفاع از عقیده، ناموس، و عزت مهمنتاز حفظ جان او است. ضرورت به احترام در جریان زنده‌گی روز مره نیز دیده می‌شود؛ مثلاً فردی شاید شکم سیر نان نخورد؛ اماً برای بچه‌های خود لباس خوب تهیه نماید، شاید. خودش به بدترین وضع زنده‌گی کند؛ اماً وقتی مهمان بیاید، از وی با غذا و میوه‌های که هرگز خودش و فامیلش نخورده است، پذیرایی کند و غیره.

طوری‌که گفته شد رفع احتیاجات در انسان‌ها به حد ضرورت باشد؛ یعنی ضرورت داشتن احترام به دیگران در جامعه متعادل باشد. انسان نه باید توهین و تحقیر شود. به او باید احترام قائل بود. و هم

چنان نه باید احترام کردن به یک انسان به اندازه باشد که از حد خود بگذرد و سبب غرور وی گردد.
خداؤنده (جل جلاله) در قرآن می‌فرماید: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (بقره ۱۴۳)

ترجمه: (و همین گونه شما را امت میانه و وسط قرار دادیم تا امت نمونه در برابر مردم باشید و پیامبر ﷺ هم فردی نمونه بی در برابر شما باشد)
بنابراین به این نتیجه میرسیم؛ طوری که ما به مردم احترام می‌گذاریم همین طور ما هم به احترام ضرورت داریم.

* با همصنفان خود در باره حد و اندازه احترام گذاشتن بحث نمایید.

مرواری بردرس

سؤالات

- ۱- در چه شرایطی ضرورت به احترام، بیشتر می‌شود؟
- ۲- چرا با توهین و توبیخ آزرده و با تشویق و تمجید خوشحال می‌شویم؟
- ۳- طفل نازدانه در زنده کی آینده خود به چه مشکلات مواجه می‌گردد؟

کارخانه‌گی

در باره ضرورت به احترام چند سطر بنویسید.

خلاصه فصل اول

- ۰ احتیاجات، عبارت از احساس یک کمبود همراه با کوشش در جهت برطرف کردن آن است.
- ۰ احتیاجات مادی؛ شامل: غذ، آشامیدن، پوشاسک، سرپناه وغیره است.
- ۰ احتیاجات معنوی انواع گوناگون دارد؛ به طور مثال: احتیاج به شناخت خداوند (جل جلاله) و ارتباط با او، احساس امنیت، احساس مفید بودن، محبت کردن وغیره.
- ۰ طبیعت عبارت است از زمین، آسمان، کوه، درخت، دریا، جنگل و دیگر اشیاییکه که در دور و بر و اطراف ما وجود دارند.
- ۰ انسان ها با یک دیگر روابط گوناگون دارند و هر کدام کاری را در جامعه انجام می‌دهند. پس باید با هم دیگر کمک کنیم تا توانیم ضرورت های یکدیگر را رفع سازیم.

فصل دوم

خانواده

- پیدایش و نقش خانواده
- ما چرا به خانواده ضرورت داریم؟
- احساس مسؤولیت در خانواده
- احساس همکاری در خانواده
- مشورت در خانواده
- نظم در خانواده
- احترام متقابل در خانواده
- خود گذری در خانواده

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که به اهداف زیر دست یابند:

- شاگران مفاهیم پیدایش و نقش خانواده را بدانند؛
- شاگردان احساس مسؤولیت، همکاری و مشورت را در خانواده بفهمند؛
- شاگردان نظم و احترام متقابل را در خانواده بفهمند.
- شاگردان خود گذری را در خانواده بدانند؛
- شاگردان پیدایش و نقش خانواده را درک کرده بتوانند؛
- شاگردان ضرورت خانواده را فهمیده بتوانند؛
- شاگردان احساس مسؤولیت و همکاری را تفکیک کرده بتوانند؛
- شاگردان احساس مسؤولیت، مشورت و نظم را فرق کرده بتوانند؛
- شاگردان احترام متقابل را با خود گذری در خانواده مقایسه کرده بتوانند.
- شاگردان به مفاهیم پیدایش و نقش خانواده دلچسپی حاصل نمایند.
- شاگردان نگرش خوب به مسؤولیت، همکاری و مشورت در خانواده پیدا کنند؛
- شاگردان علاقه به نظم و احساس مسؤولیت به خانواده حاصل نمایند؛
- شاگردان ذهنیت مثبت به خود گذری در خانواده و جامعه پیدا کنند؛

پیدایش و نقش خانواده

در درس گذشته دانستیم که ضرورت به احترام، منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو و قدر شناسی موجب می‌شود که انسانها از توهین و توبیخ آزرده و از تشویق و تمجید خوشحال شوند. در این درس با پیدایش و نقش خانواده آشنا می‌شویم.

مباحثه کنید

- هریکی ما عضو یک خانواده هستیم. خانواده چگونه تشکیل می‌شود؟
- خانواده کدام ضرورت‌های ما را برطرف می‌سازد؟

هر گاه از شما سؤال گردد که نخستین اشخاص را که در زنده‌گی خود شناخته اید نام ببرید، جواب شما چه خواهد بود؟ فوراً می‌گویید، مادر، پدر، خواهران، برادران، اولین کسانی اند که شما آنها را شناخته اید و به آنها علاقه مند شده اید. شما و آنها یک گروه هستید و این گروه، خانواده نام دارد.

خانواده با ازدواج مرد و زن تشکیل می‌شود با تولد فرزندان تعداد افراد خانواده زیاد می‌گردد و به خوشی و شادمانی آنها افزوده می‌شود. خانواده وسیله پیوند اجتماعی بوده که اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و از مهم ترین و اساسی ترین عنصر جامعه به شمار میرود که در همه جوامع پذیرفته شده و انکشاف و توسعه یافته است.

اکثر نوجوانان ما در خانواده‌خود در کمال آرامش و آسایش با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده خود زنده‌گی می‌کنند. آیا فکر کرده اید که همه نوجوانان هم سن شما با اعضای خانواده خود زنده‌گی می‌کنند؟

نقش خانواده در زنده‌گی

اولین زمینه ساز اجتماعی کردن افراد، خانواده می‌باشد. طفل زمانی که متولد می‌گردد، سخن گفتن، راه رفتن، آداب و شیوه زنده‌گی کردن را در خانواده خود فرا می‌گیرد و به تعقیب آن آداب و رفتار دیگران را می‌آموزد. بنابراین، خانواده اطفال را برای زنده‌گی کردن در جامعه تربیت و آماده می‌سازد. خانواده بهترین آموزشگاه است که کودک، دین، زبان، اخلاق نیکو، ایمانداری، مهربانی، لطف، گذشت و لبخند را در آن می‌آموزد.

* اطفال کدام موضوعات را از خانواده می‌آموزند.

چرا دین اسلام به خانواده اهمیت زیاد داده است؟

اسلام خانواده را مهم ترین و اساسی ترین واحد اجتماعی می‌داند که بنای آن بر الفت، محبت، رواداری، همدلی و همکاری استوار بوده و این بنا محبوبترین بناها در پیش گاه خداوند(جل جلاله) است.

اسلام زنده‌گی خانواده را بر مبنای حقوق و مسؤولیت پی‌ریزی می‌کند و در آن وظیفه هر یک از اعضاء، معلوم و مشخص است. اسلام قابل است که اصلاحات از خانواده شروع گردد و زن و شوهر مسلمان باید بقای حیات اجتماعی خود را در خانواده پی‌ریزی نماید.

کودکی که در خانواده از تربیت، محبت و اخلاق خوب بهره مند شود، در آینده فردی مفید و وظیفه شناس خواهد شد. به همین دلیل، دین اسلام به خانواده اهمیت زیادی داده است.

خانواده اعضا خود را از لحاظ اقتصادی حمایت و پشتیبانی می‌کند. غذا، پوشش، مصارف تحصیل و سایر نیازهای مادی آنها را تأمین می‌کند. هم چنان با محبت و صمیمیت ضروریات عاطفی آنها را برآورده می‌سازد. اسلام جهت استحکام پایه‌های خانواده، پیروان خود را بعد از عبادت خداوند(جل جلاله) و دوری از شرک، به نیکویی با والدین دستور می‌دهد، همانگونه که تربیت سالم فرزندان را بوالدین شان الزامی ساخته است.

* خانواده ضرورت‌های زنده‌گی اعضا فامیل خود را از کدام منابع تأمین می‌کند؟

مروری بردرس

•

•

•

•

•

سؤالات

- ۱- خانواده را تعریف کنید.
- ۲- دولت اطفالی را که پدر و مادر خود را از دست داده اند، در کجا نگهداری می‌کند؟
- ۳- خانواده، کدام نیازهای طفل را تأمین می‌کند؟

کارخانه‌گی

فرزندان چه وظایفی در مقابل خانواده دارند؟ با کمک والدین سه سطر بنگارید.

چرا به خانواده ضرورت داریم؟

در درس گذشته آموختیم که خانواده تهداب پیوند اجتماعی است که اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و مسؤولیت دارد تا اعضای خانواده را از لحاظ اقتصادی، عاطفی و تربیتی مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد، در این درس به

**موضوع (ما چرا به خانواده ضرورت داریم؟) آشنا می‌شویم.
مباحثه کنید**



- اگر خانواده وجود نمی‌داشت، ما چگونه زنده‌گی می‌کردیم؟ انسان موجود محتاج است. یکی از نیاز‌های مهم بشر این است که نمی‌تواند بدون دیگران زنده‌گی کند؛ انسان وقتی که تولد می‌شود ضرورت به خانواده دارد، و

نمی‌تواند بدون خانواده و دیگران زنده‌گی کند وقتی که طفل بزرگ شد، باز هم پدر و مادر، غذا، لباس، مسکن، تعلیم، تربیت و امنیت او را فراهم می‌سازند تا به مکتب برود و درس بخواند. خواهران و برادران بزرگ و سایر اعضای بزرگ خانواده هر کدام به سهم خود او را در درس و کارهای شخصی همکاری می‌نمایند.

خانواده یک نهادی است که ضرورت آن شرعاً و عقلاً قابل درک است. تشکیل خانواده خدمتی است به زن و مرد که برای حیات مشترک پیوند برقرار کرده و خدمتی است به اجتماع، از نظر دور داشتن آن از عوامل فساد و ایجاد احساس مسؤولیت به کودک است که ضرورت به معلم و مربی صالح دارد.

بررسی کنید

قبل اگفتیم که خانواده از زمان تولد فرزندان، از آنها مراقبت می‌کند و برای اعضای خانواده خود غذا، لباس و مسکن آماده می‌کند. به نظر شما.

- آیا این مراقبت‌ها تنها به دوران کودکی محدود می‌گردد؟
 - خانواده چه کارهای دیگر را برای اعضای خود انجام می‌دهد؟
- وقتی طفل تولد گردید، سخن گفتن، راه رفتن، آداب و شیوه زنده‌گی کردن، طرز برخورد

با مردم را نمی‌داند به تدریج که بزرگ شد، از پدر و مادر و سایر اعضای خانواده آنرا می‌آموزد.

خانواده میتواند سرچشمه سعادت، اطمینان و امنیت و آسایش و بهترین پناه گاه انسان هنگام رنج و سختی و ناکامی باشد. خانواده میتواند انسان را در مقابل انحرافات و کجری‌ها و گمراهی‌های موجود در جامعه بیمه نماید به شرط اینکه فرد فرد افراد آن معتقد به نیروی ایمان برپروردگار و احترام و اعتماد و محبت به یکدیگر و تعلیم و تربیت و آموختن مسائل ارزشمند اخلاقی باشد. اگر خانواده وجود نداشته باشد، کودکان به صورت صحیح و نور مال تربیت نخواهند شد. تجارب و تحقیقات نشان داده است، کودکانی که در آغوش خانواده تربیت یافته اند از کودکانی که در آغوش دایه و یا پرورشگاه تربیت شده اند از روحیه بشاش، روان آرام و شخصیت کاملتری برخوردار بوده اند. از اینجا نقش و ضرورت خانواده بیشتر از پیش احساس می‌شود.

* به نظر شما، مادر کدام ضرورت‌های زنده‌گی شما را رفع می‌نماید؟

مروزی بردرس



سوالات



۱- انسان چرا به خانواده ضرورت دارد؟

۲- خانواده کدام احتیاجات اطفال را تأمین می‌کند؟

۳- خانواده کدام چیز‌ها را به اطفال می‌آموزاند؟

کارخانه‌گی



به نظر شما فرزندان چه وظایفی در مقابل خانواده دارند؟ در این باره با چند تن از هم صنفان خود صحبت نموده نتیجه را در سه سطر تحریر و روز بعد به هم صنفان خود در صنف بیان دارید.

احساس مسؤولیت در خانواده

كُلُّكُمْ رَاعٌ وَ كُلُّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ دِعَيْتِهِ [بخارى]

حضرت پیامبر ﷺ می‌فرماید: همه شما سر پرست بوده و مسؤول زیر دستان و رعیت خود هستید.

در درس گذشته آموختیم، طفل وقتی که تولد می‌شود، ضرورت به خانواده دارد و نمی‌تواند بدون خانواده و سرپرستی والدین زنده‌گی کند. زیرا خانواده وسائل مادی و معنوی مورد ضرورت وی را فراهم می‌سازد. در این درس به درک احساس مسؤولیت در خانواده آشنا می‌شویم.

مباحثه کنید

اگر کاری از جانب مادر و پدر تان به شما سپرده شود، آنرا انجام میدهید یا خیر؟ اگر جواب شما مثبت باشد، دلیل بیاورید.

شما در خانواده خود وظایف مختلفی را به عهده دارید و آن را انجام می‌دهید.

فردی که انجام دادن یک کار را به عهده می‌گیرد، باید آن را با شوق و دلسوزی به صورت درست و به موقع انجام دهد، به آن احساس مسؤولیت می‌گویند.

احساس مسؤولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی، دلسوزی و به صورت صحیح و به موقع انجام دهد.

مسؤولیتی را که به عهده می‌گیرید، فراموش نکنید که آن را به علاقه و محبت و به موقع انجام دهید، حتا اگر دوستان تان در زمان اجرای کار، شما را به بازی فتبال، والیبال دعوت کند، از آنها نسبت مسؤولیتی که قبول کرده اید، تا انجام دادن کار معدترت بخواهید. هرگاه کاری به عهده یکی از اعضای خانواده گذاشته شود و آن را به موقع انجام ندهد، این عمل وی باعث نارضایتی و ناخشنودی خانواده می‌گردد و امکان دارد که صمیمیت و محبتی که در خانواده ایجاد شده، از بین برود.

با خصوصیات فرد مسؤول آشنا شوید

از خصوصیات فرد مسؤول، دلسوزی، علاقه مندی، دقت در انجام کار، وقت شناسی، نظم و پیگیری امور و غیره می‌باشد.

* برعلاوه موضوعات فوق دیگر کدام مطالب شامل ویژه‌گی‌های فرد مسؤول می‌شود؟ فهرست کنید.

مسئولیت اعضاي خانواده

هر يك از اعضاي خانواده در انجام امور خانواده گي، پيشرفت و ترقى و تعالي، رفاه، سعادت و رشد استعداد های اعضاي آن مسئوليت و وجایبي ديني و اسلامي دارند، در صورت تغافل و انجام ندادن مسئوليت ها و وظایف مربوطه، سکته گي در امور خانواده رُخ داده، بروز اختلافات و عدم اعتماد، سبب آزرده گي، بي علاقه گي، عدم محبت و صميميت در بين خانواده مي گردد. صميميت و مهرباني از ويزه گي های خانواده يی است که اعضاي آن نسبت با هم ديگر احساس مسئوليت مي کنند.

هر عضو خانواده مسئوليت دارد که در کارهای خانه همکاری نماید؛ بنابراین، ما با انجام دادن این کار با مادر و پدر و سایر اعضاي خانواده نشان مي دهیم که آن ها را دوست داریم و نیز خود را برای پذیرفتن مسئوليت های بعدی در زنده گي آينده، آماده می سازیم.

* اگر در انجام وظایفي که خانواده به ما می سپارد، احساس مسئوليت نکنيم، چه عواقبي پيش می آيد؟

مروری بر درس

-
-
-
-
-
-
-
-

سؤالات



- ۱- احساس مسئوليت کدام معنا را افاده می کند؟
- ۲- احساس مسئوليت در کارها کدام نتایج را به بار می آورد؟
- ۳- در صورت عدم احساس مسئوليت در کارها، چی عواقبي پيش می آيد؟

کارخانه گي



فردي که در انجام کارها احساس مسئوليت می کند، با شخصی که احساس مسئوليت نمی کند مقایسه نمایید.

همکاری در خانواده

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ [مايده: ٢]

ترجمه: در کار های نیک و خیر با هم دیگر همکاری کنید و در کار های گناه و سرکشی با هم دیگر همکاری نکنید.

در درس گذشته آموختید که احساس مسؤولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی و به صورت صحیح انجام دهد در این درس با داشتن روحیه همکاری در بین اعضای خانواده آشنا می شویم.

بحث کنید

چرا شما، در انجام دادن کارها با یکدیگر همکاری می کنید؟

هر کدام ما عضوی از خانواده هستیم. وظایف معینی را در خانواده به عهده داریم. کار معینی را به عنوان عضو خانواده انجام می دهیم و با سایر خانواده ها همکاری داریم. با در نظر داشت این مطالب به سؤالات ذیل جواب بدھید.

- ۱- اگر در یک خانواده بین اعضای آن، همکاری وجود نداشته باشد، چه واقع می شود؟
- ۲- آیا بدون همکاری سایر اعضای جامعه، میتوان همه امور زندگی خود را به تنها بی به

نحو احسن پیش ببریم؟

همکاری (تعاون) چیست؟

همکاری یا تعاون، عبارت از عمل اجتماعی است که در آن دو یا چند شخص یا یک گروه افراد به اتفاق همه و با تشریک مساعی یکدیگر، هدف مشترکی را دنبال کنند. این نه تنها عامترین صورت روابط اجتماعی است؛ بلکه شرط اساسی و ضروری حفظ و دوام خانواده ها، گروپ ها و جوامع است. همکاری، یک عملیه دو جانبی است.

در خانواده، روزانه کار های زیادی صورت می گیرد، همه اعضای خانواده می توانند در کار های مربوط خانواده همکاری داشته باشند؛ به طور مثال: پدر شما مصارف ماهوار تان را فراهم می نماید، مادر شما طعام را آماده می سازد؛ برادر شما نان را از نانوایی می آورد؛ برادر خورد شما به دست های اعضای خانواده قبل و بعد از صرف طعام آب می ریزد، خواهر شما دسترخوان را هموار می نماید؛ دیگر اعضای خانواده طعام را به دسترخوان می گذارند؛ و با گفتن بسم الله

الرحمن الرحيم خوردن طعام را آغاز می‌نمایند و در ختم طعام پدر با خواندن دعا یه صرف طعام را به پایان می‌رساند. در واقع همه اعضای خانواده با یک دیگر همکاری می‌نمایند. بنابراین کارها به خوبی و به سرعت انجام می‌گیرد.

* آیا شما در کارهای خانه همکاری می‌نمایید؟

اگر اعضای خانواده با یکدیگر همکاری نکنند، به چه مشکلات مواجه می‌شوند؟

در بعضی از خانواده‌ها بین اعضای خانواده روحیه همکاری ضعیف است. در این صورت امکان دارد همه کارهای خانواده یا بخش عمده آن‌ها به دوش یک نفر در خانواده قرار گیرد و دیگر اعضای خانواده کارهای خصوصی خود را انجام دهند. اگر مادر کار بیرون از خانه نیز داشته باشد، باید بیشتر کار و زحمت بکشد. علاوه بر کار بیرون از خانه، کارهای داخل منزل را نیز انجام دهد. در چنین حالت، مادر مريض و ناتوان می‌گردد. خلاصه گفته می‌توانیم که خانواده بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی بنیادش بر روحیه همکاری بین اعضای آن استوار است، شخص تا پایان عمرش به همکاری خانواده خویش ادامه می‌دهد. پس بر ما لازم است که با خانواده و جامعه خود همکاری صادقانه و صمیمانه داشته باشیم و وظایفی که به ما داده می‌شود، به وجه احسن انجام دهیم.

مروجی بردرس

سؤالات



۱- همکاری چیست؟

۲- آیت متبرکه را که در مورد همکاری خوانده اید، تحریر و ترجمه نمایید.

۳- هر گاه درخانواده، روحیه همکاری نباشد، خانواده به چه مشکلات مواجه می‌شود؟

کارخانه‌گی



برای این که اعضای خانواده باهم بیشتر همکاری داشته باشند، چه کارها را باید انجام دهند؟

مشورت

وَشَارِزْهُمْ فِي الْأَمْرِ [سوره آل عمران آية ۱۵۹]

در کارها از ایشان مشورت بگیر.

در درس گذشته آموختیم که همکاری یا تعاون عبارت از عمل کرد اجتماعی است که در آن دو یا چند شخص به صورت دسته جمعی به اتفاق همه و با تشریک مساعی هدف مشترکی را دنبال می‌کند. در این درس، مشورت را میخوانیم.

بحث کنید

یکی از رازهای موفقیت انسان این است که در کارها با دیگران مشورت نماید؛ اما آیا با هر فردی میتوان مشورت کرد؟ کسی که با او مشورت می‌کنید، باید دارای چه خصوصیاتی باشد؟

مشورت یعنی چه؟

مشورت در لغت نظر خواهی و تدبیر است و یا تبادل نظر کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه حل یا تصمیم گیری در باره موضوعی می‌باشد. همه انسانها قبل از این که کاری را انجام دهنند، در مورد آن مشورت می‌کنند و در باره امور مختلف می‌اندیشنند.

- با اشخاص ذیل در چه مواردی می‌توانید مشورت نمایید؟
 - پدر، مادر، خواهر، برادر، هم صنفان، دوست، معلم، امام مسجد.
- تنها افراد کم تجربه نیستند که با دیگران مشورت می‌کنند، بلکه افراد با تجربه نیز از مشورت با یکدیگر مستفید می‌شوند. شما بارها در مورد کالا، غذا، نحوه گذاشتن وسایل منزل در جای مناسب آن با مادر تان مشورت نموده و نظر آنها را پرسیده اید. معمولاً پدران در بسیاری از کارهای مهم؛ مانند: خرید یا اجاره اپارتمان (خانه) تهیه وسایل منزل باخانم و فرزندان خود مشورت می‌کنند. به نظر شما به مشورت کردن در این موارد و مسایل مختلف چه ضرورت است؟

همان طوریکه شما ملاحظه می‌کنید ما انسانها به منظور راه حل و تصمیم گیری برای زنده گی کردن بهتر همیشه با اطرافیان خود مشورت می‌کنیم و به این ترتیب علاوه بر طرز فکر خود از اندیشه دیگران نیز بهره مند می‌گردیم.

آیا می‌دانید از کدام اشخاص می‌توان مشورت گرفت؟
از اشخاص پرهیزگار، بتجربه، دانا، رازدار می‌توان مشورت گرفت.
* بر علاوه اشخاص فوق از کدام اشخاص دیگر می‌توان مشورت گرفت؟ موضوع را فهرست کنید.

دین مقدس اسلام در مورد مشورت چه هدایت داده است؟

دین مقدس اسلام به مشوره اهمیت خاصی قایل است. تا وقتیکه ملت های مسلمان از اصل مشوره پیروی نمایند، از الطاف خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) بهره مند خواهند بود، در امور دینی و دنیوی به مشورت یکدیگر کار کردن باعث رضای خداوند(جَلَّ جَلَالُهُ) و رسول خدا است. پیامبر ﷺ فرموده اند: کسی که استخاره کند، نا هراد نمی شود و کسی که مشورت نماید پشیمان نمی گردد و کسی که اقتصاد خود را تنظیم نماید، تنگدست نمی شود.

حضرت محمد ﷺ در امور مهم با اصحاب کرام همیشه مشورت می کرد و اصحاب کرام هم پس از رحلت وی در امور به مشورت کار می کردند و از اهل رأی و صاحبان خبره رأی می گرفتند و بر حسب صواب دید شان به اجرای امور می پرداختند. در اثر مشورت پرده از روی حقیقت برداشته می شود و روشنتر می گردد. از طرف دیگر شاملین مشورت و مشورت دهنده گان مسؤولیت مستقیم را احساس کرده برای رفع مسؤولیت خود همکاری می نمایند. همین فلسفه است که در ایجاد شورا ها بین مجتمع اداری از زمان های قدیم به این طرف مورد قبول است و هر ملت به نحوی، از آن پیروی می نماید. بنابراین ما باید در امور زندگی با اشخاصی مشورت نماییم که راز دار، صادق، عالم با تجربه و معلومات زیاد در موضوع مورد بحث داشته باشند.

* در مورد اهمیت مشورت با همکاری همصنفات بحث نموده نتیجه را یکی از شاگردان

بیان دارد.

مروجی بردرس



سوالات



- ۱- مزایای مشورت را بنگارید.
- ۲- از کدام اشخاص باید مشورت گرفت؟
- ۳- دین مقدس اسلام در مورد مشورت چه گفته است؟ بیان دارید.

کارخانه‌گی



اشخاصی که مشورت نمی کنند، به کدام مشکلات مواجه می شوند. در این باره چند سطر بنویسید.

نظم در خانواده

الرّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا

[سوره النساء ۳۴]

ترجمه: مردان بر زنان حاکم اند به سبب آنکه خداوند بعضی شان را بر بعضی دیگر برتری بخشیده و به سبب آنکه مردان مخارج را به عهده دارند)

در درس گذشته آموختیم که مشورت عبارت از تبادل نظر کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه حل یا تصمیم گیری در باره موضوعی می باشد. در این درس به رعایت نظم در خانواده آشنا می شویم.

بحث کنید

• نظم چیست؟

• چطور می توانیم در خانواده نظم را ایجاد کنیم؟

نظم، در لغت آراستن، ترتیب دادن، تنظیم کردن و در اصطلاح به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است. نظم اجتماعی نیز از همین نگاه مورد نظر قرار میگیرد و به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از قواعد، ارزش ها و قوانینی است که پایه وستون جامعه را تشکیل میدهند. یکی از مسائل که انسان ها در حیات عادی و روز مرأة خود

به آن ضرورت دارند؛ موضوع نظم و رعایت مقررات در امور اجتماعی است. تهیه یک پلان برای زنده گی روز مرء و عادت دادن به تداوم آن؛ از جمله مسائلی است که در آوردن نظم، ما را کمک می کند. به طور



مثال: شما صبح که می خواهید به مدرسه بروید ابتدا لباس های تان را از الماری بر می دارید و می پوشید. جورابهای تان را از جای مخصوص آن می گیرید و می پوشید، بوتهاي تان را از جای مخصوص برداشت



بعد از پاک کردن به پامی کنید و به طرف مکتب حرکت می‌نمایید. زمانی که شما از مکتب به خانه بر می‌گردید. بوتها و جورابها و لباس‌های تان را به جاهای مخصوص می‌گذارید.

قرار دادن وسایل و اشیا به محل‌های مخصوص شان به نام نظم یاد می‌شود.

ممکن است در جوار منزل شما خانواده‌ی زنده‌گی نماید که بسیاری از وسایل منزل را در جاهای مخصوص قرار ندهند. در این صورت اگر وارد خانه آنها شوید. هر چیز را در جای اصلی آنها نمی‌بینید؛ مثلاً بوتها در نزدیک الماری، لباسها در دهليزخانه و در سایر وسایل نیز چنین وضع را می‌بینید.

* با گروه خود بحث نموده، خانه بانظم را با خانه بی نظم مقایسه کنید.

پلان خانواده

هر خانواده‌ی برای این که نظم در خانواده آنها ایجاد گردد، برای خود پلان ماهانه و سالانه ترتیب می‌نمایند و در مواردی؛ چون: دیدو باز دید اقارب، دوستان، آشنایان، و همسایه‌ها اعیاد و غیره بر اساس پلان عمل می‌نمایند.

* آیا شما در خانواده خود، برای دید و بازدید روز‌های عید، وسایر مناسبتها پلان دارید؟ فهرست نمایید.
خلاصه این که در هر جامعه بی مسئله نظم، امر پسندیده و لازمی است. اهمیت آن این است که در مسایل برقراری نظم آن افراد، قادر می‌شوند استعداد خود را کشف کنند، اهداف خود را تعیین نموده و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کنند. داشتن برنامه منظم در همه امور زنده‌گی ما را به اهداف مشخص مان می‌رساند.

موروی بدرس



سؤالات



۱- نظم چیست؟

۲- نظم چه فایده دارد؟

۳- اهمیت مسایل برقراری نظم در یک جامعه چیست؟

کارخانه‌گی



در مورد پلان خانواده‌گی سه سطر بنگارید.

احترام متقابل در خانواده

در درس قبلی آموختید نظم، در لغت آراستن، ترتیب دادن، و در اصطلاح به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است، در این درس به احترام متقابل در خانواده آشنا می‌شویم.

بحث کنید

- شما در خانه چگونه رفتار می‌کنید؟
- آیا به پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده احترام می‌گذارید؟ از آنها چه توقع دارید که با شما چگونه رفتار داشته باشند؟

احترام، عبارت از رفتار و گفتاری است که نشان دهنده تایید شخصیت و یا اهمیت کسی یا چیزی باشد. در تعلیمات اخلاقی اسلام، حفظ ادب و احترام و رعایت آداب انسانی از وظایف حتمی یک فرد مسلمان است. حفظ احترام، موجب حفظ وحدت و بشردوستی و محبت و جلوگیری از بعض وکنه و عداوت در بین افراد جامعه می‌گردد. وقتی ما به کسی احترام می‌گذاریم، باعث می‌شود که دیگران نیز به ما احترام بگذارند. در خانواده، پدر، مادر و فرزندان به همدیگر احترام می‌گذارند.

خانواده‌هایی که اعضای آن به همدیگر احترام می‌کنند، همه اعضا احساس شخصیت و آرامش می‌کنند. اعضای چنین خانواده مودب و مهربان هستند و در جامعه هم باید با دیگران رفتار دوستانه داشته باشند. وجود این گونه افراد در جامعه نشان دهنده آن است که آنها خانواده خوب و موفقی دارند. پیامبر ﷺ در این مورد فرموده است: کسی که به بزرگان ما احترام نمی‌گزارد و برخورد سالان ما شفقت و مهربانی ندارد، از جمله ما نیست.

* احترام متقابل در خانواده چه اهمیت دارد؟

افراد با شخصیت، و صاحبان عقل و درایت همیشه با مردم با احترام رفتار می‌نمایند. حضرت پیامبر ﷺ با مردم به احترام و پیش آمد خوب رفتار می‌کردند. در سلام دادن سبقت می‌جستند، آرام و مؤدب سخن می‌گفتند و هر کس که نزد شان می‌آمد به احترامش به پا می‌خاست و مقامش را گرامی می‌داشت، او را در جای

خود می‌نشاند و اگر احیاناً فرشی وجود نداشت، عبای خود را زیر پایش هموار می‌کرد و متکاً (بالشت) خود را به وی می‌دادند.

خداآوند(جل جلاله) در آیات قرآنی امر می‌کند که احترام دیگران را رعایت کنید، کسی را تحقیر نه کنید و از تمسخر و استهزا پرهیز نمایید. با گفتار یا اشاره و زخم زبان، روح کسی را آزار ندهید و قلب کسی را جریحه دار نسازید. از عیب دیگران چشم بپوشید و کسی را با لقب یا نامی که دوست ندارد، صدا نکنید.

بنابراین، بر ما لازم است که هر کس را با درنظرداشت تقوا، پرهیزگاری، علمیت و مقامش احترام نماییم و از بی احترامی احتراز ورزیم.

* کدام اشخاص با مردم با احترام رفتار می‌نمایند؟ معلومات دهید.

مروایی بردرس

سوالات

- ۱- در تعالیم اسلام در مورد احترام متقابل چه گفته شده است؟ بیان دارید.
- ۲- اگر احترام متقابل وجود نداشته باشد؛ کدام نتایج را به بار می‌آورد.
- ۳- حضرت پیامبر ﷺ مردم را چگونه احترام می‌کردند، بیان دارید.

کارخانه‌گی

در مورد احترام متقابل چهار سطر بنگارید.

از خود گذری در خانواده

در درس گذشته آموختیم که در تعلیمات اخلاقی اسلام، حفظ ادب و احترام و رعایت آداب انسانی از وظایف یک فرد مسلمان است. خانواده‌هایی که اعضای آن همدیگر را احترام می‌کنند، همه اعضاء احساس شخصیت و آرامش می‌کنند، اعضاء چنین خانواده مؤدب و مهربان هستند در این درس به خود گذری در خانواده آشنا می‌شویم.

دلیل بیاورید

آیا خانواده می‌تواند بدون همکاری با یکدیگر و از خود گذری اعضاش بر مشکلات خود غلبه حاصل نمایند؟

از خود گذری یعنی گذشت کردن از حق خود برای آن که دیگران به حق خود برسند. اگر در رفتارهای هر یک از اعضاء خانواده خود توجه کنید، متوجه می‌شوید که آنها نه تنها به خاطر برآورده شدن خواسته‌های خود بی‌پروا نیستند؛ بلکه برای رفع احتیاجات سایر اعضاء خانواده نیز تلاش می‌نمایند. اگر شما به کارهای مادر و پدر تان متوجه شوید، خواهید دید که آنها همیشه برای فرزندان، از خود گذری می‌کنند؛ به گونه مثال: ما در، شب‌ها تا روز از طفلش مواضیت می‌نماید، تا به وی صدمه نرسد، به او شیر می‌دهد، وقتی طفل بزرگ شد، پدرش او را در مدرسه و یا مکتب شامل می‌نماید، برایش لباس، بکس، کتاب، کتابچه و وسائل درسی و آسایش را فراهم می‌سازد، در درس‌هایش با وی کمک می‌کند. ممکن است از بسیاری علایق خود به سبب کمک رساندن به طفل صرف نظر کند. اگر برای طفلش مشکل پیش آید در رفع آن مشکل به وی کمک می‌کند. اگر طفلش در کارها شکست بخورد، مادر و پدر احساس شکست می‌کند. اگر طفل در کار و فعالیت درسی موفق شود، والدین به خود می‌بالند و احساس خوشی می‌کنند.

* با همکاری یک دیگر یک نمونه از خود گذری را به همصنفان خود بیان کنید.
از خود گذری از صفات خوب و برازنده انسان‌ها است. مردم از انسان‌هایی که به اشکال مختلف برای دیگران خود گذری کرده‌اند، قدردانی می‌نمایند. هر چه روحیه فدا کاری واز خود گذری در خانواده و جامعه زیاد تر گردد، افراد آن خانواده‌ها و جامعه از رفاه و آسایش بیشتر برخوردار می‌شوند. بنابراین از همین امروز باید تصمیم بگیریم که در همه امور زنده‌گی، چه در کارهای خانواده و چه در جامعه از خود گذری برای دیگران دریغ نکنیم تا خانواده و جامعه خوب و مملو از محبت داشته باشیم.

مروزی بدرس

سؤالات

۱- از خود گذری چیست؟

۲- چند مثال از خود گذری والدین خود را بیان دارید؟

۳- هر گاه از خود گذری در خانواده و جامعه زیاد گردد، کدام نتایج را به بار می آورد؟

کارخانه‌گی

چهار مثال از خود گذری در خانواده را فهرست و در صنف بخوانید.

خلاصه فصل دوم

- انسان از وقی که تولد می شود، ضرورت به خانواده دارد و نمیتواند بدون خانواده و اجتماع زنده گی کند.
- احساس مسؤولیت به این معناست که فرد نسبت به کاری که به عهده گرفته است، علاقه مند باشد و آن کار را به خوبی، دلسوزی و به صورت صحیح و به موقع انجام دهد.
- ما انسان ها به منظور راه حل و تصمیم گیری برای زنده گی کردن بهتر با اطرافیان خود باید مشورت کنیم و به این ترتیب علاوه بر اندیشه خود از مشوره دیگران نیز بهره مند می گردیم.
- احترام، عبارت از رفتار و گفتاری که نشان دهنده تایید شخصیت و یا اهمیت کسی یا چیزی است.
- از خود گذری، یعنی گذشت از حق خود برای آنکه دیگران به حق خود برسند.

مفاهیم و اصطلاحات جغرافیایی



تعریف علم جغرافیه

جغرافیه علمیست که روابط متقابل انسان و محیط طبیعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جغرافیه آینهٔ جهان نمایی است که در همه موارد مربوط به زمین و کائنات به ما معلومات میدهد.

فواید علم جغرافیه

ما و شما در مورد قریه، شهر و کشوری که در آن سکونت داریم، معلومات داشته، اما در مورد سایر شهرها، ممالک، کره زمین، نظام شمسی، سیاره‌ها و سایر موضوعات معلومات نداریم. وقت و امکانات هم محدود است تا به هر جا سفر کنیم و در باره آنها معلومات حاصل کنیم. علم جغرافیه و معلومات مستند آن ما را کمک می‌کند، بدون آن که به جایی برویم و یا سفر نماییم، معلومات صحیح و موثق علمی را بدست آوریم.

آیا زمین به شکل کروی است؟

زمین یکی از سیارات نظام شمسی است که تقریباً شکل کروی را دارا می‌باشد. به اساس مطالعات دقیق که صورت گرفته قطب شمال زمین قدری فرو رفتگی داشته و در حصه استوا قدری بر آمده گی دارد. به این اساس زمین شکل یک کره مکمل را نداشته بلکه آنرا به شکل کره نامنظم تعریف می‌کنند. بناءً قطر استوایی آن نظر به قطر قطبی قدری طویلتر می‌باشد.

کره زمین از لحاظ ساختمان دارای برجسته‌گی‌ها و فرو رفتگی‌ها و صحراهای هموار و همچنین دارای دریاهای خروشان، جهیل‌ها، بحیره‌ها و ابحار می‌باشد. بلند ترین ساحه زمین را قله ایورست تشکیل می‌دهد که در کوههای همالیای برابر عظم آسیا در شمال هند موقعیت داشته (۸۸۴۸) متر از سطح بحر بلندی دارد. عمیق ترین قسمت زمین در بحر الکاھل، جنوب شرق چین واقع است که (۱۱۰۳۶) متر از سطح بحر پایین افتاده و به نام گودال ماریانا یاد می‌شود.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. هر گروپی از شاگردان تصویر کره مجسمه را پیش روی خود گذاشته، ساحه استوایی، ساحه قطبی، بلند ترین نقطه زمین و عمیق ترین قسمت زمین را به کمک معلم صاحب به شکل تقریبی پیدا کنند. بعد نماینده هر گروپ موضوعات را در پیش روی صنف تشریح نمایند.

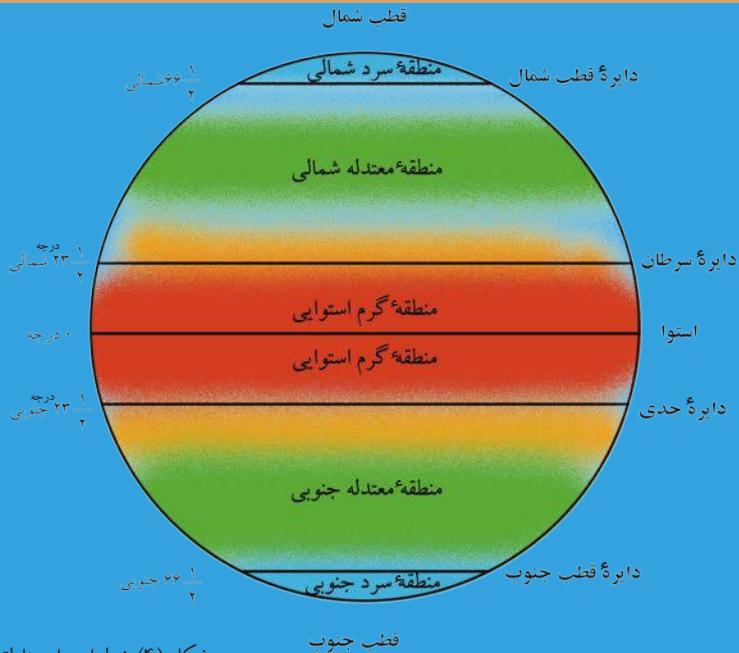
سوالات:

- ۱- جغرافیه را تعریف کنید.
- ۲- در جاییکه که زنده گی میکنید بلند ترین و پایین ترین قسمت‌های آن چه نام دارد؟
- ۳- بلند ترین نقطه جهان چقدر بلندی دارد و در کجا واقع است؟

فعالیت خارج صنف:

شاگردان راجع به اهمیت جغرافیه یک مقاله مختصر بنویسنند.

خط استوا و مناطق اقلیمی



شکل (۴) خط استوا و مناطق اقلیمی

خط استوا دایرهٔ فرضی بزرگی است که کره زمین را بدو حصه مساوی تقسیم می‌کند و به دایره‌های طول البد و محور زمین عمود می‌باشد. حصه شمالي خط استوا را به نام نیمکرهٔ شمالي و حصه جنوبي آنرا نیمکرهٔ جنوبي یاد می‌کنند.

خط سرطان: از اول حمل به بعد، شعاع آفتاب آهسته، آهسته به استقامت عرض البد های شمالي عمود تابیده تا آنکه در اول سرطان بالاي عرض البد $\frac{1}{2} 23$ درجه شمالي عمود واقع می‌شود. از اين سبب اين عرض البد را به نام دایرة سرطان ياد می‌کنند، در اين وقت فصل تابستان نیمکره شمالي و موقع انقلاب شمسی تابستان می‌باشد.

خط جدي: بعد از اول ميزان شعاع آفتاب به استقامت جنوب دایره استوا عمود می‌تابد تا وقیکه در اول جدي بالاي عرض البد $\frac{1}{2} 23$ جنوبي عمود واقع می‌شود. از اين سبب اين دایرة عرض البد را به نام دایرة جدي ياد می‌کنند و تابستان نیمکره جنوبي می‌باشد.

بعد از اول جدي شعاع آفتاب دو باره جانب استوا حرکت کرده، با گذشت سه ماه دیگر یعنی در اول حمل بالاي خط استوا عمود می‌تابد.

منطقة مدارین: بالاي خط جدي و خط سرطان شعاع آفتاب يك بار و بالاي دیگر عرض البد ها که بين دایرة سرطان و جدي واقع اند، دو بار شعاع آفتاب عمود می‌تابد. بنابر آن اين

منطقه را به نام منطقه مدارین استوایی یاد میکنند که دارای هوای بسیار گرم میباشد.

مناطق معتدل: بین عرض البلدhای $^{1^{\circ}}_{2^{\circ}}$ و $^{66^{\circ}}_{66^{\circ}}$ درجه در نیم کره شمالی و جنوبی موقعیت دارد که آب و هوای آن معتدل است.

مناطق سرد و بارده: بین عرض البلدhای $^{90^{\circ}}_{2^{\circ}}$ درجه و $^{66^{\circ}}_{66^{\circ}}$ درجه در هر دو نیم کره واقع بوده هوای آن اضافه تر سرد بوده منطقه بارده و یخچالی را تشکیل می دهد.

نیمکره شمالی و جنوبی:

معلومات درباره نیمکره شمالی و جنوبی، قطب شمال و قطب جنوب برای شاگردان چه اهمیتی دارد؟ هر گاه به کره زمین توجه شود، خط استوا آنرا به دو حصة مساوی تقسیم می کند. دایره استوا که به حیث مبدأ عرض البلدhها قبول شده، صفر درجه عرض البلد است، نود درجه عرض البلد در نیمکره شمالی و نود درجه عرض البلد در نیمکره جنوبی وجود دارد. اما در نیمکره جنوبی تنها آسترالیا، افریقای جنوبی و حصه زیاد امریکای جنوبی واقع شده است، از طرف دیگر حصه زیاد بحرها در نیمکره جنوبی وجود دارد. مثلاً بحر هند، حصه زیاد بحر الکاہل، بحر منجمد جنوبی و حصه جنوبی او قیانوس اطلس در نیمکره جنوبی موقعیت دارد.

بنابراین نیمکره جنوبی را نیمکره آبی و نیمکره شمالی را نیمکره خشکه نیز یاد میکنند. آب و هوای نیمکره جنوبی باز نیمکره شمالی نسبتاً بری است و نفوس جهان بیشتر در نیمکره شمالی بودویash دارند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. هر گروپ در صنف نیم کره را در قوس نیم دایره تشکیل دهند. یک گروپ نیم کره شمالی و گروه دیگری نیم کره جنوبی را تمثیل کنند.

سوال ها:

۱- خط استوا چیست؟

۲- خط جدی در کدام نیمکره واقع شده است؟

۳- دایره سرطان را چرا به نام دایره سرطان یاد می کنند؟

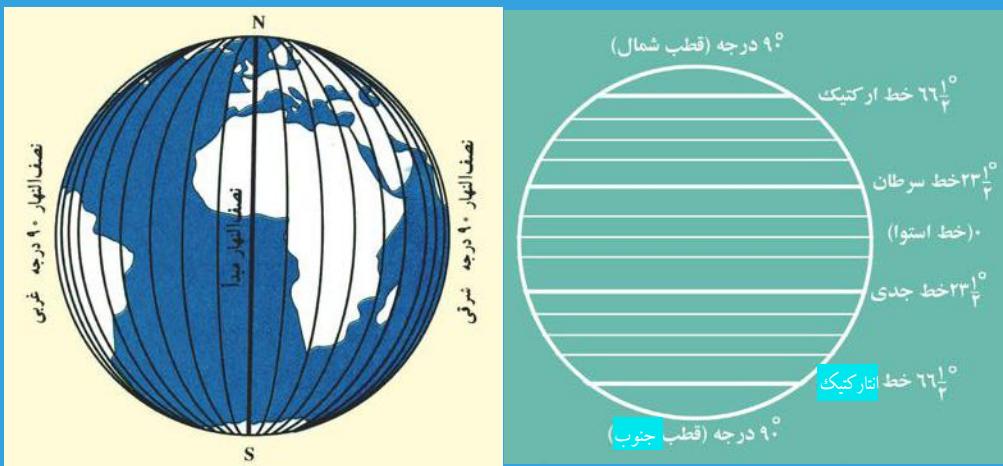
۴- در نیم کره شمالی کدام قطعات خشکه وجود دارد؟

۵- در نیم کره جنوبی کدام ابحار موقعیت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

شاگردان شکل نیم کره شمالی و جنوبی را با قطعات خشکه و ابحار در کتابچه های خود ترسیم کنند.

قطب شمال و قطب جنوب زمین- عرض البلد و طول البلد ؟



قطب شمال و جنوب

قطب شمال نقطه‌ آخری محور در شمال است که عرض البلد آن نود درجه شمالی است. همچنین قطب جنوب نقطه‌ آخر محور زمین در جنوب است که عرض البلد آن نود درجه جنوبی می‌باشد.

قطب شمال و جنوب:

دایره آرکتیک: دایره قطب شمال (آرکتیک) عرض البلد $66\frac{2}{3}^{\circ}$ درجه شمالی است.

دایره انترکتیک: دایره قطب جنوب (انترکتیک) عرض البلد $66\frac{2}{3}^{\circ}$ درجه جنوبی است.

محور زمین: هر گاه نقطه‌ آخری قطب شمالی را به قطب جنوبی وصل نماییم، خطی که این دو نقطه را وصل می‌کند به نام محور زمین یاد می‌شود، انجام شمال محور را قطب شمال و انجام جنوب محور را قطب جنوب یاد می‌کنند. قطب شمال جغرافیایی متوجه به ستاره قطب است که محور زمین را از حالت عمود به زاویه $1^{\circ} 23'$ درجه طرف راست میلان داده است.

عرض البلد:

عرض البلد دایره‌های را گویند که موازی به خط استوا، استقامت شرق- غرب را دارند، موازی همدیگر بوده به دایره‌های طول البلد عمود می‌باشند. چون زمین کروی است، بزرگترین دایره عرض البلد، خط استوا است و مبدأ عرض البلدها محسوب می‌شود بنابر آن صفر درجه قبول شده است. عرض البلدهای شمال استوا را عرض البلدهای شمالی گویند که به حرف (N) نشان داده می‌شود و عرض البلدهای جنوب استوا را عرض البلدهای جنوبی گویند و به حرف S ارائه می‌شود. هر درجه عرض البلد به 60 دقیقه و هر دقیقه به 60 ثانیه تقسیم شده که در نقشه‌ها به حساب درجه، دقیقه و ثانیه معرفی می‌شود.

بزرگترین دایره عرض البد را خط استوا گویند که کره زمین را به دو حصة مساوی تقسیم می‌کند، یعنی نیمکره شمالی و جنوبی بالای دایره استوا در اول حمل و میزان و بالای دایره سرطان در اول سرطان و در بالای دایره جدی در اول جدی شعاع آفتاب عمود می‌تابد. از همین سبب است که میل اشعه آفتاب و موقعیت آن در هر فصل مختلف است. توجه شود به تفاوت میل اشعه آفتاب در تغییر فصل‌ها و نشوونمای نباتات و مناطق اقلیمی اثر مهم دارد. خاصتاً در مناطق معتدل‌له و مناطق قطبی.

طول البد:

بر روی نقشه‌های جغرافیایی خطوطی رسم شده که توسط آن بالای نقشه، هر نقطه روی زمین را که خواسته باشیم، پیدا کرده می‌توانیم.

این خطوط دایره‌های طول البد و عرض البد می‌باشند که به اصطلاح کمیات وضعیه جغرافیایی نیز یاد می‌شوند. زمین دو قطب دارد. قطب شمالی و قطب جنوبی. آن خطوط فرضی که از قطب شمالی شروع شده و تا قطب جنوب میرسد، بنام خطوط طول البد (نصف النهار) یاد می‌شوند. چون محیط یک دایره (۳۶۰°) درجه است بناءً تعداد مجموعی طول البد‌ها (۳۶۰) درجه می‌باشد. خط طول البد که از شهر گرینویچ لندن می‌گذرد، مبدأ طول البد‌ها بوده و صفر درجه قبول شده که (۱۸۰°) درجه طول البد آن به طرف شرق گرینویچ لندن موقعیت دارد و به نام طول البد‌های شرقی و (۱۸۰°) درجه دیگر آن که به طرف غرب گرینویچ موقعیت دارد، به نام طول البد‌های غربی یاد می‌شود. هر درجه طول البد به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه آن ۶۰ ثانیه تقسیم می‌شود.

خطوط طول البد به تنها ی خود تفاوت وقت را در مناطق مختلف جهان نشان میدهد. تقاطع خطوط طول البد و عرض البد یکجا بالای نقشه‌ها موقعیت جاها را نشان می‌دهد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چند گروپ تقسیم شوند. گروپ اول دایره‌های عرض البد و گروپ دوم دایره‌های طول البد را ترسیم کنند و اشکال آن را در مقابل صنف توضیح نمایند.

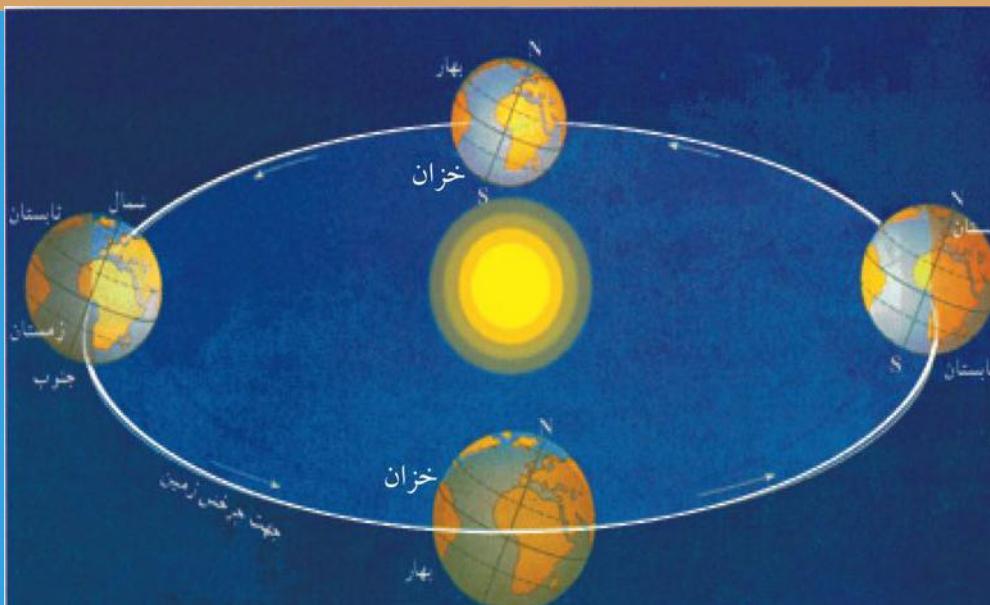
سوالها:

- ۱- قطب شمال در کدام درجه عرض البد قرار دارد؟
- ۲- دایره استوا را تعریف نمایید؟
- ۳- تعداد مجموعی طول البد‌ها چند درجه است و چرا؟
- ۴- طول البد صفر درجه از کدام شهر می‌گذرد؟

فعالیت بیرون صنف:

شاگردان دایره‌های عرض البد را در یک کره ترسیم کنند و دایره‌های مهم آن را نام بگیرند.

حرکات وضعی و انتقالی زمین



زمین دو نوع حرکت مهم دارد: حرکت وضعی و حرکت انتقالی.

زمین در مدت ۲۴ ساعت به دور محور خود می‌چرخد و یک دور کامل خود را تکمیل می‌کند، که این حرکت به نام حرکت وضعی زمین یاد می‌شود و از نتایج حرکت وضعی زمین به وجود آمدن شب و روز است. آفتاب همیشه در یک طول البد در حالت طلوع و به جهت مخالف آن در یک طول البد در حالت غروب می‌باشد. بنابر این در تمام طول البدها شب و روز پی هم واقع می‌شود. کره زمین که شامل 360° درجه طول البد است، در مدت ۲۴ ساعت از مقابل شعاع آفتاب عبور می‌کند. بنابر این در مدت یک ساعت 15° درجه طول البد از مقابل شعاع آفتاب میگذرد.

$$(طول البد = 15^{\circ} = 360^{\circ} \div 24)$$

در صورت پیدانمودن وقت یک منطقه، درجه طول البد آن را از نقشه پیدا می‌کنیم. بعد تفاوت هر درجه را با شهر خود مقایسه می‌کنیم. چون هر درجه در چهار دقیقه از مقابل آفتاب میگذرد، آن را ضرب 4 دقیقه می‌کنیم. به این صورت تفاوت وقت بین دو منطقه پیدا می‌شود.

حرکت انتقالی زمین:

حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب صورت می‌گیرد و مدار آن بیضوی است. آفتاب در یکی از محاقهای بیضوی قرار دارد. از این سبب فاصله زمین از آفتاب در تابستان و زمستان تفاوت دارد. نزدیکترین فاصله آن به آفتاب ۱۴۷ میلیون کیلومتر و دورترین فاصله آن ۱۵۲ میلیون کیلومتر است. حرکت زمین در بالای مدار به سرعت ۳۰ کیلومتر فی ثانیه صورت می‌گیرد.

- در فصل بهار اشعه آفتاب بالای خط استوا عمود است و آن هم در اول حمل.
- در اول سرطان شروع فصل تابستان شعاع آفتاب بالای دایره سرطان عمود می‌باشد.
- در اول میزان، فصل خزان شعاع آفتاب بالای دایره استوا عمود می‌باشد.
- در اول جدی شروع فصل زمستان، شعاع آفتاب بالای دایره جدی عمود می‌باشد.

فعالیت داخل صنف:

- شاگردان حرکت انتقالی زمین را ترسیم کنند و راجع به آن در صنف برای همصنفان خود توضیح دهند.

سوالها:

- زمین چند نوع حرکت دارد؟

- حرکت وضعی زمین چگونه یک حرکت است؟

- در مدت ۲۴ ساعت چند درجه طول البلد از مقابل شعاع آفتاب می‌گذرد؟

۱. دایره سرطان چه اهمیت دارد؟

۲. اعتدال بهار چیست؟

۳. انقلاب شمسی تابستان چه وقت صورت می‌گیرد؟

فعالیت خارج صنف:

مطلوبی در ارتباط با حرکات زمین تهیه کرده و در صنف ارائه نمایید.

فصل دوم- جغرافیای افغانستان

درس بیست و چهارم: موقعیت و حدود افغانستان



افغانستان کشوریست کو هستانی، که در جنوب بر اعظم آسیا در نیم کره شمالی موقعیت دارد. مساحت افغانستان بیش از (۶۵۲۰۰۰) کیلو متر مربع است. افغانستان از چهار طرف با خشکه احاطه شده و به بحر آزاد راه ندارد. نزدیکترین فاصله آن به بحیره عرب تقریباً به ۳۹۰ کیلو متر می‌رسد. به طرف شمال افغانستان، جمهوریت‌های تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان موقعیت دارند. سرحدات کشور ما در سمت‌های جنوب و شرق با جمهوری اسلامی پاکستان به واسطه خط تحملی دیورند نشانی شده که مردم افغانستان آن را به رسمیت نشناخته‌اند. به طرف غرب کشور ما جمهوری اسلامی ایران موقعیت دارد.

در سمت شمال شرق کشور ما، به یک فاصله کم با جمهوری چین هم سرحد می‌باشد. کشورهای آسیای میانه هم به بحر آزاد راه ندارند. ازین سبب تجارت آنها از راه افغانستان با ممالک جنوبی قاره آسیا صورت می‌گیرد که این موضوع به موقعیت افغانستان اهمیت خوبی می‌دهد.

جغرافیای طبیعی

یک بر سوم حصة کشور ما کوهستانی بوده و بخشی هم مناطق هموار را تشکیل داده است. سلسه کوههای هندوکش، کوه بابا، سفید کوه و سیاه کوه غربی، تیربند ترکستان، سپین غر، تور غر

شرقی مناطق بلند را تشکیل نموده اند. این کوهها در نواحی مرکزی، شمال شرقی و شرق کشور قرار دارند. در مناطق بلند کوهستانی، زمستان هوای بسیار سرد دارد و بارندگی زیاد آن به شکل برف می‌باشد، برف‌ها در کوهها ذخیره شده منابع اصلی آب دریاهارا در موسیمه بهار و تابستان برای مناطق هموار می‌سازد.

در یاهای زیادی از این سلسله کوههای افغانستان سرچشمه می‌گیرد. در مسیر دریاهای می‌توانیم بند برق بسازیم تا از یک طرف با استفاده از بندهای مذکور از برق آن استفاده کنیم و از طرف دیگر از ذخیره آب آن به آبیاری زمین‌های زراعتی پردازیم.

اراضی همواریکه در بین کوهها واقع شده و نسبت به مناطق اطراف خود بلندتر باشند، به نام سطح مرتفع یاد می‌شوند. مشهورترین سطوح مرتفع کشور ما عبارتند از سطح مرتفع پامیر و واخان و سطح مرتفع مرکزی.

سطح مرتفع پامیر در مرکز برابر اعظم آسیا موقعیت دارد که بلندی آن از سطح بحرین (۶۰۰۰-۷۰۰۰) متر بوده، به نام بام دنیا شهرت دارد. یک قسمتی از این سطح مرتفع در خاک افغانستان واقع است.

ساحه جنوب غربی کشور که دارای آب و هوای گرم و خشک است. بارندگی در آن کم است. در این نواحی دشت‌های مارگو، سیستان و بکوا واقع اند.

فعالیت داخل صنف:

از روی نقشه پیدا کنید که افغانستان با کدام کشورها بیشترین مرز سرحدی را دارد به ترتیب از بیشترین آغاز کنید:

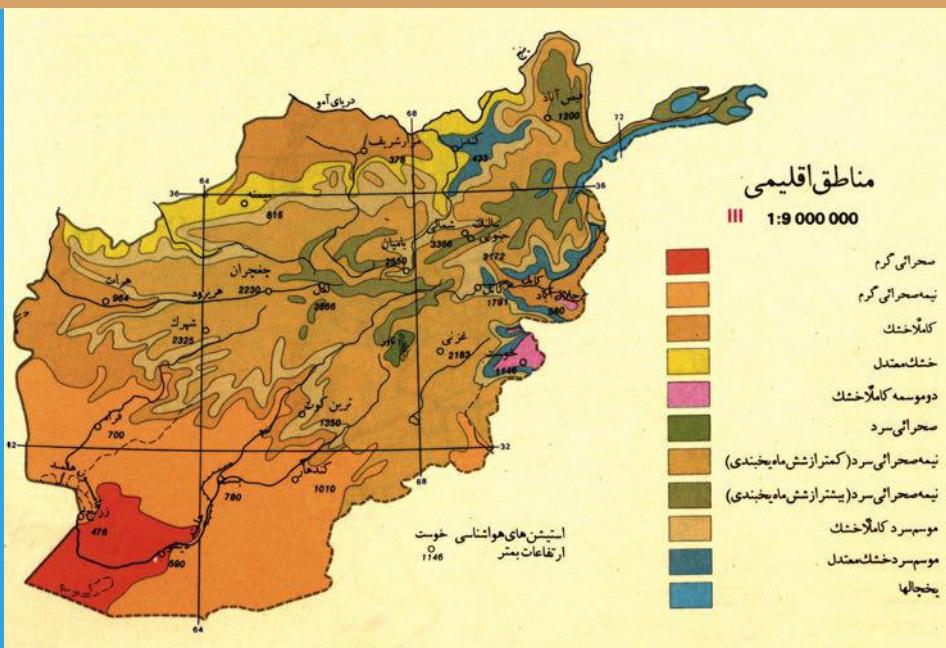
سوالات:

- ۱- افغانستان در کدام قسمت برابر اعظم آسیا موقعیت دارد؟
- ۲- مساحت افغانستان چقدر است؟
- ۳- افغانستان محاط به خشکه است یا با بحر و نزدیکترین فاصله آن با کدام بحیره و چقدر است؟
- ۴- مشهورترین کوههای افغانستان را نام بگیرید؟
- ۵- دشت‌های مهم کشور را نام بگیرید

فعالیت خارج صنف:

کشورهای اسلامی همچو افغانستان را با سمت و موقعیت آنها در کتابچه‌های این لست نموده فردا در صنف ارائه دهید.

راجع به اقلیم افغانستان چه می دانید؟



نقشه اقلیمی افغانستان با خطوط عرض البلد

افغانستان از نظر موقعیت جغرافیایی و ساختمان طبیعی به شش منطقه اقلیمی ذیل تقسیم شده است:

۱. اقلیم صحراوی:

نواحی جنوب غربی کشور مثل گوشک، نیمروز و جنوب فراه را در بر دارد. بارنده‌گی در این نواحی کم است. در زمستان برف در آن مناطق نمی‌بارد. گرمی زیاد و بارنده‌گی کم از خصوصیات آن است. تفاوت هوا بین شب و روز آن زیاد است. چنانچه شب‌ها خیلی سرد و هوای روزها بسیار گرم می‌باشد. دشت‌های مارگو، بکوا، خاشرود و سیستان در این مناطق واقع اند. در این نواحی انواع بتنه‌های خاردار که در مقابل خشکی و کمی رطوبت مقاومت دارند، می‌روید.

۲- اقلیم کوهستانی

در مناطق بلند کوهستانی با هوای سرد مواجه می‌شوید. بخش زیاد بارنده‌گی در این نواحی به صورت برف می‌باشد. این برفها در کوهها ذخیره شده، منع اصلی دریاهارا تشکیل می‌دهد. آب و هوای مناطق مرکزی هندوکش و سالنگ‌ها نمونه این نوع اقلیم در کشور است.

۳- اقلیم مدیترانه‌یی:

منطقه اقلیم مدیترانه‌یی، تابستان خشک و بسیار گرم دارد. بارنده‌گی آن اکثرًا به شکل باران در زمستان صورت می‌گیرد. برنج، نیشکر و میوه‌های خاندان ستروس (نارنج) در آن می‌روید. ولایات ننگرهار و لغمان دارای اقلیم نوع مدیترانه‌یی است.

۴- اقلیم مونسون

بعضی مناطق ولایات پکتیا، خوست و ننگرهار دارای اقلیم مونسونی است. در این نواحی در تابستان باران می‌بارد. هوای مرطوب این نواحی مساعدترین منطقه برای رشد درخت‌های ارچه، بلوط، جلغوزه و قهوه می‌باشد. اکثر جنگل‌های طبیعی وطن ما در همین منطقه واقع شده است.

۵- اقلیم استپ (علفزار):

بارندگی در این مناطق بیشتر در زمستان صورت می‌گیرد. در این مناطق علفزارها خوب نشو و نمادارند. این مناطق برای پرورش حیوانات بسیار مناسب است. در این مناطق ولایات بغلان، قندز، فاریاب، پروان، غزنی، کاپیسا، کابل و هرات شامل اند.

۶- اقلیم توندرا-آلپی

مناطق بلند که ساحه جنگل‌ها و درختها در آن به پایان رسیده و نباتات به شکل علف و بته در آن رویده باشد اقلیم توندرا را تشکیل میدهد. در این مناطق برف زیاد می‌بارد و زمستان آن بسیار سرد و طولانی و تابستان آن معتدل و کوتاه است. به دلیل سردی زیاد هوا درخت در آن نمی‌روید. مناطق پامیر در بدخشنان و نقاط مرتفع هندوکش و ناور غزنی در این منطقه موقعیت دارند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد اقلیم و اقلیم صحرایی، گروپ دوم در مورد اقلیم کوهستانی و اقلیم مدیترانه‌یی، و گروپ سوم در باره اقلیم مونسونی، اقلیم استپی و اقلیم توندرا آلپی، باهم بحث نموده، هر گروپ موضوع خویش را در پیش روی صنف شرح دهند.

سؤالهای:

۱- اقلیم را تعریف کنید؟

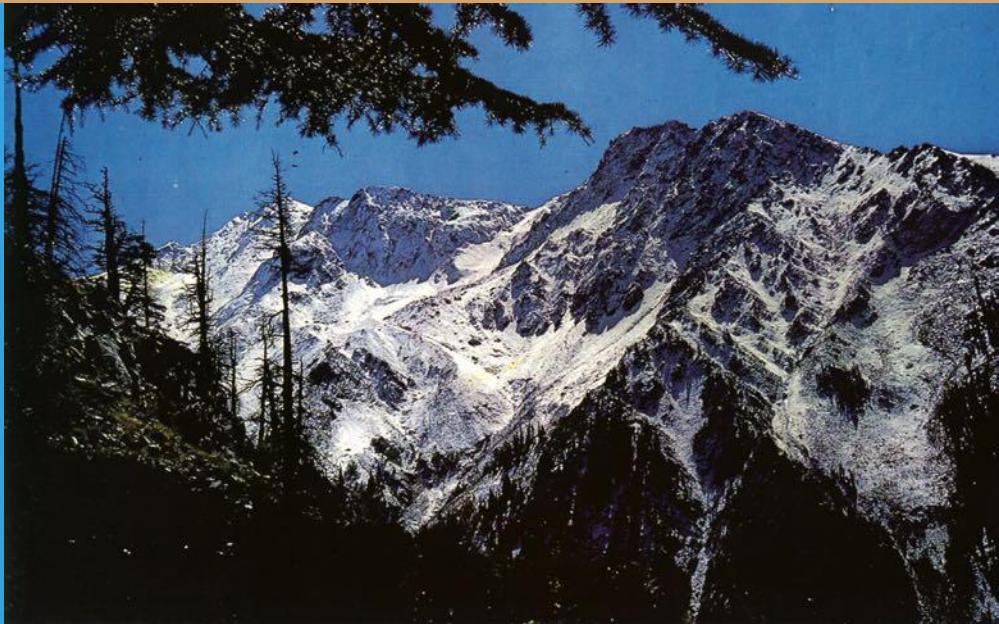
۲- جدول اقلیمی افغانستان را در کتابچه‌های خود تکمیل کنید.

نام اقلیم	خصوصیات	پوشش نباتی
اقلیم صحرایی		
	بارش زیاد برف و باران	
	میوه‌های خاندان سترووس	
اقلیم مونسونی		
	بارندگی در زمستان	

فعالیت خارج صنف:

محل سکونت شما دارای کدام نوع اقلیم می‌باشد؟ در چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید و فردا در صنف با همصنفان تان بخوانید.

کوههای مهم افغانستان



گوشه‌یی از طبیعت

افغانستان کشوریست کوهستانی، که تقریباً $\frac{1}{3}$ حصة خاک آنرا کوهها در بر گرفته است. این کوهها بیشتر در ساحه مرکزی و شرقی افغانستان واقع اند. بعضی از کوههای وطن ما پوشیده از جنگل است. در کوههای بلند کشور ما، برفهای دائمی وجود دارد. این برفها در فصلهای گرم سال آب شده، منبع دریاهای را می‌سازد.

۱- هندوکش:

هندوکش بزرگترین کوههای افغانستان است که از پامیر خورد در شمال شرق افغانستان شروع شده به طرف جنوب غرب تا دره بامیان امتداد دارد. این سلسله کوه در حرص مرکزی ساحه وسیعی را در بر گرفته است. هندوکش برای مطالعه خوب تر به دو حصه تقسیم شده است. هندوکش شرقی و هندوکش غربی.

هندوکش شرقی از دره زیبا که بدخشنان تا کوتل خواک امتداد دارد. هندوکش شرقی بلندی زیاد دارد. بلند ترین قله آن تراجمیر در چترال قرار دارد که (۷۷۵۰) متر ارتفاع دارد. بلند ترین قله آن در خاک افغانستان به نام نوشاخ یاد شده که (۷۴۸۵) متر از سطح بحر بلندی دارد.

هندوکش غربی از کوتل خواک تا دره بامیان امتداد دارد. بلندی آن از هندوکش شرقی کمتر است. از همین سبب عبور و مرور از کوتلهای آن نسبتاً آسان تر است. کوتل سالنگ به

ارتفاع (۳۴۰۰) متر و کوتل شیر به ارتفاع (۳۲۰۰) متر از کوتل‌های مشهور هندو کش غربی است که راه عبور و مرور مردم از شمال به جنوب و برعکس آن می‌باشد.

کوه بابا

کوه بابا در مرکز افغانستان از شرق به غرب از کوتل حاجیگک شروع شده تا جنوب کوه حصار امتداد دارد. بلند ترین قله آن به نام شاه فولادی یاد شده که (۵۱۴۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارد. قله‌های این کوه اکثر اوقات پوشیده از برف می‌باشد. در دامنه‌های شمالی و جنوبی آن چراگاه‌های خوبی برای تربیه حیوانات وجود دارد.

سپین غر:

سپین غر در شرق افغانستان واقع شده بلندترین قله آن سیکارام که (۴۷۵۵) متر از سطح بحر بلندی دارد. دامنه‌های شمالی و جنوبی آن پوشیده از جنگل‌های وسیع طبیعی است. دره معروف خیر که از لحاظ تاریخی و ارتباطی دارای اهمیت است در این رشته کوه قرار دارد. افغانستان کوه‌های زیادی دارد. کوههای مهم دیگر آن عبارت اند از: فیروز کوه یا سفید کوه غربی، سیاه کوه غربی، گل کوه، تیربندترکستان، کوههای سلیمان، چاگایی، تورغر یا سیاه کوه شرقی و غیره.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شده بعد از بحث در موارد ذیل موضوع را در پیش روی صنف شرح دهند.

گروپ اول: نقشه افغانستان را رسم کرده، کوه بابا را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.

گروپ دوم: نقشه افغانستان را رسم کرده سپین غر را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.

گروپ سوم: نقشه افغانستان را رسم کرده کوه هندوکش را در آن نشان داده و در مورد آن معلومات دهند.

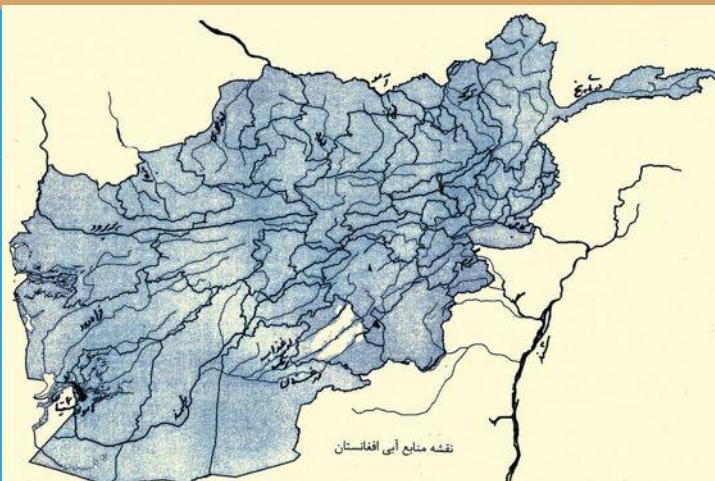
سوالها:

- ۱- کوههای افغانستان بیشتر در کدام منطقه موقعیت دارند؟
- ۲- کوه هندوکش در کدام قسمت وطن ما واقع است؟
- ۳- کوه بابا در کدام قسمت کشور ما واقع است؟
- ۴- کوه سپین غر در کدام قسمت کشور موقعیت دارد؟
- ۵- اهمیت کوههای افغانستان را شرح دهید؟

فعالیت خارج صنف:

نقشه افغانستان را در کتابچه‌هایتان رسم نموده، کوههای مهم را از روی نقشه کتاب تان در آن نشانی کنید.

دریاهای افغانستان (به حیث شریان زراعتی و تولید انرژی)



نقشهٔ دریاهای افغانستان به حیث شریان زراعتی و تولید انرژی

در درس کوهها خواندیم که در بسیاری از کوههای بلند کشور ما، برف‌های دائمی وجود دارد. این برف‌ها در فصل گرمای سال آب شده، منبع آب دریاهای را می‌سازد. در یاها در سرچشمه خود خورد بوده آب کم دارند. در مسیر راه آب چندین دره با هم یکجا شده، دریا بزرگتر شده می‌رود.

دریاهای بزرگ به صورت عمومی دارای معاونین و شاخه‌ها می‌باشند. معاونین دریاهای در کنار راست و چپ دریا در جریان بوده، بالاخره آب آنها با دریاهای بزرگ یکجا می‌شوند. یکجا شدن این دریاهای کوچک با دریای بزرگ به نام سیستم دریایها یاد می‌گردد. علمای جغرافیه، افغانستان را از لحاظ جریان آبهای جاری به ۵ حوزه آبگیر تقسیم نموده اند که عبارت اند از:

چهارم: دریاهای حوزه هریرود

پنجم: دریاهای حوزه های بسته

اول: دریاهای حوزه آمو.

دوم: دریاهای حوزه کابل.

سوم: دریاهای حوزه هلمند

اول: دریاهای حوزه آمو

دریای آمو که یونانی‌ها آنرا به نام اکسوس و عربها آنرا به نام جیحون یاد کرده اند، بزرگترین دریای این حوزه می‌باشد که از پامیر خورد سرچشمه گرفته و در بحیره ارال می‌ریزد. این دریا از زرقول تا خم آب به طول (۱۲۰۰) کیلومتر سرحد طبیعی بین افغانستان و جمهوریهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را تشکیل میدهد. معاونین آن از خاک افغانستان دریاهای کندز و کوچه می‌باشند.

دوم: دریاهای حوزه کابل

بزرگترین دریای این حوزه دریای کابل است که از کوتل اونی کوه پغمان سرچشمه گرفته، از غرب به طرف شرق جریان دارد. از شهر کابل ولایت لغمان و ننگرهار گذشته در قسمت اتک پاکستان به دریای سند میریزد. معاونین دریای کابل عبارت اند از: دریای لوگر، پنجشیر،

لغمان (الیشنگ و الینگار) و دریایی کنر. از آب دریایی کابل در آبیاری زمین‌های زراعتی استفاده می‌شود. بند برق ماهییر، نغلو، سروبی و درونته در مسیر آن ساخته شده که از برق آن برای تنویر شهرهای کابل و جلال آباد استفاده می‌شود.

- سوم: دریاهای حوزه هلمند

بزرگترین و طویلترین دریای افغانستان دریای هلمند است، که از دامنه‌های غربی کوه پغمان سرچشمہ گرفته به طرف غرب جريان دارد. طول آن (۱۴۰۰) کیلومتر است. معاونین آن کادیرود، دریای موسی قلعه، ارغنداب، ترنک و ارغستان میباشند.

بعضی از دریاها با هلمند یکجا نشده و در جهیل سیستان میریزند. عبارت اند از: خاشرود، فراه رود، ادرسکن یا هاروت. بالای دریای هلمند در منطقه گرشک بندبغا اعمار گردیده است. این بند مناطق نادعلی و دشتی را که در غرب قلعه بست واقع است، آبیاری می‌کند.

چهارم: دریاهای حوزه هریرود

مهتمترین دریای این حوزه، هریرود است که از غرب کوه بابا سرچشمہ گرفته از شرق به طرف غرب جريان دارد. این دریا از اسلام قلعه تا ذوالفارس سرحد طبیعی بین افغانستان و ایران را تشکیل میدهد. هریرود در مسیر خود ولایت هرات را سرسبز می‌سازد. دریای مهم دیگر این حوزه دریای مرغاب می‌باشد.

پنجم: دریاهای حوزه‌های بسته:

دریاهای که از مناطق مرتفع کوهستانی سرچشمہ گرفته و در یک مسیر بسته جريان دارند و با کدام دریای دیگر یکجا نمی‌شوند، بنام دریاهای حوزه بسته یاد می‌شوند و عبارت اند از: دریای غزنی که بعد از عبور از شهر غزنی به آب استاده غزنی می‌ریزد. دریاهای دیگر این حوزه عبارت اند از دریای بلخاب، دریای سمنگان، دریای اندخوی و دریای قیصار.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند، دو گروپ در باره دریاهای حوزه آمو و دو گروپ در مورد دریاهای حوزه کابل و حوزه هلمند طور جدا گانه با هم بحث نموده نماینده هر گروپ موضوع را در پیش روی صنف تشریح نمایند.

سوالها:

- ۱- طویلترین دریای افغانستان کدام است؟
- ۲- دریاهای حوزه‌های بسته را نام بگیرید.

- ۳- هریرود از کدام کوه سرچشمہ گرفته و کدام مناطق را سرسبز می‌سازد؟

فعالیت خارج صنف:

دریاهای حوزه باز مثل هلمند را با دریاهای حوزه‌های بسته مقایسه کنید و معلومات خود را در صنف ارایه کنید.

در باره جهیل‌های افغانستان چه میدانید؟



آب ایستاده را که چهار طرف آن خشکه باشد جهیل می‌نامند. وطن ما افغانستان در بعضی نواحی دارای حوزه‌های بسته بوده که باعث به وجود آمدن جهیل‌ها گردیده است. بعضی از این جهیل‌ها از لحاظ مساحت خورد و بعضی بزرگ می‌باشند.

یک تعداد از این جهیل‌ها در مناطق بلند و مرتفع از آب‌های یخچالی به وجود آمده و برخی در مناطق هموار و کم ارتفاع آبریزه دریاهای منطقه‌یی را تشکیل داده و به نام‌های مختلفی چون هامون، کول، آب ایستاده و یا جهیل یاد می‌شوند.

هامون سیستان:

هامون هلمند، هامون صابری، هامون پوزک و گود زیره در گوشه جنوب غرب کشور در ولایت نیمروز آبریزه دریاهای منطقه‌یی را تشکیل می‌دهند. ساحل این هامونها نظر به وضع آبخیزی دریاهای فرق می‌کند. هامون هلمند قسمتی از سرحد طبیعی بین افغانستان و ایران را تشکیل داده است، طوریکه یک قسمت آن به افغانستان و یک بخش دیگر به ایران تعلق دارد.

جهیل شیوا:

جهیل شیوارد ولایت بدخشان موقعیت دارد. آب آن صاف بوده در موسوم زمستان آنرا یخ می‌زنند. ارتفاع جهیل شیوا از سطح بحر (۳۰۵۰) متر می‌باشد.

جهیل زرقول:

جهیل زرکول یا زرقول که به نام جهیل ویکتوریا هم یاد می‌شود، در سطح مرتفع پامیر در

قسمت خط سرحدی بین افغانستان و تاجکستان واقع است. این جهیل منبع اولی آب دریایی پامیر و آمو را تشکیل میدهد. طول ساحل شمالی آن شش کیلومتر و از ساحل جنوبی آن ده کیلومتر و عرض آن چهار و نیم کیلومتر است. این جهیل هم یخچالی بوده در اکثر وقت سال آب آن منجمد و یخ بسته می‌باشد.

جهیل چقمقین:

این جهیل هم در پامیر موقعیت دارد. دریایی و اخان از این جهیل سرچشمه می‌گیرد. طول این جهیل هفده کیلومتر و عرض آن دونیم کیلومتر است. اطراف آن سرسبز و شاداب بوده چراگاه حیوانات مردم قرغز را تشکیل داده است.

آب ایستاده غزنی:

به سمت جنوب ولایت غزنی موقعیت دارد. دریای غزنی در آن میریزد. آب این جهیل طعم خوب ندارد.

جهیل نمکسار هرات در بین خط مرزی افغانستان و ایران موقعیت دارد. آب آن نمکی بوده و از آن نمک استحصال می‌کنند.

علاوه بر جهیل‌های فوق، یک تعداد بندهای طبیعی که جهیل‌های خورده منطقه‌یی را تشکیل داده اند نیز در کشور ما وجود دارند که مناظر زیبا و جالبی را تشکیل میدهند بند امیر (بند هیبت، پنیر، پودینه ذوقفار و جداسل) در ولایت بامیان.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد جهیل‌ها، گروپ دوم در موردهامون سیستان و آب ایستاده غزنی، گروپ سوم در باره جهیل‌های ولایت بدخشان و گروپ چهارم در مورد بند امیر با هم بحث کنند و نتیجه مباحثات خود را در پیش روی صنف شرح دهند.

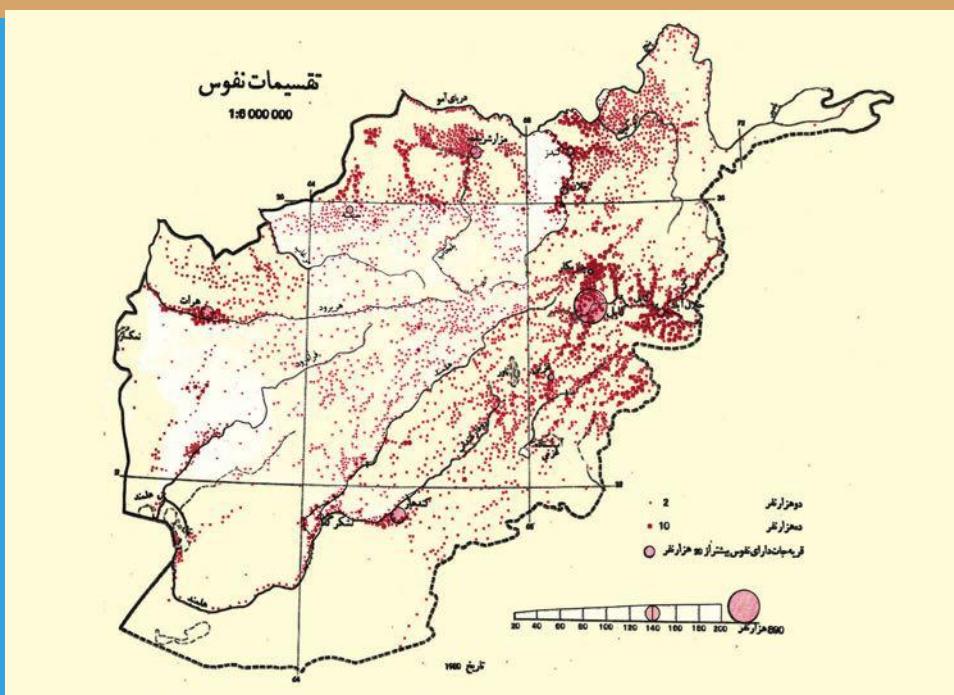
سوالات:

- ۱- جهیل را تعریف کنید.
- ۲- جهیل‌های مناطق مرتفع و مناطق پست از هم چه تفاوت دارند؟
- ۳- هامون هلمند قسمتی از سرحد بین کدام کشورها را تشکیل نموده است؟
- ۴- جهیل زرکول در کدام قسمت افغانستان واقع است؟
- ۵- بند امیر در کدام قسمت افغانستان موقعیت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

جهیل‌های را که خودتان دیده اید، نام گرفته، در مورد آن چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید و فردا در صنف با همصنفان تان ارائه دارید.

جغرافیای بشری



دانش جغرافیا به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از آن شاخه‌های اصلی جغرافیای بشری است که در موضوعات چون نفوس، اقوام، زبان‌ها و دین‌ها... بحث می‌کند.

نفوس:

افغانستان سرزمین پهناوری است که ۳۲ میلیون نفر جمعیت دارد. در سال ۱۳۹۴ تراکم نفوس افغانستان ۴۲ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد و پراگانده‌گی نفوس در افغانستان در تمام جاهای یکسان نیست. در مناطق شرقی تراکم زیاد و در مناطق جنوب غربی و مرکزی تراکم نفوس کم است. باشندگان کشور بنابر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اقلیمی از قریه‌ها و دهات بسوی شهرها مهاجرت می‌کنند که این امر سبب تراکم نفوس در شهرها گردیده است.

اقوام

کشور عزیز ما افغانستان به نام جمهوری اسلامی افغانستان و مردم وطن ماهمه مطابق عننه تاریخی و روی ایجابات وحدت سیاسی (افغان) نامیده می‌شوند. اما از لحاظ ساختمن جغرافیای بشری، افغانستان از ملت‌های مختلف چون ملیت پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوج، نورستانی و غیره تشکیل یافته است.

پشتونها و تاجک‌ها از نژاد آریایی و مردم اصلی این سرزمین می‌باشند. پشتونها و تاجک‌ها

در تمام نواحی کشور زنده گی میکنند.

هزاره‌ها، ازبکها و ترکمن‌ها از جمله قبایل دیگر مردم افغانستان‌اند. نورستانی‌ها و پشه‌بی‌ها نیز از جمله اقوامی‌اند که از خود لهجه و زبان خاصی دارند و در ولایات شرقی زنده گی دارند. بلوچها به زبان بلوچی صحبت میکنند و در جنوب غرب افغانستان زنده گی می‌کنند.

زبانها

در افغانستان بیش از سی زبان و لهجه وجود دارد. که بعضی از آنها عبارت اند از: پشتو، دری، بلوچی، ازبیکی، ترکمنی، پراچی، منجی، واخی، زیباکی، اشکاشمی، پشه بی، نورستانی، تیرایی، جتی، سندی، پنجابی وغیره که از میان آنها دو زبان پشتو و دری که اکثریت مردم کشور ما با آنها آشناشی دارند، زبانهای رسمی وطن ما می‌باشد.

دین:

مردم وطن ما پیرو دین مقدس اسلام هستند. اکثریت مردم ما پیرو مذهب حنفی‌اند. عده‌یی پیروان مذاهب جعفری و اسماعیلیه و یک تعداد محدود اهل هند هم در افغانستان زنده گی میکنند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند. هر گروپ درمورد یکی از موضوعات جغرافیای بشری چون: نفوس، اقوام، زبان‌ها و دین مردم افغانستان باهم بحث و مذاکره نموده، یک نفر از هر گروپ موضوع را در پیش روی صنف تشریح نماید.

سوالات:

۱- چرا مردم افغانستان به نام افغان یاد می‌شوند؟

۲- به چه تعداد زبان‌ها در افغانستان موجود است؟ چند زبان آن را نام بگیرید.

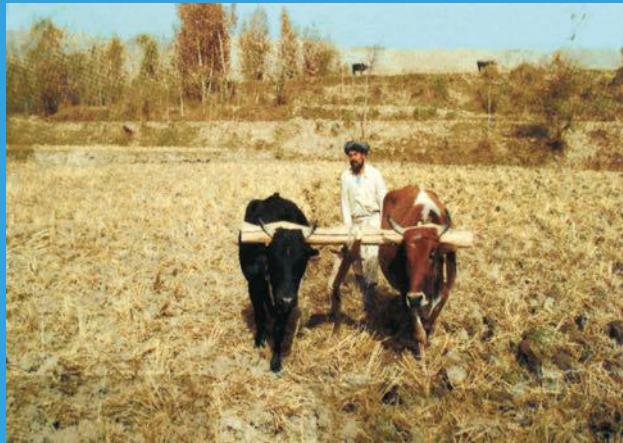
۳- زبان‌های رسمی افغانستان را نام بگیرید؟

۴- پیروان کدام ادیان در افغانستان زیست دارند؟

فعالیت خارج صنف:

در ولایت و محل زنده گی شما مهاجرت از روستا به شهر زیاد است یا بالعکس آن، در چند سطر بنویسید و به صنف ارائه دهید.

جغرافیای اقتصادی افغانستان



نقشه زراعتی افغانستان

رشد و نموی نباتات به هوا، آب، خاک، آفتاب و مواد غذایی خوب و مختلف ضرورت دارد. خاک زمین تکیه گاه نباتات، در خود مواد مختلفه غذایی را دارد. افغانستان کشوری است که در حدود ۸۵٪ مردم آن از محصولات زراعتی امرار حیات می‌کنند. شیوه زراعت در کشور ما از دوران آریایی‌ها تا حال بشكل عنعنه بی‌قبله کردن زمین توسط حیوانات و کار پرزمخت دهقانی توسط دست صورت می‌گیرد. در بعضی ولايات ندرتاً از ماشین و آلات عصری نیز استفاده می‌شود. حاصلات زراعتی در کشور ما شامل جبویات، گندم، جو، جواری، برنج، ارزن، لویا، نخود، ماش، مشنگ، باقلی وغیره می‌باشد.

گندم:

زرع گندم به شکل آبی و للمی در فصل خزان و بهار در زمینهای زراعتی کشور ما صورت می‌گیرد. گندم خزانی در مناطق گرم سیر در ارتفاع ۲۵۰۰ متر و گندم بهاری بشکل آبی و خشکه‌الی ارتفاع ۳۳۰۰ متر زرع می‌گردد. در مناطق سرد سیر در یک سال یک فصل یا دو فصل حاصل می‌دهد و در بعضی مناطق گرم سیر مثل ننگرهار در یک سال از یک زمین زراعتی سه فصل حاصل گرفته می‌شود.

گندم للمی در برج حوت و حمل در دامنه‌های تپه‌ها، و زمینهای هموار کشت می‌شود که از آب باران‌های بهاری سیر آب می‌گردد.

در افغانستان باداشتن ۶۶ میلیون هکتار زمین فقط تا حال ۳,۳۷ میلیون هکتار زمین برای کشت گندم اختصاص داده شده است.

تولید مجموعی غله در سال ۱۳۸۶ هـ ش ۵,۶ میلیون تن حساب شده و غرض خوراکه مردم ما به تورید ۵۲۷ هزار تن گندم دیگر ضرورت بود. با استفاده از ماشین آلات زراعتی محصولات گندم در هر هکتار زمین ۲,۶ تن بوده و تولید گندم در سطح کشور ما در سال ۱۳۸۶ هـ ش به ۴,۵ میلیون تن افزایش یافته است.

برنج

زرع برنج باریک و لک که در جمله مواد غذایی مردم ما بعد از گندم می‌باشد در ساحه ۲۱۴ هزار هکتار زمین صورت می‌گیرد. زرع نبات برنج در مناطقی که اقلیم گرم و مرطوب و دارای آب فروان باشد، خوب حاصل می‌دهد. برنج باریک با پره بغلان، برنج پشد کنر، برنج باریک لغمان، و برنج باریک خان آباد، کنذ و مزار شریف شهرت دارد.

جواری:

جواری از جمله مواد خوب غذایی مردم وطن ماست که زرع آن الی ارتفاع ۲۶۰۰ متر و ساحه کشت آن ۵۰۰ هزار هکتار زمین را در بر می‌گیرد که زیادتر در ولایات پکتیاو ننگرهار کشت می‌گردد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. هر گروپ در مورد یکی از فعالیت‌های زیر باهم بحث و گفتگو کنند و یک نفر به نماینده گی از گروپ خود نتیجه مذاکرات خود را در پیش روی صنف شرح دهد:

- راجع به کشت گندم معلومات دهید.
- راجع به کشت برنج معلومات دهید.

سؤالهای:

- ۱- مهمترین محصولات زراعتی کشور را نام گیرید.
- ۲- در مورد گندم آبی و اوقات کشت آن معلومات دهید.
- ۳- در مورد کشت گندم للهی معلومات دهید.
- ۴- در مورد کشت برنج و انواع آن چه میدانید؟

فعالیت خارج صنف:

در منطقه شما کدام محصولات زراعتی کشت می‌شود، معلومات خود را به همصنفان خود ارائه دهید.

نباتات صنعتی و طبی



مزرعه نیشکر



مزرعه زعفران

الف: نباتات صنعتی:

با توجه به موقعیت جغرافیایی و اوصاف طبیعی افغانستان، نباتات صنعتی و طبی فراوانی در این کشور می‌روید. نباتات صنعتی در کشور ما عبارت اند از پنبه، لبلو و نیشکر.

۱- پنبه: نبات پنبه شامل تریشه بنام لیفه و پنبه دانه می‌باشد که در فابریکات نساجی از هم جدا ساخته شده از لیفه آن، محلوج جدا شده و در فابریکات نساجی از آن اقسام تکه‌های نخی، شترنجی، جوال و ریسمان می‌سازند.

از پنبه دانه آن روغن نباتی، صابون کالا شویی و از تفاله آن کنچاره حیواناتی تهیه می‌گردد. قبل از جنگهای داخلی در کشور ما فابریکات نساجی بگرامی، گلبهار، پلخمری، کندز، مزارشیف، بلخ، هرات، هلمند، قندهار و ننگرهار فعالیت و تولیدات داشتند.

نبات پنبه در برج ثور کشت و در اوخر خزان به درجه‌های اول، دوم، سوم و چهارم حاصل آن توسط دست چیده می‌شود. نبات پنبه در بهار با باران زیاد و تابستان گرم حاصل خوب می‌دهد. ولایاتی که نبات پنبه در ان کشت می‌گردد عبارت اند از: بغلان، کندز، تخار و بدخشنان که نود فیصد پنبه کشور را تهیه می‌کند. نبات پنبه در ولایات سمنگان، بلخ، هرات، هلمند، ننگرهار، لغمان، پروان و کاپیسا نیز زرع می‌شود. یک قسمت پنبه محلوج در بازارهای داخلی کشور غرض پر کردن لحاف، دوشک و بالشت بفروش می‌رسد.

۲- لبلبو:

لبلبو در زمین‌های که دارای مواد آهکی و بدون سنگ باشد، برای کشت مناسب است. ساحة وسیع کشت آن در ولایات بغلان و کندز می‌باشد. در فابریکه قند بغلان از لبلبو بوره و از تفاله آن کنچاره حیوانی تهیه می‌کنند.

۳- نیشکر:

نبات نیشکر در هوای گرم و مرطوب که دارای آب فروان باشد، می‌روید این نبات بیشتر در ولایات ننگرهار، لغمان، و کنتر زرع می‌شود که از آن گر تولید می‌گردد و تفاله آن خوراکه حیوانات است. در این اواخر قلمه آن از هند وارد و در ولایات کنده‌هار و هلمند نیز زرع می‌شود.

شماره	نام نبات	ساحة کشت به جریب
۱	پنبه	۲۷۲۸۷۰
۲	لبلبو	۲۲۵۹۰
۳	نیشکر	۱۱۸۴۰

ب- نباتات طبی:

در جمله نباتات طبی زعفران و جوانی و بادیان در فصل‌های زراعتی کشت و متباقی نباتات مثل شیرین بويه، هنگ، کاسنی، پنیرک، مستار، اسپند، ختمی، خاکشیر، شیر خشت، گربه خورک، ملنگان، اسفرزه، پیاز و سیر کوهی تماماً به شکل خود رو در دامنه‌های کوهها، تپه‌ها، دشت‌ها و کنار جویبارها و در مزارع زراعتی سرسبز می‌شوند و بحیث ادویه شفا بخش به نام ادویه یونانی در بازارهای داخلی به فروش می‌رسند.

زعفران، شیرین بويه، هنگ و بعضی دیگر نباتات طبی قلم مهم صادراتی کشور مارا تشکیل می‌دهند.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول در مورد پنبه و طرق استفاده از آن، گروپ دوم در باره لبلبو و نیشکر و استفاده از آن و گروپ سوم درمورد نباتات طبی و استفاده از آن بحث نموده یک نفر به نماینده گی از گروپ خویش نتایج موردن بحث خود را در بیش روی صنف برای همصنفان خود بیان کند.

سؤالات:

- ۱- ولایاتی که پنبه در آن کشت می‌شود، نام گیرید؟
- ۲- از لبلبو چی استفاده می‌شود؟
- ۳- نیشکر در چه نوع آب و هوا خوب رشد می‌کند؟
- ۴- نباتات طبی را نام ببرید.

فعالیت خارج صنف:

در منطقه شما چه نوع نباتات صنعتی و طبی رشد می‌کند در کتابچه‌های تان بنویسید و فردا آن را با همصنفان خود شریک سازید.

از مالداری، علفچرها و جنگل‌های افغانستان چه میدانید؟



الف- مالداری:

نگهداری حیوانات یکی از منابع مهم ثروت کشور ما است که به دو نوع تقسیم می‌شوند.
۱- حیوانات اهلی: گوسفند، بز، گاو شیری و قله‌بی، مرکب، اشت و مرغهای خانه‌گی می‌باشند.
گوسفند: گوسفند هزاره گی، ترکی و قندهاری به رمه‌های خورد و بزرگ نزد زمیندارها و کوچی‌ها که توسط چوپان‌ها چرانیده می‌شوند، نهگداری می‌شود. از گوشت، پوست، پشم و رواده آن استفاده می‌گردد. پشم، پوست و رواده آن به خارج صادر می‌شود که روده گوسفند ترکی خریدار زیاد دارد.

گوسفندهای قره قل که زیادتر نزد مالداران صفحات شمال کشور مثل سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب، کندز و هرات نگهداری می‌شود. از پوست گوسفند پوستین و پوستینچه ساخته می‌شود که به ممالک سرد سیر مثل کانادا، روسیه، ایالات متحده امریکا زیادتر به فروش می‌رسد. از پوست برۀ قره قل به نام پوست سور، کبود چه، سیاه تقر به ممالک اروپای غربی ایالات متحده امریکا، هند و کانادا صادر می‌شود.

گاو شیری: از شیر آن لبیات به دست می‌آید و زیادتر نزد زمین داران و دهاقین در دهات نگهداری می‌شود.

اسپ: اسپ قطفنی، مزاري، ترکمنی و هراتی مشهور است و برای سواری، بزکشی، نیزه بازی، باربری، دهقانی و در کراچی و گادی از آنها استفاده می‌گردد.

اشترو: زیادتر نزد کوچی‌ها نگهداری می‌شود و در موقع کوچ کشی به سرزمین‌های سرسبز و علفچر آنرا بار بندی می‌کنند و می‌گویند اشت حیوان و فادر است که خار می‌خورد و بار می‌برد.

مرکب (خر): مرکب (خر) که برای بار کشی بکار می‌رود، زیادتر نزد دهاقین و خر کاران نگهداری می‌شوند. مرکب صفحات شمال قوی و جسامت بزرگ دارد.

حیوانات وحشی: در کشور ما ۱۲۰ نوع حیوانات پستاندار وجود دارد که از جمله پلنگ برفی، پلنگ تازی، شیر، گرگ، رویاه، شغال، خرگوش، وغیره بوده و در حدود ۵۰۰ نوع پرنده گان مختلف و از آن جمله کلنگ، قاز، شاهین، مرغ آبی، کبک، مرغ دشتی و اقسام

گنجشکان پیدا می شود. علفچرهای:

چراگاههای افغانستان در حدود ۳,۲ میلیون هکتار زمین را در بر می گیرد.

چمن زارهای مناطق گرم سیر در صفحات شمال، جنوب و شرق کشور، چراگاههای دائمی حیوانات را تشکیل می دهد. در ساحة جنگلات، درههای، دامنه های سلسله کوه هندوکش و کوه های دیگر افغانستان واقع در شمال، ولایات مرکزی، شرقی و جنوبی دشت ناهور غزنی وطن ما در هوایی معتدل بهار و هوای گرم تابستان چراگاههای خوبی برای مالداران و کوچی های مالدار می باشد. این ثروت خدا داد از ارزش مهم حیاتی برخوردار است.

ج- جنگل ها:

در افغانستان حدود دو میلیون هکتار زمین را ساحه جنگلات در بر می گیرد. مناطق جنگلزار در کشور ما در ولایات نورستان، کنر، ننگرهار، لغمان، پکتیکا، بدخشان، بغلان، سمنگان، سرپل، بادغیس و هرات می باشد. چوب چار تراش کن و نورستان خردباران در سطح جهانی دارد و قلم مهم صادراتی کشور ما را تشکیل می دهد.

توجه جدی دولت در ممانعت از قطع درختان در این اواخر صورت گرفته و غرس اقسام نهالها در این نقاط لازم می باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند. هر گروپ بالای یکی از موضوعات (گاو، گوسفند، حیوانات وحشی، علفچرهای جنگلات طبیعی) بحث نمایند.

سؤالهای:

شاگردان عزیز در جدول زیر به دقت متوجه شده، اعداد پهلوی کلمات و اصطلاحات را به الفبا مربوط توضیحات آن در کتابچه های خود بر سانید مثلاً عدد ۴ به حرف الف ارتباط دارد.

پوست آن قلم مهم صادراتی کشور ماست.	الف	اشتر	۱
برای پیدا کردن چراگاهها از یک جا به جای دیگر کوچ می کنند.	ب	گاو شیری	۲
از آن در سواری، بارکشی، بز کشی، نیزه بازی استفاده می شود.	ج	کوچی ها	۳
حیوان وفادار است که خار می خورد و بار می برد.	د	گوسفند قره قل	۴
مناطق سرسبز و علف دار است که رمه های گوسفند، بز، اسب، گاو و خر در آن می چرند.	ه	اسپ	۵
از آن لبیات به دست می آید.	و	جنگلات	۶
از جمله میوه های صادراتی کشور ماست.	ز	پسته و بادام	۷
ثروت طبیعی و دارایی ملی ماست.	ح	چراگاه	۸

فعالیت خارج صنف:

حیوانات وحشی را نام گرفته و هم مطلبی در کتابچه های تان بنویسید که در برابر آن ها چی باید کرد؟

مواد محروم‌قاتی در افغانستان



معدن زغال سنگ

زغال سنگ: زغال سنگ منشأ نباتی داشته، از جمله احجار رسوبی بحیث مواد سوخت حساب می‌شود. بعد از اختراع ماشین بخار توسط جیمز وات (انگلیسی) در ۱۷۵۰ م مورد توجه جدی و استفاده قرار گرفت.

معدن زغال سنگ کشور ما هم‌مان با تشکیل کوه هندوکش، درختان، بت‌ها، علوفه جنگلات در لابلای احجار قرار گرفته و به اثر فشار و حرارت زیاد در نبودن هوا در زمان طولانی به کتله‌های زغال سنگ مبدل شده که اکنون در دره صوف سمنگان، کرکر پلخمری، آشپیشه دره سیغان، کرخ هرات و بنگی خان آباد کندز ذخایر بزرگ آن بدست آمده است. قبل از جنگ‌های داخلی در کشور ما از معدن زغال سنگ در فعال ساختن فابریکات، گرم کردن منازل در فصل زمستان، پخت و پز مواد غذایی مؤسسات عسکری و لیلیه‌های ملکی به کار برده می‌شد.

معدن زغال سنگ دره صوف از دوره امیر عبدالرحمن خان به شکل ابتدایی مورد استفاده قرار گرفته و در حدود ۷۶ میلیون تن ذخیره آن ثبت شده است.

ذخیره معدن زغال سنگ کرکر پلخمری که جنس خوب کوک دارد در حدود چهار میلیون

تن است. ذخیره زغال سنگ کرخ هرات واقع زیر کوتل سبز ک، که توسط شرکت خصوصی مورد استخراج قرار گرفته در حدود ۱۴۰۰ تن تخمین گردیده است. و ذخیره زغال سنگ بنگی خان آباد هنوز دست ناخورده باقی مانده است.

نفت: منشأ حیوانی داشته، از گندیده شدن و پوسیدن اجساد حیوانات بحری در نبود هوای تحت فشار زیاد در زمان‌های طولانی در بین طبقات رسوبی زمین بوجود می‌آید. از تصفیه نفت، تیل طیاره، تیل دیزل برای سوخت ماشین‌های دیزلی، تیل پترول برای سوخت ماشین‌های سوخت پترولی، تیل خاک، تیل سیاه و دیگر مشتقات آن مثل مبلایل، گریس، وایکم، قیر، واصلن و غیره به دست می‌آید. تفحصات نفت و گاز طبیعی در افغانستان از سال ۱۳۱۴ هـ ش تا ۱۳۴۳ هـ صورت گرفته و نتیجه بر آن شد که از ولسوالی رستاق تخار الی سرحد ایران شرق و غرب و جنوب آمو دریا تا دامنه‌های شمالی تیربند ترکستان هندوکش غربی و کوه بابا برای پیدایش نفت مساعد است.

ذخایر نفت در رستاق، تالقان، آبدان میرعلم، شبرغان، میمنه، هرات و هلمند ثبت گردیده است.

گاز طبیعی: در شبرغان در مناطق خواجه گوگردک (یتیم تاق) خواجه برهان و جرقودق موجود است که از وقت استخراج آن توسط روس‌ها یک مقدار آن توسط پایپلین به شوروی سابق صادر گردیده است..

از سوخت گاز طبیعی در گرم کردن منازل در زمستان، پخت و پز مواد غذایی و روشن کردن چراغ‌های گازی به کار بده می‌شود

فعالیت داخل صنف:

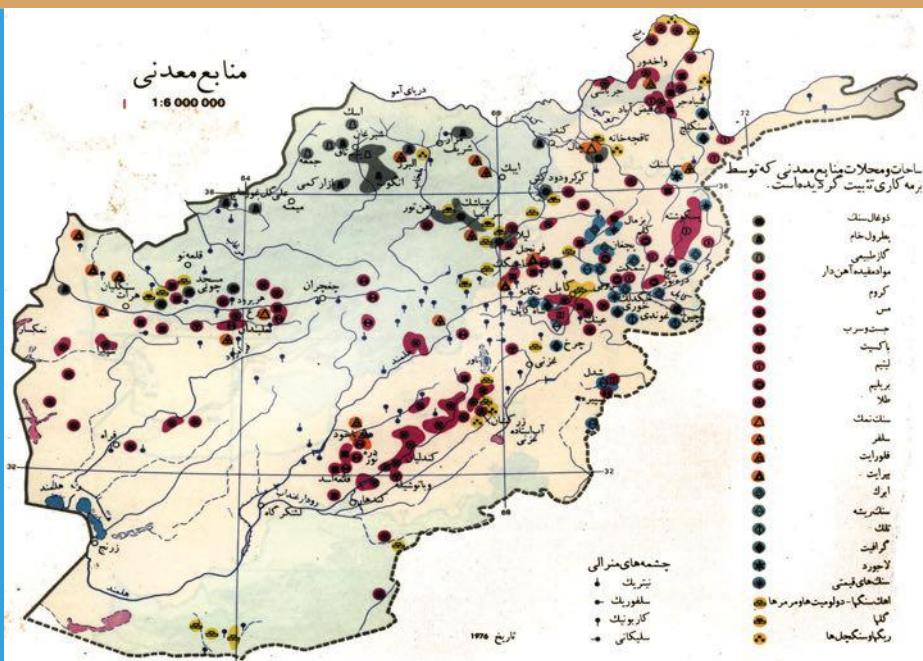
اعضای محترم هر گروپ به سوال مربوط خویش مختصر و با مهفوم جواب بنویسند.

- ۱- صورت تشکیل زغال سنگ در کشور ما و صورت استفاده آن را بنویسید.
- ۲- نفت چطور تشکیل می‌شود و بعد از تصفیه به کدام اجزا تبدیل می‌شود؟
- ۳- معادن نفت گاز طبیعی در کدام مناطق کشور ما پیدا می‌شود؟
- ۴- از گاز طبیعی چه استفاده می‌شود؟

فعالیت خارج صنف:

- ۱- اگر تیل طیاره، پترول، دیزل و گاز طبیعی به کشور ما وارد نه گردد، چه مشکلات را باز خواهد آورد؟

معدن افغانستان



نقشه معدن افغانستان

افغانستان دارای معدن مختلف نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، آهن، مس، طلا، نقره، سرب، جست، نمک، سلفر، سنگ‌های قیمتی و سنگ مرمر می‌باشد.

آهن: آهن به رنگ‌های نصواری، سرخ، قهوه‌ی و سیاه، زرد لیمویی در قشر زمین فراوان پیدا می‌شود. معادن آهن در کوتل حاجی گک بامیان، همچنان در ولایات ارزگان، خاکریز قندھار، فیض آباد فاریاب، پکتیا، هرات و جبل السراج پروان موجود است.

آهنگران کشور ما در صنایع دستی از آهن آلات و ابزار دهقانی، نجاری و کار آمد خانه‌ها را می‌سازند.

مس: در زمان قدیم جای اسلحه و افزار سنگی و چوبی را فلز نرم سرخ رنگ مس گرفت و انسانها یک گام به سوی ترقی گذاشتند. معادن آن در کشور ما در عینک لوگر، کنه خمار میدان، منارچکری کابل، خاکریز قندھار، غوربند، بدخshan و مزار شریف موجود است.

مس‌هادی قوی برق و حرارت است و از سیم‌های آن در لین‌های برق استفاده می‌شود. مسگران وطن ما از مس دست داشته شان دیگ‌های خورد و کلان مسی، چلو صاف، مجتمع، آب گردان، ملاقه، کفگیر و قاشق می‌سازند.

طلا: فلز قیمتی، رنگ و جلای مقبول و قابل توجه دارد و زنگ نمی‌گیرد و بحیث پشتونه

بزرگ پولی بوده و اقسام زیورات آن زینت خانم‌ها را تشکیل می‌دهد. طلا در کشور ما در مناطق زابل، قندهار و در بستر دریای کوکچه پیدا می‌شود.

نقره: نقره مثل طلا زنگ نمی‌گیرد و هادی قوی برق و حرارت بوده، بحیث زیورات استعمال زیاد دارد. معادن آن در مناطق پنجشیر، سیم کوه هرات و بی بی گوهر قندهار وجود دارد.

سنگ‌های قیمتی: لا جورد در کوه‌های بدخشنان از زمان‌های قدیم شناخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. لا جورد کشور ما شهرت جهانی دارد و بدرجات ۱ الی ۵ درجه تقسیم شده و در خارج به فروش می‌رسد. یاقوت، لعل و لا جورد بدخشنان و زمرد پنجشیر زیاد مشهور است.

معدن سرب و جست: معادن آن در هزاره جات، دامنه‌های هندوکش، مزارشیریف، بدخشنان و قندهار یافت می‌شود.

معدن نمک: معادن نمک در مناطق تالقان تخار، اندخوی جوزجان، هرات، مزارشیریف، مقرغزني و نمک سنگی کوهی سبز رنگ در هزاره جات پیدا می‌شود. از معادن نمک تالقان و سنگی هزاره جات در مواد غذایی زیاد استفاده می‌گردد در این اواخر از نمک آبودین دار نیز استفاده می‌شود.

سلفر: معدن سلفر یا گوگرد به ذخیره ۶۰۰۰ تن در مزارشیریف و یک مقدار در اشکاشم بدخشنان تثیت شده است.

فعالیت داخل صنف:

دانش آموزان به چهار گروپ تقسیم شوند، هر گروپ راجع به دو عنوان از معادن افغانستان با هم صحبت کنند و نتایج را در صنف ارایه کنند:

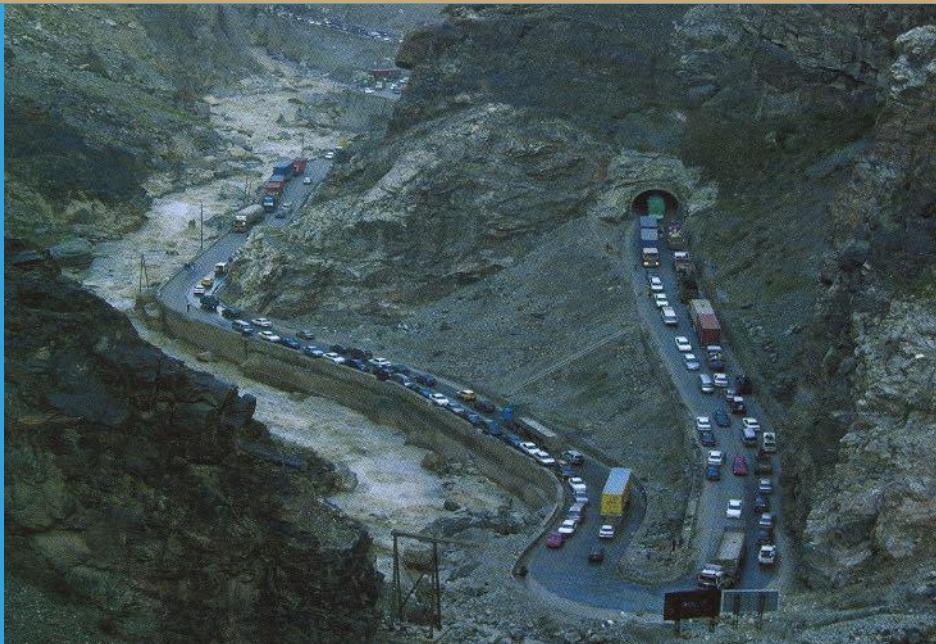
سوالات:

- ۱- معدن مس افغانستان در کدام ولایت موقعیت دارد؟
- ۲- معدن طلا در کدام مناطق دست یاب می‌شود؟
- ۳- اهمیت معدن آهن را بیان کنید.

فعالیت خارج صنف:

هر شاگرد راجع به معدن منطقه خود معلومات تهیه نموده در ساعت درسی آینده جغرافیه در صنف ارایه نماید.

جغرافیای مواصلاتی



راه مواصلاتی خشکه

اهمیت راه‌ها و وسایط حمل و نقل در زنده گی مردم افغانستان

راه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- راه‌های خشکه -۲- راه‌های آبی -۳- راه‌های هوایی.

در افغانستان اقسام موتر در سرک‌های موتر رو و اقسام طیارات در راه‌های هوایی برای حمل و نقل مسافران و کالا در فعالیت اند. قبل از وارد شدن اقسام موتر در افغانستان، تجارت داخلی و خارجی در کشور ما توسط کاروان‌های حیوانی اشترا، اسپ و قاطر صورت می‌گرفت. موتر در دوره امیر حبیب الله خان شهید در وطن وارد شد و بعدها اقسام زیاد موترهای باردار و تیز رفتار در کشور وارد گردید و به ساختن سرک‌های موتر رو اقدامات صورت گرفت. از آن زمان تا به حال ۱۵۰۰۰ کیلومتر سرک‌های موتر رو ساخته شده که اضافه تر از نصف آن سرک قیر و کانکریتی می‌باشد. و متباقی آن سرک‌های خامه اند که مناطق مختلف کشور را با هم ارتباط می‌دهد.

سرک‌های مهمی که کابل را به ولایات و بنادر کشور وصل می‌سازد عبارت اند از:

- سرک کابل، قندهار به طول ۸۴۳ کیلومتر قیر شده.
- سرک قندهار، هرات، تور غندی، به طول ۶۷۹ کیلومتر کانکریتی.
- سرک هرات، اسلام قلعه، به طول ۱۲۴ کیلومتر قیر شده.
- سرک قندهار سپین بولدک، به طول ۱۰۴ کیلومتر قیر شده.
- سرک کابل، تورخم که اکثراً حمل و نقل اموال تجاری توسط موترهای باربری از آن طریق صورت می‌گیرد و به طول ۲۳۱ کیلومتر قیر شده.



۰ سرک کابل شیرخان بندر به طول ۴۰۵ کیلومتر قیر شده.
۰ سرک پلخمری، مزارشیریف، شبرغان به طول ۳۶۰ کیلومتر قیر شده.
۰ سرک کابل گردیز به طول ۱۳۲ کیلومتر قیر شده.
حمل و نقل اموال تجاری در افغانستان از طریق بنادر سرحدی تورخم، سپین بولدک، اسلام قلعه، تورغندي و بنادر آبی کنار دریای آمو تاشکندر، شیرخان بندر، بندر حیرتان، بندر کلفت صورت می‌گرد که باعث انکشاف در زمینه‌های زراعی، صنعتی و اموال تجاری گردیده و ارتباط بین آسیای جنوبی و ممالک آسیای میانه را برقرار می‌سازد.

حمل و نقل هوایی:

مسیر راهیکه طیارات در فضای آسمان از شهری به شهر دیگر می‌یماید، راه خطوط هوایی گفته می‌شود. طیاره، سریع ترین و راحت ترین وسیله مسافرت است که مسافران و اموال تجاری قیمتی و نازک را در وقت کم از یک منطقه به مناطق دور و نزدیک دیگر انتقال می‌دهد.

بعد از کسب استقلال کشور در سال ۱۲۹۸ هـ چند پرونده طیاره از کشورهای آلمان و روسیه خریداری شد و اولین میدان هوایی بنام خواجه روаш در کابل ساخته شد که ۱۸۰۰ متر از سطح بحر بلندتر واقع است.

امروز اقسام طیارات ملکی و نظامی در انتقال مسافرین و اموال تجاری ملکی و نظامی در داخل و خارج از کشور در پرواز و فعالیت قرار دارند.

پروازهای داخلی از کابل به ولایات و مناطقی که میدان هوایی در آن ساخته شده صورت می‌گیرد. پروازهای خارجی از کابل به اسلام آباد، لاہور، پشاور، دہلی جدید، تهران، دوبی، شارجه، الماتا، مسکو، انقره، روم، پاریس، لندن، امستردام، فرانکفورت، و عکس آن از آن مناطق به میدان هوایی بین المللی کابل و قندھار صورت می‌گیرد. فعلاً میدان هوایی هرات حیثیت بین المللی را نیز کسب کرده است.

شرکت‌های هوایی در کشور ما عبارت اند از: آریانا، کام ایر Safi air، Kam air، صافی Way بوینگ و طیارات نظامی می‌باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند هر گروپ راجع به یکی از راههای موصلاتی صحبت کنند.

سؤالهای:

- ۱- قبل از وارد شدن موتور در افغانستان تجارت داخلی و خارجی توسط چه صورت می‌گرفت؟
- ۲- منظور از خطوط هوایی چیست؟
- ۳- راجع به مهم ترین شرکت‌های هوایی افغانستان معلومات دهید.

فعالیت خارج صنف:

- هدف از این درس چه بود، چطور به زنده گی مردم ما ارتباط می‌گیرد؟

صنایع و تجارت در افغانستان



قالین

با صنایع در کشور خود آشنا شوید؟

صنایع دستی: از زمان قدیم که نیاکان ما آریائی‌ها از حالت کوچی گری به زراعت مشغول و مقیم شدند. برای رفع ضروریات شان به صنایع دستی رجوع کردند. این شغل یک مصروفیت خوب و وسیله عاید پولی برای رفع مشکلات مردم می‌باشد. ۶۰۰۰ سال قبل دهاقین بلخ گندم و جو رسیده را با داسی که از سنگ چقماق ساخته شده بود، درو می‌کردند. تا آخر قرن ۱۹ در حدود ۹۸٪ نفوس کشور ما به حیات روستایی اشتغال داشتند و از صنایع دستی کسبه کاران استفاده می‌کردند. ایشان فن پخت و پز، رسیدن و بافت را آموختند. از منابع حیوانی پشم، پت، پوست، ابریشم و از منابع نباتی پنبه و سند و از منابع معدنی آهن، مس، طلا و نقره در صنایع دستی کار می‌گرفتند.

قالین :

صنعت قالین بافی از زمانهای قدیم تا به حال در بین مردم صفحات شمال کشور ما رواج دارد. مردم دولت آباد فاریاب، اندخوی، آقچه و دولت آباد بلخ در بافت و ساختن قالین جنس عالی به رنگ و دیزاین‌های مقبول و دلچسپ شهرت دارند و در قرقین، کندز و هرات نیز بافت قالین رواج دارد. قالینی بنام مروی، دولت آباد فاریاب، اندخوی و آقچه خریداران داخلی و خارجی دارد..

- **صنایع دستی فلزی:** آهنگران کشور ما از آهن دست داشته شان افزار و لوازم دهقانی،

نjarی، و ضروریات خانه‌ها را مرفوع می‌سازند. بیل آهنگران ده دانای کابل، چاقو و کارد آهنگران چاریکار و تاشقرغان شهرت دارد.
فلز کاران وطن ما در ترمیم موتور، ساختن دروازه، کتاره، زینه آهنی و سیم کاری برای ساختمان تعمیرات مصروف اند.

- صنایع ماشینی در افغانستان

افغانستان از جمله کشورهای رو به انکشاف است که اقتصاد صنعتی آن زیر تأثیر تولیدات صنعتی ممالک بزرگ قرار دارد. صنایع ماشینی بار اول در دوره امیر شیرعلی خان بنیان گذاری شد و در دوره امیر عبدالرحمن خان دو فابریکه صنعتی بنام ماشین خانه و فابریکه پشمینه بافی تأسیس شد که فعالیت‌های تولیدی آن ضروریات عسکری را مرفوع می‌ساخت. بعدها چند فابریکه کوچک گوگرد سازی، چرم گری، بوت دوزی، حجاری و نجاری، جنگلک، دستگاه برق آبی پلخمری، چک وردک، ماهی پر، نعلو، سروبوی، درونته، گرشک و کجکی، فابریکه قند غلامان، نساجی کندز، روغن سپین زر و صابون کالا شویی فعالیت داشت.

تجارت افغانستان

بعد از کسب استقلال در ۱۲۹۸ هـ.ش، توجه به انکشاف تجارت کشور ما صورت گرفت. نماینده گان افغانی به مسکو، لندن، برلین، انقره و تهران فرستاده شدند تا سهولت در تجارت به میان آید و پیداوار افغانستان به پیمانه زیادتر صادر گردد. صادرات کشور ما به درجه اول شامل محصولات حیوانی پشم، پوست، روده، پوست قره قل، قالین، گلیم و به درجه دوم محصولات نباتی شامل میوه تازه و خشک، سنگ‌های قیمتی، نباتات طبی به ممالک مختلف آسیا، اروپا و بعضی ممالک امریکایی و افریقایی می‌باشد که روابط دوستانه تجارتی با آنها برقرار گردید.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به گروپ‌های مختلف تقسیم شوند. هر گروپ، راجع به یکی از انواع صنایع دستی یا ماشینی با هم صحبت کرده، نتیجه را به هم صنفان خود ارایه نمایند.

سؤالهای:

- ۱- صنعت قالین بافی در کدام مناطق کشور بیشتر رواج دارد.
- ۲- از مهم ترین صنایع ماشینی افغانستان نام ببرید.
- ۳- مهم ترین محصولات صادراتی افغانستان را نام بگیرید.

فعالیت خارج صنف:

در ولایت شما کدام صنایع دستی و یا ماشینی رواج دارد معلومات خود را تهیه و در ساعت درسی آینده جغرافیه در صنف بیان دارید.

موقعیت حدود اربعه و وضع طبیعی برابع اعظم آسیا



نقشه برابع اعظم آسیا با حدود آن

آسیا بزرگترین برابع اعظم‌ها است که در بین طول البدهای ۲۵ درجه شرقی و ۱۷۰ درجه طول البند غربی، ۱۰ درجه عرض البند جنوبی و ۸۵ درجه عرض البند شمالی واقع است. مساحت آن ۴۴,۲ میلیون کیلومتر مربع است. به طرف شمال برابع اعظم آسیا، بحر منجمد شمالی، به طرف جنوب آن بحر هند، و به طرف شرق آن بحر الکاھل واقع اند. به طرف غرب سرحد طبیعی بین قاره آسیا و اروپا را کوههای یورال، دریای یورال، بحیره کاسپین، بحیره سیاه، آبنای باسفورس، بحیره مارمدورا و آبنای دردانیل تشکیل میدهد. به سمت جنوب غرب بحیره سرخ و کanal سویز آسیا را از افریقا جدا می‌سازد و بطرف شمال شرق آبنای بیرنگ آسیا را از برابع اعظم امریکا جدا می‌سازد.

جغرافیای طبیعی

قاره آسیا دارای بلند ترین کوهها، سطوح مرتفع و وسیع ترین دشتها می‌باشد. بلند ترین سلسله کوههای آسیا عبارت از کوه همالیا در شمال هند می‌باشد که از شرق به غرب افتاده است. بلند ترین قله آن بنام ایورست یاد شده که ۸۸۴۸ متر از سطح بحر بلندی دارد، کوههای هندوکش در افغانستان کوههای البرز و زاگرس در ایران کوههای قفقاز، کوههای پونتیک و آناتولی در ترکیه می‌باشد. هم چنان به طرف شرق، کوههای بلند تیانشان و آلتایی در شمال چین است. سطوح مرتفع مغولستان، تبت، گویی و پامیر که در مرکز برابع اعظم آسیا موقعیت

داشته بزرگترین سطوح مرتفع آسیا را تشکیل میدهند. هم چنین برعظم آسیا دشت‌های وسیعی دارد، که عبارت اند از: دشت‌های مغولستان، دشت‌های کویر و لوت در ایران، دشت‌های سوریه، عراق و رباع الخالی در عربستان.
دریاهای:

- دریاهای مهم آسیا از ارتفاعات مرکزی آن منبع می‌گیرد:
- ۱- دریاهایی که از کوه‌های جنوب سایبریا سرچشم گرفته به طرف شمال جریان دارند و به بحر منجمد شمالی می‌رسند، عبارت اند از: دریاهای اوب (ob) ینسی و لینا. آب این دریاهای بعضی اوقات در نزدیکی های بحر منجمد شمالی یخ بسته می‌باشد.
 - ۲- دریاهایی که در شرق آسیا جریان دارند و به بحیره‌های بحر الکاہل می‌رسند، به ترتیب از شمال به جنوب عبارت اند از: دریای آمور که از کوه‌های شمال مغولستان سرچشم گرفته به بحیره آخوتسک می‌رسد. دریای هوانگکهو که از کوه‌های چین مرکزی سرچشم گرفته و در خلیج چیهلی که در غرب خلیج کوریا واقع است، می‌رسد. دریای میکانگ از کوه‌های چین جنوبی سرچشم گرفته و در جنوب کمبودیا به بحیره چین جنوبی می‌رسد.
 - ۳- دریاهایی که به بحیره‌های بحر هند و بحیره عرب و خلیج فارس می‌رسند، از شرق به غرب عبارت اند از: ایراوادی در قسمت میانمار به خلیج مارتaban می‌رسد. دریای گنگا در قسمت بنگاله دیش به خلیج بنگال می‌رسد. دریای سند که در نزدیکی کراچی به بحیره عمان می‌رسد. دریای کارون و دریاهای دجله و فرات که شط العرب را تشکیل داده و بعداً به خلیج فارس می‌رسند.
 - ۴- دریاهایی که در جهیل‌های داخلی آسیا می‌رسند، عبارت اند از: آمو (جیحون) و سیر دریا (سیحون) که به جهیل ارال می‌رسند. دریای اورال که در سرحد بین آسیا و اروپا قرار دارد، به بحیره کسپین می‌رسد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند و گروپ اول راجع به کوهها و گروپ دوم راجع به دریاهای آسیا معلومات خود را ارایه نمایند.

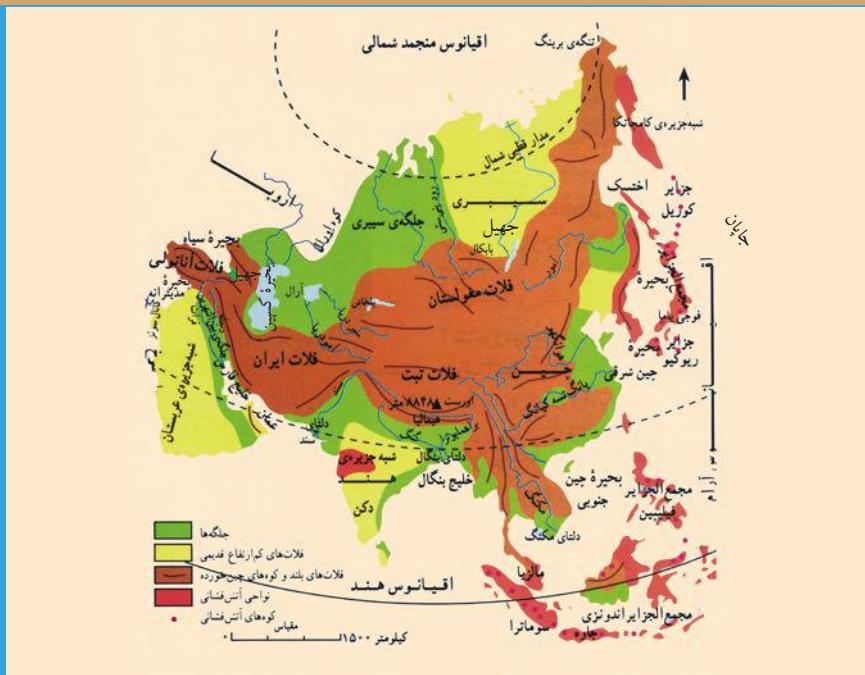
سؤالهای:

- ۱- سلسله کوه‌های هندوکش در کدام کشور واقع است؟
- ۲- کوه‌های همالیا در کدام قسمت آسیا موقعیت دارد؟
- ۳- دریاهای را که به بحر الکاہل می‌رسند، نام بگیرید.

فعالیت خارج صنف:

شاگردان در روی نقشه سطح مرتفع پامیر را نشانی کرده و از چند سلسله کوه آسیا نام بگیرند

جهیل‌ها، بحیره‌ها و خلیج‌های براعظم آسیا



جهیل‌های مهم آسیا د روسییریا، چین، قزاقستان، آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا موقعیت دارند، که از مهمترین آنها نام میگیریم:

- در سایبریا: جهیل بایکال در امتداد دریای انگارا از شمال شرق به استقامت جنوب غرب امتداد دارد و دارای آب منرالی است، طول اعظمی آن تقریباً هفتصد کیلو متر و عرض آن ۱۳۰ کیلو متر می باشد.

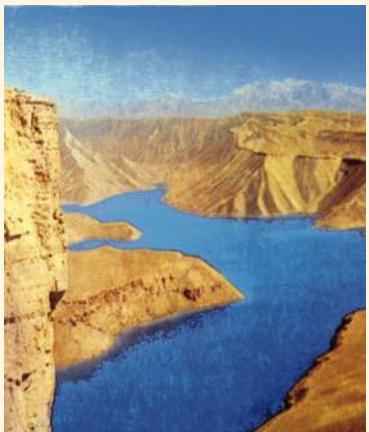
جهیل خانکا در شرق منچوریا، در قزاقستان جهیل بالخاش و جهیل ارال معروف است. در قرغستان جهیل بسیک کول شهرت زیاد دارد.

در افغانستان جهیل چقمقین، جهیل شیوا، جهیل های بند امیر، آب استاده غزنی و جهیل ها مون سیستان خیلی معروف اند.

- در جنوب ایران جهیل ارومیه شهرت تورستیک دارد.

- در ترکیه جهیل (وان) در شرق و جهیل های دیگر در غرب آن موقعیت دارند. سواحل آسیا بریده گی ها و انحنای های زیاد دارد. از این سبب تعداد زیاد خلیج ها در اطراف سواحل آسیا دیده می شوند که بعضی از آنها برای کشتی رانی زمینه مساعد را تشکیل میدهند.

بحیره‌ها و جهیل‌های آسیا



خليج‌های سواحل شمالی آسیا: معروف‌تر آن خليج او ب بوده اما خليج‌های خورد دیگر نیز وجود دارد.
خليج‌های سواحل شرقی آسیا: خليج کوریا معروف است.
- خليج‌های سواحل جنوبی آسیا: خليج سیام، خليج بنگال، خليج تایلند، خليج فارس، خليج عدن و غيره.
در سواحل غربی آسیا، خليج کوچکی بنام خليج عقبه وجود دارد. بحیره‌های خورد و بزرگی در آسیا دیده می‌شوند. بعضی در داخل قطعه آسیا و یک تعداد آن در اطراف سواحل آسیا موقعیت دارند.
بحیره کسپین در داخل آسیا از بزرگترین بحیره‌های داخل قطعه آسیا می‌باشد.

بحیره‌های شرق آسیا: بحیره بیرنگ، بحیره اخوتسک، بحیره جاپان، بحیره زرد و بحیره چین شرقی.
بحیره‌های جنوب آسیا: بحیره چین جنوبی، بحیره جاوا، بحیره اندامان، بحیره عرب و بحیره عمان که اهمیت تجاری زیاد دارند.
در غرب آسیا: بحیره احمر بیشتر قابل اهمیت است.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند، گروپ اول نقشه جهیل‌های آسیا، گروپ دوم نقشه خليج‌های آسیا و گروپ سوم نقشه بحیره‌های آسیا را ترسیم کنند و در پیش روی صنف آنرا نشان دهند.

سوالات:

- ۱- از سه بحیره شرق آسیا نام بگیرید.
۲- - ۳-

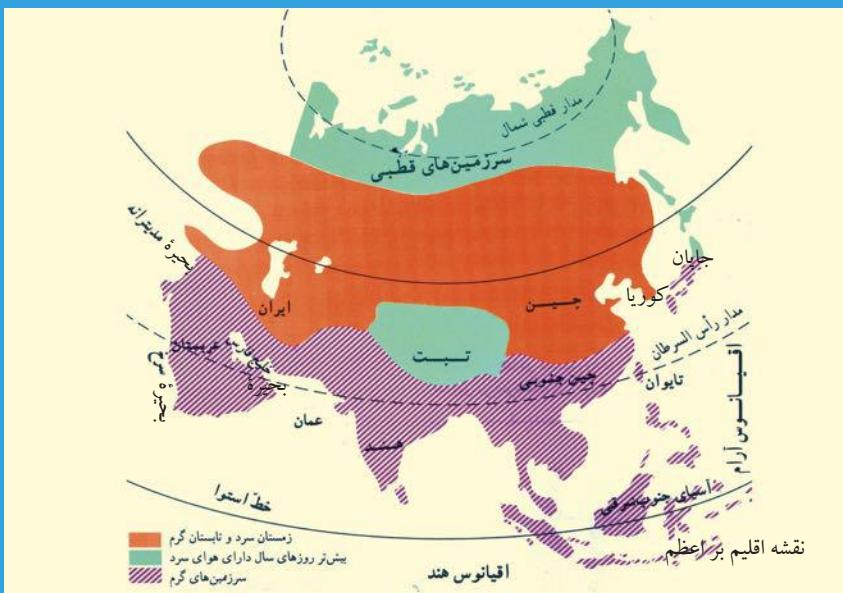
۲- بحیره جاپان کدام کشورها را جدا می‌کند?
۱- ترکیه و سوریه ۲- جاپان و کوریا

۳- بحیره کسپین در کدام حصه آسیا موقعیت دارد?
- شرق جنوب شمال غرب

۴- چرا در کنار سواحل آسیا جهیل‌های زیاد وجود دارد؟

فعالیت خارج صنف:

هر شاگرد نقشه آسیا را ترسیم و در آن نام بحیره‌ها و خليج‌های مهم را بنویسند.



أنواع مختلف اقليمي آسيا از اين قرار است:

- ١- اقليم ساحه قطبي و يخچالي که در امتداد سواحل شمالی براعظم آسیا از عرض البلدات ٦٦ $\frac{1}{2}$ درجه شمالی الى ٨٥ و نود درجه قطب انکشاف يافته که اين ساحه اقليمي را به نام منطقه تند را ياد ميکنند. بتنهای پست قامت در اينجا زياد بوده، خاک حاصل خيز ندارد و توام با يخ و برف میباشد. حرارت آن بسيار کم است که تقریباً به ٤٠ درجه سانتي گرید (پايان می آيد).
- ٢- اقليم تحت قطبي: اين منطقه اقليمي از شرق به غرب ساحه وسیع سایبریا را در بر میگيرد، در تمام فصل های سال بارندگی دارد. زمستان آن بسيار سرد و تابستان کمی سردی دارد يعني بين ١٨ و ١٩ درجه سانتي گرید میباشد. جنگلات سوزنی برگ هميشه سر سبز بوده در اين منطقه اکثريت دارد.
- ٣- اقليم منطقه ستپ آسياي مرکزي که از شمال غرب چين شروع شده مثل يك نوار بزرگ تا تركيه امتداد دارد، کشورهای آسياي مرکزي را به شمال افغانستان و ايران احتواميکند. در منطقه ستپ آسياي مرکزي صحراهای نسبتاً بزرگ در اطراف بين النهرين و منگوليا هم دидеه ميشوند که مقدار بارندگی آن خيلي کم بوده، تقریباً بين ١٥٠ و ٢٠٠ ميلی متر قرار میگيرد. حرارت آن در تابستان تقریباً ٤٠ درجه سانتي گرید و سردی زمستان به ١٠ الى ١٥ درجه سانتي گرید ميرسد. شبيه اين صحراها در ايران، افغانستان، و هند و پاکستان نيز به ملاحظه ميرسد.
- ٤- اقليم کوهستانی و نقاط متفرق: سلسه همالیه، قراقروم، تيان شان، هندوکش، البرز و زاگروس اقليم مناطق متفرق و کوهستانی را تشکيل داده مقدار بارندگی آن در زمستان، بهار و خزان زياد میباشد، بارندگی دائماً به شكل برف و باران میشود، اين سلسه کوهها منبع اصلی آب دریاهای آسيا را نيز تشکيل ميدهند.

۵- اقلیم صحراوی: شبیه جزیره عربستان سعودی که در امتداد صحرای اعظم افریقا واقع شده، درجه حرارت تابستان از ۴۵ درجه سانتی گرید بالای می‌رود و در زمستان به ۲۰ و ۱۵ درجه سانتی پایین می‌آید. در اکثر سالها بارنده گی دیده نمی‌شود. ندرتاً بارنده گی آن به ۵۰ میلی متر میرسد که آنهم سیلانی و تخریبی می‌باشد.

۶- اقلیم معتدل: بارنده گی سالانه آن از ۴۰۰ میلی متر اضافه تر بوده و حرارت وسطی زمستان از ۱۵ درجه سانتی گرید بلند تر و تابستان آن به ۳۰ درجه سانتی گرید میرسد. تمام کشور چین، جنوب همالیه و شمال هند در این جمله شامل است.

۷- اقلیم مدیترانه‌ی بی: یک حصه محدود سواحل ترکیه، حصه شمال شرق عراق، یک ناحیه کوچک ساحل جنوب شرقی بحیره کاسپین و ساحل شرقی مدیترانه در جمله اقلیم مدیترانه شامل است. زمستان آن بارانی و معتدل و تابستان آن نسبتاً خشک و گرم است حرارت آن در همه فصلهای سال از ده درجه سانتی گرید اضافه تر است. نباتات ستروس (نارنج، مالت، لیمو) و مدیترانه‌ی بی در این جا به کثیر می‌روید.

۸- اقلیم سوانحی استوایی: بارنده گی تابستان آن خیلی زیاد بوده از ۸۰۰ میلی متر زیاد تر می‌باشد. حرارت تابستان و زمستان آن آنقدر زیاد اختلاف نداشته بین ۲۰ و ۳۰ درجه سانتی گرید در تحول می‌باشد. جزیره نمای هند و چین حصه زیادتر نیم قاره هند دارای همین نوع اقلیم استوایی سوانحی می‌باشد. بته‌های بلند قامت و اشجار مشمر و غیر مشمر در آن می‌روید.

۹- اقلیم جنگلات بارانی استوایی: جزایر شرق الهند، سواحل غربی هند و چین بشمول جنوب بنگلہ دیش و یک حصه شمال غربی هند در این جمله شامل است. بارنده گی سالانه آن خیلی زیاد است و در هر ماه از ۵۰۰ میلی متر اضافه تر بارنده گی دارد. سنگاپور بهترین مثال این منطقه اقلیمی است. فصل سال درینجا وجود ندارد، حرارت وسطی سالانه آن بین ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گرید است. عمل یخنده و برف باری درینجا دیده نمی‌شود. دائماً گرم و مرطوب است. درخت را بر از پیداوار مهم آن می‌باشد.

فعالیت داخل صنف:

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند و هر گروپ یکی از مناطق اقلیمی آسیا را مورد بحث قرار داده، نتیجه را برای همصنفان خود توضیح کنند.

سؤالها:

- ۱- اقلیم تندری در کدام منطقه آسیا وجود دارد؟
- در ساحل شرقی - در ساحل غربی - در جنوب هند - در حاشیه شمال برابر با عظم آسیا
- ۲- اقلیم جنگلات استوایی دارای چه اوصاف است؟
- بارنده گی زیاد با درجه حرارت گرم () - بارنده گی کم و حرارت تحت صفر ()
- ۳- بنگلہ دیش دارای کدام نوع اقلیم است؟
- اقلیم قطبی - اقلیم تحت قطبی - اقلیم استوایی - اقلیم صحراوی.
- ۴- اقلیم صحراوی در کدام حصه آسیا اکثریت دارد؟

فعالیت خارج صنف:

شاگردان نقشه اقلیمی آسیا را ترسیم کنند و موقعیت افغانستان را در آن نشان دهند.)

لست کشورهای برابع‌هم آسیا

شماره	نام کشور	پایتخت	مساحت به کیلومتر مربع	نفوس به نفر	طرز حکومت
۱	افغانستان	کابل	۶۵۲۰۰	۳۲۰۰۰۰۰	جمهوری اسلامی
۲	امارات متحده عربی	ابوظبی	۸۳۶۰۰	۴۲۱۴۰۰۰	فدراسیون (۷) امیرنشین
۳	اندونزیا	جاکارتا	۱۹۰۴۲۳۳	۲۲۲۷۳۱۰۰۰	جمهوری اسلامی
۴	اردن	عمان	۸۹۳۲۶	۵۵۰۵۰۰۰	شاهی مشروطه
۵	ازبکستان	تاشکند	۴۴۷۴۰۰	۲۶۳۸۳۰۰۰	جمهوری
۶	ایران	تهران	۱۶۴۸۱۹۵	۷۰۴۷۲۸۴۶	جمهوری اسلامی
۷	بحرین	منامه	۶۹۴	۷۷۷۰۰۰	شاهی
۸	برونئی	بندر سری بگاوان	۵۷۶۵	۴۷۵۰۰۰	شاهی
۹	بنگلہ دیش	دакه	۱۴۷۵۷۰	۱۳۸۸۳۵۰۰۰	جمهوری
۱۰	بوتان	تیپو	۴۷۰۰۰	۷۹۰۰۰۰	شاهی مشروطه
۱۱	پاکستان	اسلام آباد	۷۹۶۰۹۵	۱۵۶۷۷۰۰۰۰	جمهوری اسلامی فدرال
۱۲	تاجیکستان	دوشنبه	۱۴۳۱۰۰	۷۰۶۳۰۰۰	جمهوری
۱۳	تایلند	بنکاک	۵۱۳۱۱۵	۶۴۶۳۲۰۰۰	شاهی مشروطه
۱۴	تایوان	تاپیجی	۳۶۰۰۰	۲۲۸۱۵۰۰۰	جمهوری
۱۵	ترکمنستان	عشق آباد	۴۸۸۱۰۰	۴۸۹۹۰۰۰	جمهوری
۱۶	تیمور شرقی	دیلی	۱۴۸۷۴	۱۰۳۲۰۰۰	جمهوری
۱۷	ترکیه	انقره	۷۷۹۴۵۲	۷۲۹۳۲۰۰۰	جمهوری
۱۸	چین	پکنگ	۹۵۷۲۹۰۰	۱۳۱۱۳۸۱۰۰۰	جمهوری
۱۹	روسیه	مسکو	۱۷۰۷۵۴۰۰	۱۴۲۳۹۴۰۰۰	جمهوری فدرالی
۲۰	جاپان	توکیو	۳۷۷۸۱۹	۱۲۷۷۱۶۰۰۰	شاهی مشروطه
۲۱	سریلانکا	کلمپو	۶۵۶۱۰	۱۹۸۷۹۰۰۰	جمهوری
۲۲	سنگاپور	سنگاپور	۶۴۱	۴۴۰۸۰۰۰	جمهوری
۲۳	سوریه	دمشق	۱۸۵۱۸۰	۱۸۵۴۲۰۰۰	جمهوری

شماره	نام کشور	پایتخت	مساحت به کیلومتر مربع	نفوس به نفر	طرز حکومت
۲۴	عراق	بغداد	۴۳۸۳۱۷	۲۸۵۱۳۰۰	جمهوری
۲۵	عربستان سعودی	ریاض	۲۲۴۰۰۰	۲۳۶۸۷۰۰	شاهی مشروطه
۲۶	عمان	مسقط	۳۰۹۵۰۰	۲۵۱۶۰۰۰	شاهی مطلقه
۲۷	فلسطین	قدس	۶۲۶۳	۴۱۴۱۰۰۰	جمهوری
۲۸	فلپین	مانیلا	۳۰۰۰۰۰	۸۵۵۶۳۰۰۰	جمهوری
۲۹	قبرس	نیکوزیا	۹۲۵۰	۱۰۰۴۰۰۰	جمهوری
۳۰	قرغزستان	بیشکک	۱۹۸۵۰۰	۵۱۹۲۰۰۰	جمهوری
۳۱	قرااقستان	استانه	۲۷۱۷۰۰	۱۵۲۴۲۰۰۰	جمهوری
۳۲	قطر	دوحه	۱۱۴۷۱	۸۳۸۰۰۰	امارتی شیخ نشین
۳۳	کمبوڈیا	پنوم پن	۱۸۱۰۳۵	۱۳۶۴۸۰۰۰	شاهی مشروطه
۳۴	کوریای جنوبی	سیول	۹۹۶۴۶	۲۸۱۳۸۰۰۰	جمهوری
۳۵	کوریای شمالی	پیونگ یانگ	۱۲۲۷۶۲	۲۲۵۸۳۰۰۰	جمهوری
۳۶	کویت	کویت	۱۷۸۱۸	۳۰۸۴۰۰۰	شاهی مشروطه
۳۷	لاووس	وین تیان	۲۳۶۸۰۰	۵۷۵۱۰۰۰	جمهوری
۳۸	لبنان	بیروت	۱۰۴۰۰	۳۸۳۴۰۰۰	جمهوری
۳۹	مالدیو	ماله	۲۸۹	۳۰۰۰۰۰	جمهوری
۴۰	مالیزیا	کوالا لامپور	۳۲۹۷۵۸	۲۶۶۴۰۰۰	شاهی مشروطه فدرال
۴۱	مغولستان	اولان باטור	۱۵۶۶۵۰۰	۲۵۸۰۰۰۰	جمهوری
۴۲	میانمار	رنگون	۶۷۶۵۷۷	۴۷۳۸۳۰۰۰	جمهوری
۴۳	نیپال	کتمندو	۱۴۷۱۸۱	۲۷۶۷۸۰۰۰	شاهی مشروطه
۴۴	ویتنام	هانوی	۳۳۱۰۴۱	۸۳۴۵۸۰۰۰	جمهوری
۴۵	هند	دهلی جدید	۳۱۶۵۵۹۶	۱۱۱۹۵۳۸۰۰۰	جمهوری
۴۶	یمن	صنعاء	۵۵۵۰۰۰	۲۰۶۷۶۰۰۰	جمهوری